



دانشگاه پیام نور
مرکز مشهد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق (M.Sc)
گرایش: حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه:

حقوق اشتقاقی و معنوی مؤلفان و مصنفان

استاد راهنما

دکتر احمد فدوی

استاد مشاور

دکتر محمدعلی داوریار

نگارنده

فاطمه زهرا حسینی

بهمن ماه ۱۳۹۸

ایران

تمهید نامه اصالت رساله/پایان نامه

اینجانب نام خانوادگی نام و نام خانوادگی آموخته مقطع دکتری / کارشناسی ارشد ناپیوسته تخصصی در رشته حقوق کیفری که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ از رساله/پایان نامه خود تحت عنوان حقوق کیفری و مجازات با کتب شماره ۱۸ دفاع نموده ام. بدینوسیله تمهید می‌شوم.

(1) این رساله/پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده‌ام.

(2) این رساله/پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (اعم از سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

(3) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره‌برداری اعم از چاپ مقاله، کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه/رساله را داشته باشم، با ذکر نام اسنادان راهت‌ها و مشاور و درج نام دانشگاه پیام نور اقدام خواهم کرد.

(4) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب حقوقی ناشی از آن را می‌پذیرم و همچنین دانشگاه پیام نور مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار کند و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضاء ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

این تمهید نامه باید پس از امضا در متن پایان نامه رساله درج گردد.

تاریخ: ۱۳۹۸ / ۱۱ / ۸
شماره: ۱۲۲۱ / ۱۷۱۹
پوسته:



گنجینه اسناد ملی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صورتحصله دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اقای خانم فاطمه زهرا حسینی

دانشجوی رشته حقوق گرایش حقوق خصوصی

به شماره دانشجویی 963979559

تحت عنوان: حقوق استقافی و معنوی مولفان و مصنفان

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده با حضور هیات داوران در مورخ تاریخ: ۱۱ / ۱۱ / ۱۳۹۸ ساعت ۱۶:۰۰ در محل مرکز مشهد برگزار و پس از ارزیابی پایان نامه مذکور به شرح زیر ارزیابی گردید:

نمره نهایی	دستاوردهای پژوهشی *	دفاع بر مبنای ۱۸	
۱۸	۱۵ -	۱۷	به عدد
صورتجلسه	شرح نمره	توضیحات	به حروف
پایان نامه	درجه ارزیابی		

امضاء	محل خدمت	مرتبیه دانشگاه	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
	پیام نور مشهد		دکتر احمد فدوی بنده قرائین استاد یار	استاد راهنما
	پیام نور مشهد		دکتر محمدعلی داور یار	استاد مشاور
	پیام نور مشهد		دکتر محسن لعل علیزاده	استاد داور
	پیام نور مشهد		دکتر مهدی کریمی	نماینده تحصیلات تکمیلی

نمره نامبرده بر اساس بحثنامهها و دستورالعملهای مربوط به دستاوردهای پژوهشی مستخرج محاسبه و در تاریخ ۱۱ / ۱۱ / ۱۳۹۸ نهایی شده است.

نام و امضای کارشناس پژوهشی مرکز مشهد

* نمره دستاوردهای پژوهشی بر اساس دستورالعمل مربوط به مهلت مغور پس از دفاع تعیین شده و توسط کارشناس پژوهشی محاسبه و نمره نهایی اعلام می گردد.

مشهد، بولوار معلم - معلم ۷۱ - صندوق پستی ۴۳۳ - ۹۱۷۳۵

شماره تلفن: ۰۵۱۱ - ۸۶۸۳۰۰۱

شماره فکس: ۰۵۱۱ - ۸۶۸۳۰۰۱

شماره اینترنتی: ۰۵۷۹

تقدیر و تشکر

باسپاس ویژه از استاد راهنمای گران قدر

جناب آقای دکتر فدوی

باسپاس فراوان از استاد مشاور عزیز

جناب آقای دکتر داوید

که با صبر و حوصله فراوان در همه مراحل تحقیق این جانب راز راهنمایی کرده اند

و از بیچ کلمی دریغ نکردند.

تقدیم نامہ

گاہ پاس توان بیان احساس قدردانی را ندارد.

تقدیم می کنم این تحفه را به کسانی که همواره محاسن و کمالاتشان یاور من بوده

کسانی که تلاش های من در پر تویی حمایت مهربانانه آن ها شکل گرفته

کسانی که زندگی من همیشه حال و هوای آن ها را داشته

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که مهربانانه به من محبت دارند.

چکیده

به‌رغم تغییرات فراوان در باب حمایت از مالکیت معنوی همزمان با پیشرفت علم و فناوری و تنوع آثار مورد حمایت، قوانین موضوعه ایران در این زمینه با ابهامات زیادی روبرو شده است. از این‌رو و جهت همسویی با قوانین بین‌المللی، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۹ در صدد اصلاح قوانین برآمده و پیش‌نویسی ۱۸۰ ماده‌ای از طرف کارگروه نظام حقوقی مالکیت فکری دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۸۹ تدوین کرده است. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی نقاط قوت و ضعف پیش‌نویس از جمله انواع حقوق مادی و معنوی و اشتقاقی و هنری مورد مطالعه قرار گرفته و با کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه مقایسه شده است. از آنجایی که ایران هنوز به هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی در رابطه با حمایت از حقوق ادبی و هنری ملحق نشده، در صورت پذیرش تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی خودبه‌خود ملزم به رعایت مواد ۱ تا ۲۲ مقررات کنوانسیون برن در قوانین مربوطه نیز خواهد بود. همچنین در مورد حقوق اشتقاقی نیز می‌توان اینگونه بیان نمود که بسیاری از قوانین کشورها دامنه آن را وسیع در نظر گرفته و حق انتساب را به اثر اشتقاقی نیز توسعه داده‌اند؛ بنابراین آثار اشتقاقی (برگرفته) مثل ترجمه، اقتباس، تنظیم موسیقی و سایر انواع تبدیل‌های اثر ادبی و هنری، بدون آنکه به حق پدیدآورنده اثر اصلی خدشه‌ای وارد شود. همچون آثار اصیل تحت حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد. در مورد آثار برگرفته از آثار اشتقاقی نیز رعایت جنبه اثبات حق انتساب اثر به پدیدآورنده اثر اشتقاقی توسط دیگران لازم و ضروری است.

کلمات کلیدی: حق تألیف، حقوق مادی و معنوی، حقوق ادبی و هنری، حقوق اشتقاقی، مالکیت معنوی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
کلیات	۱
مقدمه	۲
بیان مسئله	۲
اهمیت و ضرورت تحقیق	۲
پیشینه پژوهش	۳
اهداف تحقیق	۳
سؤال:	۳
فرضیه:	۳
روش اجرای تحقیق	۳
قلمرو تحقیق	۴
فصل اول: مبانی و مفاهیم پژوهش	۵
مقدمه	۶
مبحث اول: حقوق مالکیت معنوی	۷
گفتار اول: نگاهی به تاریخچه حقوق مالکیت معنوی در جهان	۷
گفتار دوم: تعریف مالکیت	۸
بند اول: تعریف لغوی مالکیت	۸
بند دوم: انواع اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی	۸
بند سوم: کپی رایت	۸
مبحث دوم: حقوق مالکیت فکری	۸
گفتار اول: مالکیت صنعتی	۹
گفتار دوم: مالکیت ادبی و هنری	۱۱
بند اول: اندیشه‌های حقوق عرفی	۱۱
گفتار سوم: حقوق مادی و معنوی مؤلف	۱۲
بند اول: ویژگی‌های حقوقی معنوی	۱۶

- الف) غیر قابل انتقال بودن ۱۷
- ب) دائمی بودن حق معنوی ۱۷
- ج) جهانی بودن حقوق معنوی ۱۷
- بند دوم: ویژگی‌های حقوق مادی ۱۷
- گفتار چهارم: حقوق اشتقاقی ۱۷
- مبحث سوم: نقش عرف و قانون در حقوق معنوی مؤلف ۲۰
- گفتار اول: نقش عرف (جایگاه عرف در حقوق معنوی مؤلف) ۲۰
- بند اول: تمسک به عرف ۲۱
- گفتار دوم: اثرهای مورد حمایت قانون ۲۲
- بند اول: شرایط حمایت از اثر ۲۲
- بند دوم: آثار داستان‌نویسی برای کودکان ۲۳
- بند سوم: آئین‌نامه نظارت بر نشر کتاب کودک ۲۴
- مبحث چهارم: مالکیت آثار ادبی و هنری سفارشی ۲۴
- گفتار اول: مالکیت فکری در ایران ۲۷
- گفتار دوم: جنبشی به نام کپی لفت ۲۹
- گفتار سوم: ورود کپی لفت به جهان نوین ۳۲
- گفتار چهارم: دشواری‌های ناشی از مجوزهای کپی لفت ۳۳
- فصل دوم: جایگاه مالکیت معنوی ۳۶**
- مبحث اول: مقررات حمایت از حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران ۳۷
- گفتار اول: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۳۷
- گفتار دوم: قانون مدنی ۳۷
- گفتار سوم: مزایای قوانین حقوق مالکیت معنوی ۳۷
- گفتار چهارم: مفاهیم مربوط به اثر ۳۸
- مبحث دوم: مؤلف و اثر ۴۰
- گفتار اول: ماهیت حق مؤلف ۴۰
- بند اول: نظریه حقوق طبیعی ۴۱
- بند دوم: نظریه حق معنوی ۴۱

۴۲	بند سوم: نظریه حق شخصی
۴۲	بند چهارم: نظریه شبه مالکیت
۴۲	بند پنجم: نظریه اموال حقوقی
۴۳	بند ششم: نظریه امتیاز قانونی
۴۳	بند هفتم: نظریه حقوق کار
۴۳	بند هشتم: نظریه حقوق اخلاقی
۴۴	بند نهم: نظریه جدید
۴۵	بند دهم: نظریه یگانگی حق مادی و حق معنوی
۴۵	بند یازدهم: نظریه دوگانگی حق مادی و معنوی
۴۵	بند دوازدهم: نظریه حقوق فکری
۴۶	گفتار دوم: آرای موافقان حق مؤلف
۴۶	بند اول: نقش عرف
۴۶	بند دوم: تحول حقوق خصوصی
۴۷	گفتار سوم: آرای مخالفان حق مؤلف
۴۸	مبحث سوم: تولیدات فکری مشاع
۴۹	گفتار اول: نحوه بهره‌برداری از مالکیت‌های فکری مشاع
۴۹	گفتار دوم: آثار و اختراعات مرکب یا اشتقاقی
۵۰	مبحث چهارم: استفاده منصفانه یا رایگان
۵۲	مبحث پنجم: ویژگی‌های خاص نظام حمایت از اموال فکری
۵۳	گفتار اول: قاعده استیفای حق
۵۴	گفتار دوم: حق بررسی اثر مقصد
۵۴	گفتار سوم: مالکیت فکری از مقوله‌ی اموال نسبی است
۵۵	فصل سوم: بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی حق تألیف
۵۶	مبحث اول: کنوانسیون‌های تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری
۵۸	مبحث دوم: کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی
۶۰	مبحث سوم: موافقت‌نامه تریپس
۶۳	مبحث چهارم: موافقت‌نامه استراسبورگ در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات

مبحث پنجم: موافقت‌نامه لو کارنو برای ایجاد طبقه‌بندی بین‌المللی طرح‌های صنعتی..... ۶۳

مبحث ششم: معاهده مالکیت فکری در مورد مواد یکپارچه..... ۶۴

نتیجه‌گیری و پیشنهادها..... ۶۶

ضمائم..... ۷۲

منابع و ماخذ:..... ۷۰

کلیات

مقدمه

با توجه به رشد روزافزون تولیدات و آثار مالکیت فکری در ایران و سایر کشورهای جهان و همزمان با پیشرفت تکنولوژی در سایر زمینه‌ها در حوزه مالکیت فکری نیز پدید آمدن آثاری که از آثار قبلی برگرفته شده و در قانون جدید به آن‌ها آثار اشتقاقی گفته می‌شود که معمولاً با کسب مجوز از دارنده حق تکثیر می‌باشد و چنانچه دارای تازگی و اصالت باشد همچون اثر اصلی مورد حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد؛ و پدیدآورنده اثر اشتقاقی از همان حقوق و حمایت‌هایی در قانون برخوردار خواهد بود که پدیدآورنده اثر اصلی و اولیه در قانون برخوردار می‌باشد.

بیان مسئله

مالکیت ادبی و هنری از دیرباز به‌عنوان اقسامی از مالکیت در دنیا شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است، ایران از سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون "حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" مالکیت ادبی و هنری به رسمیت شناخت. در تعریفی که از مؤلف می‌شود او را فردی می‌دانند که نوشته‌ها و آثار و ابتکارات دیگران را جمع‌آوری و با ذوق و ابتکار شخصی خودش عرضه می‌کند.

مصنف فردی است که اثر عملی یا ادبی ابتکاری و جدید را پدید می‌آورد و زمانی که تصنیف در زمینه‌ی هنری باشد به چنین پدیدآوری هنرمند گفته می‌شود.

طبق ماده اول قانون "حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده اطلاق می‌شود و آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار مؤلف و مصنف و هنرمند پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن بکار رفته اثر اطلاق می‌شود.

حقوق معنوی نیز حقوقی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا از منافع و شکل خاصی از کار و فکر انسان به انحصار استفاده کند.

حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان نظریه ماهیت دوگانه حقوق مالکیت فکری را پذیرفته است. پدیدآورنده نه تنها از منافع مادی و مالی اثر بهره‌مند می‌شود بلکه دارای حقوق دیگری نیز نسبت به اثر است که ماهیت اقتصادی نداشته و باشخصیت او ارتباط تنگاتنگ قرار دارند و از آن به حقوق معنوی تعبیر می‌شود. تمامی قوانین و مقررات ایران مرتبط با حمایت از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزاری بر وجود حقوق معنوی برای پدیدآورنده تأکید کرده‌اند. قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ در ماده ۳ خود حقوق پدیدآورنده را شامل حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او دانسته است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

افزایش روزافزون چاپ و نشر کتاب و مجلات و نشریات در زمینه‌های مختلف ما را بر آن داشت تا ببینیم که آیا در قوانین موجود در کشور از حقوق مؤلفین و مصنفین و مؤلفان به نحو شایسته و بایسته حمایت به عمل آمده است یا خیر.

در این تحقیق سعی شده است از حقوق معنوی و هنری و اشتقاقی مؤلف و چگونگی اجرای این حق سخن گفته شود و به این مسئله پرداخته شود که آیا قوانین تصویب شده در این حوزه همه نیازهای مؤلفان و مصنفان را پاسخگو می‌باشد یا خیر

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پایان‌نامه تحقیق چندانی انجام نگرفته است و با جستجو که در سایت‌های حقوقی و پایگاه‌های اینترنتی توسط محقق صورت گرفته است تاکنون پایان‌نامه‌ای در این خصوص نگاشته نشده است اما اگر بتوان از موضوعاتی که کمی شبهه به تحقیق (پایان‌نامه) این جانب باشد می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد:

۱. مالکیت معنوی دکتر قبولی و محسنی

۲. مالکیت معنوی دکتر شیروی

اهداف تحقیق

هدف اصلی: ارائه راه‌حلی با توجه به ظرفیت حقوقی در مسئله حقوق اشتقاقی و هنری و معنوی مؤلفان و مصنفان و هنرمندان کشورمان

اهداف فرعی: بیان نقاط ضعف و کاستی‌های قوانین موجود در خصوص حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان.

سؤالات تحقیق

۱. آیا نظام قانون‌گذاری در ایران به نحو شایسته و مطلوب حمایت‌های لازم را از حقوق اشتقاقی و معنوی مؤلفان و مصنفان مدنظر قرار داده است؟

۲. آیا آثار اشتقاقی مشمول حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است؟

فرضیات

۱. به نظر می‌رسد آثار اشتقاقی و حقوق ناشی از آن‌ها به دلیل دارا بودن اصالت و خلاقیت پدیدآورنده آن در بسیاری از کشورها به‌عنوان اثری مستقل تحت حمایت قانونی قرار گرفته است. ولی در کشور ما هنوز با ابهامات بسیاری روبه‌رو است.

۲. به نظر می‌رسد، قانون‌گذار ایران همگام با استانداردهای بین‌المللی و به نحو شایسته و بایسته حقوق اشتقاقی و معنوی مؤلفان و مصنفان را مورد حمایت قرار نداده است.

روش اجرای تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. روشی که محقق برای تحقیق خود به کار خواهد گرفت روشی توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است لذا محقق قصد دارد که با جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مقالات و نوشته‌های حقوقی اثر نو و درعین حال کاربردی ارائه دهد البته لازم به ذکر است محقق برای جمع‌آوری تحقیق حاضر از ابزار فیش‌برداری از کتب و مقالات علمی نیز بهره‌برداری خواهد کرد.

قلمرو تحقیق

قلمرو این تحقیق از ابعاد موضوعی، بررسی قوانین و رویه قضایی و دکترین حقوقی راجع به حقوق معنوی و اشتقاقی و هنری مؤلف در ایران می‌باشد.

از منظر مطالعات حقوقی انجام‌شده قلمرو این تحقیق از حیث مکانی ایران و بعد زمانی از سال ۱۳۴۸ تا عصر حاضر می‌باشد

ساختار تحقیق

این تحقیق با هدف بررسی حقوق اشتقاقی و معنوی مولفان و مصنفان گردآوری شده است. بخش اول این تحقیق با کلیات شروع می‌گردد و در ادامه سه فصل فصل اول: مبانی و مفاهیم پژوهش، فصل دوم: جایگاه مالکیت معنوی و سپس فصل سوم: بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی حق تألیف آورده شده است و در پایان نیز نتیجه گیری و پیشنهاداتی درباره موضوع آورده شده است. پس از آن نیز منابع و ضمایم بیان شده اند.

فصل اول: مبانی و مفاهیم پژوهش

مقدمه

حقوق معنوی از جمله حقوقی است که در گذشته‌های دور از اهمیت چندانی برخوردار نبود و گذشتگان حتی تصویری از حق معنوی در مخیله‌شان نمی‌گنجید. با پیشرفت‌هایی که بشر در زمینه‌های مختلف زندگی داشت، کم‌کم ضرورت توجه به این حق معنوی در تمامی حقوق دیگری که برای یکایک افراد بشر قائل می‌شدند از جمله حقوق مادی و عینی مثل حق مالکیت، حق ارتفاق، حق انتفاع و سایر حقوق دیگر، جای خود را در کنار حقوق مادی باز کرد و قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۴۸ به تصویب قوانینی در این زمینه پرداخت.

ایران از سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون "حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان" مالکیت ادبی و هنری را به رسمیت شناخت. در تعریفی که از مؤلف می‌شود او را فردی می‌دانند که نوشته‌ها و آثار و ابتکارات دیگران را جمع‌آوری و باذوق و ابتکار شخصی خودش عرضه می‌کند. مصنف فردی است که اثر علمی یا ادبی جدیدی را پدید می‌آورد؛ و زمانی که تصنیف در زمینه هنری باشد به چنین پدیدآوری هنرمند گفته می‌شود. طبق ماده اول قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان "به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و ظهور و یا ایجاد آن به کاررفته" اثر "اطلاق می‌شود.

همچنان که در تعریف اثر گفته شد صرف‌نظر از روشی که آن را ایجاد نموده به محض ایجاد قابل حمایت قانون‌گذار ایرانی است و این امر باعث برداشته شدن گام مهمی در جهت ایجاد انگیزه در صاحبان آثار و تشویق و ترغیب آنان برای پدید آوردن آثار بهتر می‌شود. البته این حمایت زمانی صورت می‌گیرد که فرآیند ثبت آثار طی شده باشد و همین حمایت از آثار، خود نیز دارای شرایطی است که در ماده ۲۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان گفته شده است. طبق این قانون حقوق مادی پدیدآورنده مواقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد. البته چنانچه صاحب اثر به ثبت اثرش پرداخته باشد و اثر شرایط حمایت را داشته باشد برای صاحب اثر امتیازاتی را در بر خواهد داشت که اولین و مهم‌ترین آن، ادعای استناد اثر به صاحب اثر به خود در برابر دیگر ادعاها می‌باشد و او را در موقعیت برتر اثباتی نسبت به دیگران قرار می‌دهد و چنانچه به هر نحوی از انحاء به حقوق مادی یا معنوی پدیدآورنده نسبت به اثر توسط افراد ثالث خدشه‌ای وارد آید، پدیدآورنده‌ای که گواهی ثبت اثرش را در دستان خود داشته باشد، با طیب خاطر و کاملاً مستند می‌تواند برای احقاق حق خودش از عملکرد شخص ثالث شکایت نماید و بدین طریق به حق قانونی خود برسد ولیکن چنانچه پدیدآورنده به هر دلیلی اثر خود را به ثبت نرسانده باشد، بدون مدرک در دادگاه هیچ راهی را از پیش نخواهد برد و در ابتدای امر اول باید ثابت نماید که این اثر متعلق به او و اولین پدیدآورنده خود او می‌باشد که مطمئناً مستلزم گذشت زمانی دراز و هزینه‌های اضافی بر خود و دادگاه را باعث می‌شود و چنانچه بتواند رأی و نظر کارشناسان رسمی دادگستری را جلب نماید و آن‌ها با رسیدگی‌های انجام‌شده او را صاحب حق تشخیص دهند تازه بعد از این باید به ثبت اثرش مبادرت ورزد.

مبحث اول: حقوق مالکیت معنوی

گفتار اول: نگاهی به تاریخچه حقوق مالکیت معنوی در جهان

در قدیم، حقوق مالکیت فکری یا مالکیت معنوی جایگاهی در میان انواع حقوق شناخته شده در جوامع بشری وجود نداشت و در جوامع مختلف حقوق معنوی یا فکری شناخته شده نبود.

در حدود سال‌های ۱۴۴۰ میلادی در زمانی که گوتنبرگ برای اولین بار صنعت چاپ را اختراع کرد و امکان چاپ و نشر و تکثیر آثار و محصولات فکری آن‌هم به شکل بسیار انبوه در جامعه فراهم گردید، بالطبع به همان نسبت امکان زمینه تجاوز به حقوق پدیدآورندگان و تقلب نسبت به آثار مختلف آن‌ها فراهم گردید.

و این آغازی بود برای اهتمام دولت‌ها تا آنکه چاره‌ای بیندیشند و در مقابل تقلب‌ها و تجاوزهای سوءاستفاده کنندگان از اثر پدیدآورندگان بایستند و این مهم انجام نمی‌شد مگر با تصویب قوانینی سخت‌گیرانه در این مورد تا بدین ترتیب از حقوق پدیدآورندگان حمایت نمایند؛ و این امر دولت‌ها را ملزم ساخت تا آنکه به فکر چاره‌ای برای حفاظت از حقوق اثر پدیدآورندگان شوند و در این زمینه احکام و قوانینی را به تصویب رساندند.

البته پیشرفت‌های بشر در دیگر زمینه‌های مختلف نیز مستلزم تصویب احکام و قوانینی مختلف در همان زمینه را برای دولت‌ها فراهم می‌آورد تا از سوءاستفاده‌های احتمالی بکاهد و قوانینی را در هر جامعه‌ای حاکم می‌کند

تا حقوق آحاد بشر را در هر زمینه‌ای محفوظ بدارد و این امر شامل حقوق معنوی و فکری نیز شده است، هرچند حقوق مالکیت معنوی با سیری کند به این مهم دست‌یافت، اولین قانونی که در جهت حمایت از

مالکیت فکری و معنوی وضع گردید قانون ثبت اختراعات فرانسه است که در سال ۱۴۷۴ میلادی وضع گردید و این آغازی بود برای به رسمیت شناختن حق مالکیت فکری و معنوی که به مرور زمان و سال‌های بعد این

حق همچون حقوق مادی، مورد احترام بیشتری قرار گرفت بعدها کنوانسیون پاریس توسط کشور بلژیک، برزیل، السالوادور، فرانسه، گواتمالا، ایتالیا، هند، پرتغال، صربستان، اسپانیا و سوئیس به امضا رسید که شامل

۳۰ ماده است و در تاریخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳ در پاریس به امضا رسید. یک سال بعد در ۷ ژوئیه سال ۱۸۸۴ نیز کشورهای انگلیس، تونس و اکوادور به آن ملحق شوند و اعضای این کنوانسیون که برای حمایت از مالکیت

صنعتی تصور شده بود به ۱۴ عضو افزایش یافت. «در سال‌های اولیه قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم تعداد کشورهای عضو افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یافت. این کنوانسیون در مواقع مختلف مورد تجدیدنظر قرار گرفته

است که از آن جمله می‌توان به تجدیدنظر آن در بروکسل در سال ۱۹۰۰ و همچنین تجدیدنظر دیگر در سال ۱۹۱۱ در واشنگتن اشاره کرد. نسخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ که در استکهلم مورد تجدیدنظر مجدد قرار گرفت. توسط

موافقت‌نامه TRIS مورد استشهاد قرار گرفته است. این کنوانسیون تحت نظارت و کنترل سازمان جهانی مالکیت فکری (وای‌پو) می‌باشد» (فحتی زاده و بزرگی، ۸۳: ۱۲ و ۱۳)

و به مرور زمان این قوانین اضافه شد تا این‌که در سال ۱۹۸۵ میلادی قانونی کامل شده تر قوانین قبلی را در فرانسه تکمیل کرد و مهر تأییدی بود بر هر چه بیشتر شناسایی و مقبولیت یافتن این قانون.

در کشور انگلستان نیز در سال ۱۶۲۴ میلادی ابتدا قانون حمایت از اختراعات به تصویب رسید و در اثر مرور زمان در ده آوریل سال ۱۷۱۰ میلادی به‌عنوان نخستین قانون حق مؤلف یا قانون معروف ملکه آن به تصویب

رسید؛ و حق انحصاری چاپ به مدت ۲۱ سال به مؤلف داده می‌شد و چنانچه مؤلف به هر دلیلی کتاب را به

چاپ نرسانده بود، برای مدت ۱۴ سال این حق به او داده می‌شد که در سال‌های بعد این قوانین تکمیل تر شدند تا جایی که طبق بند ۱ ماده ۱۲ قانون ۱۹۸۸ انگلستان مدت حمایت از آثار ادبی، هنری، نمایشی و موسیقایی، تمام عمر مؤلف و پنجاه سال پس از مرگ اوست.

در آلمان نیز قانون پروس سال ۱۸۳۷ میلادی بود که برای اولین بار به حق مؤلف پرداخت. هرچند در ابتدا به نظر می‌رسید که منابع و فایده‌های مادی بر جنبه‌های دیگر حق مؤلف غلبه داشته باشد ولیکن در قوانینی که بعدها به تصویب رسید از جمله قانون ۱۹۳۶ میلادی بر روی شخصیت پدیدآورنده ناکید بیشتری می‌شد و توجه توأمان به حقوق مادی و معنوی مؤلف گردید.

قوانین کشورهای سوئیس، ایتالیا و اتریش نیز از همین اندیشه همزمان توجه به منافع مادی و معنوی پیروی می‌کند.

گفتار دوم: تعریف مالکیت

بند اول: تعریف لغوی مالکیت

مالکیت کلمه‌ای است که ریشه در لغت عربی دارد و منشأ آن مال و ملک است کلمه مالکیت در لغت و ادبیات مصور جعلی یا ثنایی نامیده شده و معنا مالک یا صاحب بودن آمده و از اسم فاعل ملک، یملک گرفته شده است. ممکن است کلمه مالکیت را مصور توصیفی نیز نامند. (امامی، ۱۳۸۶: ص ۲۷)

بند دوم: انواع اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی

با توجه به موضوع اختلافات مالکیت معنوی می‌توان آن‌ها را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی نمود مثلاً اختلافات مربوط به کپی‌رایت و اختلافات مربوط به علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های جغرافیایی و حق اختراع و....

بند سوم: کپی‌رایت

یکی از انواع حقوق مالکیت معنوی حقوق مربوط به حمایت از نویسندگان و هنرمندان از کارهای ادبی و هنری‌شان می‌باشد. این حقوق دارای دو جنبه است: از یک‌سو جنبه معنوی داشته و از سوی دیگر دارای آثار مادی هستند لذا دو نوع حق مادی و معنوی باهم برای صاحب اثر وجود دارد حق بهره‌برداری انحصاری ناشی از تأثیر یا نمایش یا عرضه عمومی اثر که دربردارنده منافع مالی است و حق مادی خوانده می‌شود. علاوه بر حق نیز تکثیر و حق اقتباس و تلخیص هستند. حقوق معنوی نیز مزایایی هستند قانونی و غیرمادی که با شخصیت پدیدآورنده اثر فکری که به‌موجب آن، وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص برخوردار می‌باشد ارتباط پیدا می‌کند و شامل حق انتصاب، تصمیم‌گیری در مورد انتشار اثر و حرمت اثر که از ویژگی‌های آن غیرقابل انتقال بودن و محدود نبودن به زمان و مکان است. (وکیل، ۱۳۸۳، ص ۴۳)

مبحث دوم: حقوق مالکیت فکری

مالکیت فکری، مالکیت و سلطه قانونی است که به‌موجب آن صاحب اثر می‌تواند از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا اندیشه ابرازشده خود به‌طور انحصاری استفاده نماید.

مالکیت فکری، همان‌طور که از اسم آن برمی‌آید، زاینده فکر بشر است و دلالت دارد بر خلاقیت‌های فکری از قبیل آثار ادبی و هنری، اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های استفاده‌شده در تجارت و بازرگانی و غیره. مالکیت فکری را می‌توان زاینده تمدن جدید بشریت دانست. حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری که از راه دانش، هنر یا ابتکار آفریننده پدید می‌آید. هدف از حمایت این حقوق، تشویق و ترغیب و گرایش به ایجاد آفرینش‌های فکری و آزادسازی دسترسی به آن‌ها باهدف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بهبود زندگی بشر است. آرپاد بگش arpad bagsch در این باره می‌نویسد: " آثار هنری، ابداع و اختراع زاینده روح و اندیشه بشری است، این آثار برای انسان‌ها لیاقت و شایستگی زندگی را تأمین می‌کنند. این از وظایف دولت‌هاست که از هنرها و اختراعات حمایت نمایند. این متن روی گنبد بنای سازمان جهانی مالکیت فکری (وای‌پو) در ژنو به ۶۱ زبان دنیا از جمله فارسی نوشته شده است. (نوروزی ۱۳۸۱، ص ۱۹) اصطلاح حقوق فکری را نخستین بار پیکار ((picard حقوق‌دان بلژیکی در ۱۸۹۹ به کار برده است و بعضی از حقوق‌دانان به جای آن، اصطلاح "مالکیت‌های غیرمادی"، "حقوق بر اموال غیرمادی" و "حقوق جلب مشتری" را به کار برده‌اند (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۶۹)

حقوق مالکیت فکری در زبان حقوقی ما غالباً به "حقوق مالکیت معنوی" ترجمه شده است. اگرچه بعضی از استادان با این تسمیه موافق نبوده و اصطلاح حقوق مالکیت فکری را پیشنهاد نموده‌اند، زیرا به نظر این گروه، کلمه "معنوی" شاید جامع باشد، ولی مانع نیست. کلمه "معنوی" در لغت منسوب به معنی و مقابل مادی، صوری و ظاهری تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ ب، ص ۲۱۱۹۰)، حال آنکه منشأ این حقوق فکر و اندیشه و تعقل است.

منظور از حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آن شیء مادی نیست، در واقع موضوع این حقوق اثر فکری است. حقوق مالکیت فکری برای ایجاد انگیزه در تولید و آفرینش آثار خلاق و بدیع ضروری است. حقوق مالکیت فکری خاطر فرد یا جمع را مطمئن می‌سازد که محصول فکری، مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرد و در برابر تجاوزات غیرقانونی حمایت می‌شود؛ بنابراین، حقوق مالکیت فکری برای صاحبان آن دارای ارزش و اهمیت فراوانی است؛ و این اشخاص همواره تلاش می‌کنند که از حمایت آن هر چه بیشتر استفاده می‌نمایند. البته باید خاطر نشان کرد فکر نو تا زمانی که ضبط نشده باشد یا به شکل خاصی آشکار نشده باشد، به عنوان مالکیت فکری پدیدآورنده‌اش محسوب نمی‌شود. حقوق مالکیت فکری از حقوق خاصی است و به طور کلی به دودسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: الف: مالکیت صنعتی، ب: مالکیت ادبی و هنری یا حق مؤلف. (نوروزی، ۱۳۸۱: ص ۲۰)

گفتار اول: مالکیت صنعتی

حمایت از مالکیت صنعتی در حقوق ایران سابقه طولانی‌تری از مالکیت ادبی و هنری دارد و قوانین متعددی در این زمینه به تصویب رسیده است؛ و رویه قضایی نیز در این خصوص شکل گرفته و از غنای خوبی برخوردار است. نظام حمایت از مالکیت صنعتی در ایران جز در موارد استثنایی با روند جهانی کاملاً هماهنگ است. اشاعه و حمایت از حقوق مالکیت صنعتی برای نخستین بار در عصر رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) شروع

شد و نخستین قانون ثبت علائم تجاری ایران تصویب گردید و به مرحله اجرا درآمد. این قانون در ۹ فروردین ماه ۱۳۰۴ در ۱۸ ماده و ۵ تبصره به تصویب رسید و آئین‌نامه اجرایی آن دو سال بعد، یعنی در ۲۶ تیرماه ۱۳۰۶ تصویب شد. این نکته قابل توجه است که نخستین قانون ثبت علائم تجاری ایران قبل از اجرای قانون مدنی اجرا شد.

مطابق تعریف این قانون علامت تجاری عبارت است از هر قسم علامت، اعم از رقم، حرف، عبارت یا نقش است که برای امتیاز و تشخیص یک محصول صنعتی یا یک شیء یا موسسه تجاری به کار می‌رود. مرکز ثبت علائم تجاری در این قانون در وزارت تجارت سابق تعیین شده بود و وزارت تجارت ملزم گردیده بود، علامت را با تمام مشخصات آن ثبت و تصدیق ثبت را به متقاضی بدهد و خلاصه آن را در مجله تجارت و فلاحه به چاپ رسانیده و انتشار دهد.

اتباع خارجی که در ایران دارای تأسیسات صنعتی یا تجاری بودند، یا اجناس خود را با علامت تجاری مخصوص، به ایران ارسال می‌کردند، در صورت ایفای ترتیبات مقرر این قانون از فواید آن بهره‌مند می‌شدند. قرارداد حمایت از تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی و تجاری و اسامی تجاری و طرح‌ها و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی مشتمل بر دو ماده در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۳۰ (۱۵ اسفندماه ۱۳۰۸) بین دولت‌های ایران و آلمان امضاء و در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۰۹ توسط مجلس شورای ملی تصویب شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵). (نوروزی، ۱۳۸۱: ص ۲۷ و ۲۸) به‌طور خلاصه تا ۱۳۰۴ قانونی در ایران برای حمایت و ثبت علائم تجاری وجود نداشت. در این سال قانون "علامات صنعتی و تجاری" به تصویب رسید و از ۱۳۰۵ به اجرا درآمد و اداره ثبت علائم پس از ثبت، در مجله فلاحه از اول شهریورماه ۱۳۰۷ به ترتیب شماره ثبت، درج و منتشر گردید.

اداره علائم پس از ۱۳۰۹ در وزارت اقتصاد ملی مرکزیت یافت و علائم در مجله اقتصاد ملی چاپ می‌شد و اداره آن به نام "دفتر علائم صنعتی و تجاری" بود که جزو اداره کل امور اقتصاد بود. در سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات با سه فصل و ۵۱ ماده به تصویب رسید و از ۱۵ تیرماه همان سال به مرحله اجرا درآمد. فصل اول این قانون به ثبت علائم تجاری، فصل دوم به ثبت اختراع و فصل سوم به مقررات مشترک اختصاص دارد. طبق ماده ۲۶ این قانون هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در حوزه‌های مختلف صنعتی و کشاورزی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد و طبق ماده ۲۷ قانون پیش‌گفته هر کس مدعی باشد که ابداع محصول جدید صنعتی کرده است یا وسیله جدیدی را کشف کرده یا وسایل موجود را به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا کشاورزی به‌کار برده است، می‌تواند تقاضای ثبت اختراع کند. (همان، ص ۲۹)

به‌موجب ماده ۵۰ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، قانون ۹ فروردین ماه ۱۳۰۴ نسخ شده است. آئین‌نامه اجرائی این قانون تحت عنوان "اجرای قانون علائم تجاری و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ تهیه و در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ تصویب شد که مشتمل بر ۵۹ ماده و چهار باب است. (همان، ص ۲۹)

آئین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ نیز بعداً در ۱۳۳۷ تصویب شد که به‌طور تفصیلی مقررات مربوط به ثبت علائم تجاری و اختراعات را بیان نموده است. در ابتدا

دایره ثبت شرکت‌ها و علائم و اختراعات و در ۱۳۳۷، پس از الحاق ایران به قرارداد پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به وجود آمد که مرکز ثبت شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیر تجاری و علائم و اختراعات بود (صدارت؛ نراقی، ۱۳۳۵، ص ۷۶ تا ۸۰)

با تصویب قانون سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۲ و تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک کشور، نام اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تغییر یافت. اداره کل مزبور از ترکیب دو اداره ثبت شرکت‌ها که متکفل امر ثبت مؤسسات غیر تجاری و شرکت‌های داخلی در حوزه تهران و خارجی در سطح کشور بود و اداره دیگر موسوم به اداره مالکیت صنعتی که وظیفه‌اش ثبت علائم تجاری و اختراعات اعم از داخلی و خارجی در سطح کشور بود به وجود آمد (عابدی درچه، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مجلس شورای اسلامی به ادامه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به قرارداد بین‌المللی پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی رأی داد و در حال حاضر ایران عضو قرارداد پاریس است. بر این اساس متن تجدیدنظر شده در سال ۱۹۵۸ در لیسبون و در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ را پذیرفته و آن را لازم‌الاجرا می‌داند. (امینی، ۱۳۷۶، ص ۱۸) (همان، ص ۳۰ تا ۳۱)

گفتار دوم: مالکیت ادبی و هنری

پیش از عصر رضاشاه در ایران هیچ‌گونه قانونی درباره حق مؤلف وجود نداشت و کتاب‌هایی که چاپ می‌شدند، معمولاً حق تقلید و چاپ را محفوظ اعلام می‌کردند، بی‌آنکه ضمانت اجرایی داشته باشند. در واقع عبارت "حق طبع محفوظ" چیزی جز عبارت صوری و غیر نافذ نبود.

در سال ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی ایران تهیه و تصویب می‌شد، مقرراتی هم راجع به حقوق مؤلف و حمایت آن در این قوانین گنجانیدند که مواد ۲۱۳ مکرر و مواد ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، از فصل یازدهم، مبحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت به مسئله حقوق مؤلفان و مصنفان و تخلفات چاپ و فروش آثار قابل طبع اختصاص داده شده بود (صدارت؛ نراقی، ۱۳۵۵، ص ۹۸). این مواد در واقع ترجمه مواد ۴۲۵ تا ۴۲۹ قانون فرانسه است (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۴۷). (نوروزی، ۱۳۸۱: ص ۳۱)

بند اول: اندیشه‌های حقوق عرفی

حقوق پدیدآورندگان در مقایسه با بسیاری از موضوعات حقوقی، تأسیس جوان و نوپایی است. از همان روز آغاز پیدایش، از سوی صاحب‌نظران درباره ماهیت آن دیدگاه‌های متعدد و گاه متضادی ابراز گردیده است. این امر بدان جهت است که این مقوله حقوقی از هیئتی واحد و یکپارچه برخوردار نیست؛ از یکسو پدیدآورنده حقی مادی در کف دارد که بر اساس آن دارای حق مالکیتی بر نسخه اصلی اثر است که بی‌گمان مالکیت بر عین به شمار آمده و موجب نتایج مالی است و باز هم حقی انحصاری در اختیار دارد که هرگاه بخواهد می‌تواند اثر را نشر و عرضه نموده، یا به معرض نمایش بگذارد و از آن بهره مادی بجوید. روی دیگر این تأسیس حقوقی، حق معنوی است که نمایانگر شخصیت آفرینش‌گر است و او با استناد به این حق، مانع از تجاوز دیگران به اثر پدید آمده می‌گردد. علاوه بر این‌ها، دخالت قدرت عمومی و ایجاد محدودیت‌های خاص، ماهیت ویژه‌ای به این اثر بخشیده است.

بنابراین وقتی سخن از ماهیت حقوق پدیدآورندگان به میان می‌آید، باید مجموعه این ویژگی‌ها و اختصاصات مدنظر قرار گیرد. مهم‌ترین نظریه‌ها از قرار زیر می‌باشد: (آیتی، ۱۳۹۳، ۵۳)

گفتار سوم: حقوق مادی و معنوی مؤلف

حقوق معنوی و هنری، حقوقی است که به صاحب آن که دارای آثاری از جمله آثار هنری، شعر، داستان، رمان، موسیقی، آثار سینمایی و غیره می‌باشد، اجازه می‌دهد تا از منافع و شکل خاصی از کار و فکر خود به شکل انحصاری استفاده کند.

ماده ۲ - قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به این آثار اشاره می‌کند. آنجا که می‌گوید: اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱. کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته‌ی دیگر علمی، فنی ادبی و هنری
۲. شعر، ترانه، سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۴. اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۵. نقاشی، تصویر، طرح، نقش، نقشه جغرافیایی ابتکاری، نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
۶. هرگونه پیکره (مجسمه)
۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.
۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.
۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.
۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.
۱۱. اثر فنی که جنبه‌ی ابداع و ابتکار داشته باشد.
۱۲. هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

شایان ذکر است که ایران نیز همانند دیگر کشورهای جهان نظریه ماهیت دوگانه حقوق مالکیت فکری را پذیرفته است؛ یعنی پدیدآورنده، نه تنها از منافع مادی و مالی اثر خود بهره‌مند می‌شود، بلکه حق دیگری را نیز قانون ایران برای پدیدآورنده قائل شده است که گرچه ماهیت اقتصادی ندارد ولیکن با شخصیت پدیدآورنده ارتباطی تنگاتنگ داشته است و همچنین با پاسداشت این حق می‌توان گفت ماهیت اقتصادی را نیز برای پدیدآورنده به ارمغان می‌آورد؛ و آن حقوقی نیست جز حقوق معنوی.

قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ در ماده ۳ خود به حق معنوی در کنار حق مادی اشاره می‌کند:

ماده ۳- حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

البته در مواد ۱۷ و ۱۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نیز برخی دیگر از اقسام حقوق معنوی را قانون‌گذار ایران به دلیل احترام به حقوق پدیدآورنده به رسمیت شناخته است. همچنان که ماده ۱۹ قانون مذکور نیز حق سرپرستی اثر را مورد حمایت قرار می‌دهد.

شایان ذکر است که حقوق معنوی پدیدآورنده همیشه برقرار بوده و دائمی است. همچنان که ماده ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مقرر می‌دارد: "حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

قانون‌گذار در هر زمان و مکانی از حقوق پدیدآورنده حمایت می‌کند و حق معنوی را غیرقابل انتقال می‌داند. هر چند که پدیدآورنده در انتقال حقوق مادی یا مالی اثر خود آزاد است. همان‌گونه که در ماده ۵ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به آن اشاره می‌کند و جهات انتقال حقوق مادی و مالی مؤلف را برمی‌شمارد: پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

۱. تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
۲. نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایش‌های دیگر.
۳. ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر.
۴. پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.
۵. ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن.
۶. استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.
۷. بکار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.
۸. شایان ذکر است که استفاده از حقی که در ماده ۵ بدان اشاره شد مشروط به این است که اثر، محصول فکر و اندیشه خلاق پدیدآورنده به تنهایی باشد.

لذا چنانچه اثر محصول مشترک دو یا چند پدیدآورنده باشد. رضایت سایر شرکا در واگذاری حق مادی اثر شرط می‌باشد. همان‌گونه که در ماده ۶ به آن اشاره شده است.

ماده ۶ اذعان می‌دارد: "اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است."

همان‌گونه که اشاره شد حقوق معنوی مؤلف طبق ماده ۴ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان غیرقابل انتقال است، ولیکن حقوق مادی یا مالی پدیدآورنده قابل نقل و انتقال می‌باشد و این امر هم شامل زمان حیات هنرمند یا مؤلف و یا مصنف می‌باشد و نیز شامل بعد از حیات او از طریق ارث و وصیت می‌باشد. همچنان که ماده ۱۲ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بدان اشاره می‌دارد:

"ماده ۱۲ - مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی

منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت."

همچنین برای اثرهای مشترک نیز قانون تدابیری را اندیشه است که در تبصره ماده ۱۲ به آن اشاره شده است: "مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود." و طبق ماده ۱۸ قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد و یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیرشده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند، مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

قانون در این راستا بازم شروطی را مقرر کرده است که باعث می شود حمایت هر چه بیشتری از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان شده است؛ و استفاده یا استناد و یا اقتباس از اثر دیگران را همراه بانام پدیدآورنده آن هم در صورت داشتن اجازه قانونی می داند.

همچنین قانون هرگونه تغییر یا تحریفی را بدون اجازه صاحب اثر ممنوع می داند، آنجا که می گوید: "طبق ماده ۱۹ هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای موردحمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است."

هرچند ماده ۱۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار حقوقی، تعقیب فرد بزهکار را منوط به شکایت شاکی خصوصی می داند و گذشت شاکی خصوصی را هم باعث موقوفی شدن تعقیب می داند. ماده ۱۲ اذعان می دارد: "تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و باگذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می شود."

همان طور که اشاره شد حقوق مادی پدیدآورنده موقت است و استفاده از این حق به طور دائم در اختیار پدیدآورنده نمی باشد و او تنها در طول حیات خود می تواند از حقوق مالی و مادی اثر خود استفاده نماید، برخلاف حقوق معنوی که دائم و همیشگی است.

آنچه از حقوق حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان گفتیم، از حقوق مادی و مالی و معنوی و همه‌ی این‌ها مستلزم این است که مؤلف و مصنف و هنرمند مبادرت به ثبت اثر خود برای اولین بار آن هم در کشور ایران نماید؛ و چنان چه پدیدآورنده مبادرت به ثبت اثر خود نکند و چنانچه فکر نو و خلاقانه فقط در حد یک اندیشه باقی بماند و به منصفی ظهور نرسد، هیچ حقی برای آن نمی توان قائل شد چون نمود ملموس و عینی ندارد و فقط در مخیله و اندیشه‌ی صاحب آن قرار دارد و مؤلف باید نوشته خود را به ثبت برساند تا از حمایت قانون برخوردار شود هرچند در ایران ثبت آثار اجباری نیست ولیکن چنانچه پدیدآورنده بخواهد از حقوقی که قانون حمایت حقوق مصنفان، مؤلفان و هنرمندان بهره‌مند شود باید به ثبت اثر خود مبادرت ورزد.

قانون حمایت حقوق مادی و معنوی هنرمندان و مؤلفان و تکمیل این قانون به‌مرورزمان در کشور عزیزمان ایران باعث شد تا حدی حقوق مؤلفین و مصنفین و هنرمندان در کشور ایران همچون سایر کشورها محترم و قابل دفاع باشد هرچند در این زمینه کاستی‌ها و نارسایی‌هایی نیز به چشم می خورد و جای پیشرفت در این

زمینه‌ها هنوز وجود دارد و می‌تواند بازنگری‌هایی در این قوانین داشت تا بتوان حمایت از این قشر از جامعه را هرچند بیشتر از قبل داشت.

همان‌طور که از ماده ۲۳ قانون ۱۳۴۸ برمی‌آید هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً و عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر، یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی تا سه سال محکوم می‌شود. در مورد ترجمه نیز ماده ۲۴ اشاره می‌کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم‌علیه و البته در ماده ۳۱ قانون مصوب سال ۱۳۴۸، این جرائم از جرائم قابل گذشت است و چنانچه شاکی خصوصی از شکایت خود صرفه نظر کند، باگذشت او دعوا موقوف می‌شود. البته در صورتی که برای مقاصد غیرانتفاعی اثر بازپخش یا چاپ مجدد شود مجاز است همان‌طور که در ماده ۱۱ از قانون مصوب ۱۳۴۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ذکر گردیده است.

ماده ۱۱- نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجازات و بند ۱ از ماده ۲ به شرح زیر می‌باشد:

کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی، فنی ادبی و هنری.

شایان ذکر است که در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ نیز در مواردی به این موضوع فوق اشاره گردیده است. در ماده ۲ می‌خوانیم:

تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش و بهره‌برداری مادی از طریق افسس یا عکس‌برداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است و ماده ۳ اذعان می‌دارد: نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قایم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است.

در ماده ۵ با اشاره به ۲ قانون فوق می‌افزاید: تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد ۲ و ۳ این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود. مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه‌برداری از آن‌ها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و هنر رسیده باشد؛ و در تبصره ماده فوق می‌افزاید: نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد ۲ و ۳ این قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد بلامانع است.

در مورد اتباع کشورهای دیگر نیز چنانچه معامله متقابلی موجود باشد قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ با دیده اغماض می‌نگرد آنجا که می‌گوید:

ماده ۶ در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت‌های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است. گرچه اقتباس کلی از آثار دیگران بدون موافقت ایشان کاری ناپسند و مستوجب تعقیب قانونی اقتباس کننده می‌باشد ولیکن چنانچه این کار به شکل نقد و بررسی باشد و جنبه نقادانه و آموزشی در آن وجود داشته باشد بلامانع می‌باشد همچنین معلمان در تدوین جزوه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف آموزشی از ابتدایی گرفته تا متوسطه می‌توانند از

این جزوه‌ها حتی بدون ذکر منبع مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد استفاده کنند. همان‌طور که در ماده ۷ قانون مصوب ۱۳۴۸ و تبصره آن آمده است ماده ۷ نقل از اثرهایی که انتقال یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است و تبصره همان ماده می‌گوید: ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تبدیل در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آن‌ها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد شایان ذکر است که نه تنها خود اثر از حمایت قانون برخوردار می‌باشد بلکه نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر می‌باشد نیز از حمایت قانون برخوردار می‌باشد، مثلاً چنانچه شاعری در چاپ کتاب‌های خود از نام، عنوان و یا علامت یا نشان ویژه‌ای استفاده می‌کند، مثلاً نام مستعاری برای خود انتخاب کرده و روی کتاب‌های شعرش چاپ می‌کند یا اینکه علامتی خاص را بر روی جلد اول کتاب خود می‌گذارد که نشان دهد کتاب مختص، به اوست. این‌ها همه از حمایت قانون مصوب ۱۳۴۸ برخوردار می‌باشد و اقتباس از آن به نحوی که القاء شبهه کند ممنوع می‌باشد.

ماده ۱۷- قانون حمایت مؤلفان مصنفان و هنرمندان در این زمینه مقرر می‌دارد: نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت از آن قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبهه کند بکار برد.

سؤالی که ممکن است در انتها پیش بیاید این است که آیا مؤلف یا مصنف بعد از تألیف کتابی و مبادرت ورزیدن به چاپ آن اثر می‌تواند اثر خود را استرداد نماید؟ مثلاً نویسنده‌ای رمانی را به چاپ می‌رساند و بعد از گذشت مدتی از چاپ رمان پشیمان می‌شود و یا بنا به هر دلیلی از بازخوردهای اجتماعی گرفته تا تغییر فرهنگ عامه مردم عوامل شخصی و... از حق معنوی و هنری خود بر اثر عدول کرد و آن اثر را پس بگیرد یا بخواهد تغییراتی در اثر خود پدید آورده و موردبازنگری قرار دهد، البته چنانچه اثر پدید آمده مخالف نظم عمومی در جامعه باشد، وزارت ارشاد خود قبل از اینکه مجوزهای لازم برای چاپ کتاب را به ناشر و یا مؤلف برای چاپ اثر ارائه کند در این زمینه سخت‌گیری‌های لازم و قانونی را اعمال می‌دارد و از دادن مجوز برای چاپ کتاب‌های خلاف مصالح عمومی در جامعه و مخالف نظم عمومی جلوگیری به عمل می‌آورد یا فرهنگی خاصی است که در همه‌ی جوامع وجود دارد و ممکن است باعث پشیمانی تألیف کتابی در زمینه‌ای را فراهم آورد و مؤلف در اینجا به جمع‌آوری کتب چاپ شده خود در جامعه مبادرت می‌ورزد و چنانچه بعضی از آن‌ها بفروش رسیده باشد از دسترس مؤلف خارج گردیده و به نظر می‌رسد از قانون مصوب ۱۳۴۸ حقوق مؤلفین مصنفین و هنرمندان در این زمینه راهکاری ارائه شده است و شاید هم بتواند با داشتن اعمال حق فسخ در قراردادهای خود از این حق استفاده کند و از خودش آثارش جلوگیری به عمل آورد.

بند اول: ویژگی‌های حقوقی معنوی

۱. غیرقابل انتقال بودن
۲. دائمی بودن
۳. جهانی بودن

الف) غیر قابل انتقال بودن

حقوق معنوی جز لاینفک شخصیت پدیدآورنده بوده و غیر قابل انتقال است. ممنوعیت انتقال حقوق معنوی با توجه به وابستگی آن به حقوق شخصیت و آمرانه بودن قواعد مربوط به حقوق شخصیت توجیه می‌شود. حقوق معنوی ن تنها از طریق قرار قابل انتقال نیستند، انتقال اجباری آن‌ها از طریق توصیف اثر نیز ممکن نیست. به عبارت دیگر حقوق مذکور از طریق اجرای دادگستری یا اجرای ثبت غیر قابل توقیف هستند. همچنین در مواردی که پدیدآورنده یک اثر فوت می‌کند چنانچه یک یا چند تن از وراث وی طبق قانون امور حسبی از قانون ترکه امتناع کرده و آن را رد کند، رد آنان تأثیری در برخورداری از حقوق معنوی نخواهد داشت. (انصاری ۲۱۰، ۱۳۸۷ و ۲۱۱)

ب) دائمی بودن حق معنوی

وصف دیگر حقوق معنوی غیر موقت بودن آن‌هاست.

ج) جهانی بودن حقوق معنوی

حق معنوی تابع مکان نیست و در تمام دنیا مورد احترام است. طبق ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان حقوق معنوی پدیدآورنده مربوط به مکان نیست؛ بنابراین، تابعیت و اقامتگاه اشخاص تأثیری در برخورداری آن‌ها از حقوق معنوی ندارند. یک نویسنده ایرانی نمی‌تواند آثار متعلق به اتباع خارجی را به نام خود منتشر کنند و همان‌طور اتباع خارجی نیز حق نشر آثار اتباع ایرانی را به نام خود ندارند اگرچه در زمینه رعایت حقوق مادی وحدت نظری با یکدیگر نداشته باشند و هر یک حقوق مادی دیگری را نقض کند (انصاری ۱۳۸۷: ۲۱۴)

بند دوم: ویژگی‌های حقوق مادی

حقوق مادی که گاهی حقوق اقتصادی یا حقوق مالی نیز خوانده می‌شود شامل آن دسته از حقوق و امتیاز است پدیدآورندگان است که قابل ارزیابی به پول بوده و هدف از اعمال آن‌ها تحصیل منافع مادی است. حقوق مادی در نظر مقابل حقوق معنوی قرار می‌گیرند و لذا مفهوم مخالف احکامی که در قسمت حقوق معنوی مورد مطالعه اعمال شده در مورد حقوق مادی صادق است. اگر حقوق معنوی غیر قابل انتقال بودند، حقوق مادی قابل انتقال هستند، اگر حقوق معنوی جنبه دائمی داشتند حقوق مادی محدود به زمان معینی هستند و اگر حقوق معنوی جنبه جهانی داشتند حقوق مادی جنبه ملی دارند. تنوع این حقوق نیز در مقایسه با حقوق معنوی درخور توجه بوده و اهمیتی که قانون‌گذار ایرانی به این حقوق نشان‌دار است به لحاظ دقت و انسجام بیان در مقایسه با حقوق معنوی بیشتر است (انصاری ۱۳۸۷: ۲۱۵)

گفتار چهارم: حقوق اشتقاقی

کمیسیون حقوق بین‌الملل، به منزله نهاد سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، از همان آغازین سال‌های فعالیت، مطالعه مسئولیت بین‌المللی را در دستور کار خود قرارداد که پس از فراز و نشیب فراوان، سرانجام به دو پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱، به ترتیب در خصوص دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انجامید. با آنکه هنوز هیچ‌یک از این دو، در قامت کنوانسیون درنیامده‌اند، اما بسیاری از مقرردهای

آن‌ها مورد استناد دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و محاکم و به‌طور خاص، دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته‌اند. کمیسیون در هر دو مجموعه از دو اساس در اعمال مسئولیت سخن می‌برد؛ یکی مسئولیت مباشر و دیگری مسئولیت در خصوص اعمال ارتكابی مباشر که اساس نخست مسئولیت مستقل و اساس دوم، مسئولیت اشتقاقی نامیده می‌شود.

باین‌حال، به لزوم این کار کمیسیون، رابطه این دو اساس و سایر مفاهیم مرتبط، روند گذار و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن کمتر پرداخته‌شده یا اصلاً پرداخته نشده است. با توجه به اینکه کمیسیون نهادی است که در صدد تهیه و ارائه مجموعه مواد به‌منزله موازین حقوقی بین‌المللی است، جای چنین مطالبی درآورده‌های آن به‌منزله اسناد بین‌المللی نیست، بلکه این جستارهای حقوقی اند که باید بدین مقولات بپردازند. لذا مقاله پیش رو از رهگذر تدقیق در این امور، نشان می‌دهد که مسئولیت اشتقاقی تا چه اندازه برای برپایی عدالت در جامعه بین‌المللی ضروری است و خلأ یا حتی نقصان آن می‌تواند عدول از این عدالت را به دنبال آورد.

۱ - الف - تعریف اثر اشتقاقی و حقوق مربوط به آن:

اشتقاق در لغت به معنی برگرفتن بخشی از یک چیز است؛ و در اصطلاح دانشمندان عرب در آوردن یک لفظ از لفظی دیگر است به شرط مناسبت در معنی و ترکیب و مغایرت در ساخت؛ و واژه اشتقاق در لغت‌نامه دهخدا به معنای گرفتن کلمه‌ای از کلمه دیگر، سخنی از سخنی شکافتن؛ بنابراین اثر اشتقاقی به معنای اثر و نشانه به‌جامانده از یک هنرمند یا مؤلف و مصنف می‌باشد که برگرفته از اثری دیگر از هنرمند یا مؤلف و مصنف دیگری که از قبل موجود بوده می‌باشد و بین این دو اثر ارتباط و مناسبت موجود باشد.

۱ - ب - تعریف کلی علم اشتقاق: در قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ به‌طور صریح به این حق اشاره نشده است و تنها در ماده ۱ قانون ترجمه ۱۳۵۲ از حق ترجمه (یکی از انواع اثر اشتقاقی) نام‌برده است (دوستدار، ۱۰۲:۱۳۸۹)

۱ - ج - تعریف قانونی اثر اشتقاقی

قوانین کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی از اثر اشتقاقی ارائه می‌کنند. در قانون حق تکثیر ایالات متحده، اثر اشتقاقی شامل آثاری می‌شود که بر اساس یک اثر قبلی اعم از ترجمه، موسیقی، نمایش فیلم، تلخیص و... ایجاد شده باشد. (p:39Taper. 1999).

در بند ۳ ماده ۱ پیش‌نویس لایحه نیز اثر اشتقاقی مورد توجه قرار گرفته است. آنجا که مقرر می‌دارد: «اثری برگرفته از یک یا چند اثر موجود است، از قبیل اثر ترجمه‌ای، اثر موسیقایی اقتباسی، فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه اقتباس شده از داستان، تلخیص، چکیده یا شرح اثر، اثر ویرایش شده و تصحیح شده، اثر ترکیبی» (دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۹: ۱۵). به‌طور کلی در حوزه قانون حق تکثیر، اثر اقتباسی یا اشتقاقی به اثری گفته می‌شود که در خلق آن به‌طور عمده از عناصر یک اثر دیگر که قبلاً ایجاد شده و از حق تکثیر برخوردار است استفاده می‌شود.

نقاشی L.H.O.O.Q اثر مارسل دوشامب که از اثر مونالیزا مشتق شده و به مونالیزا با سبیل هم معروف است غالباً به‌عنوان مثالی از اثر اقتباسی توسط اساتید حقوق استفاده می‌گردد

قوانین کشورهای مختلف چنین الزام می‌کنند که اثر اقتباسی متأثر از حق تکثیر اثر اصلی باشد. استفاده از اثر اقتباسی تحت مجوزهایی مثل استفاده منصفانه، همانند استفاده از اثر اصلی در چنین شرایطی خواهد بود. در کنوانسیون برن که قراردادی جهانی است به این موضوع پرداخته است. بر اساس کنوانسیون برن به محض اینکه ثابت شود هنرمندی اثر و یا ایده‌ای را خلق کرده است به شکلی خودکار تمامی حقوق انحصاری آن اثر و نیز آثار مشتق شده از آن به صاحب آن اثر منتسب خواهد شد، مگر تا زمانی که نویسنده به صراحت خواهان سلب این امتیاز شود یا تا زمانی که حق کپی‌رایت منقضی شود. کنوانسیون برن می‌گوید که تمام آثار به جز عکاسی و سینمایی باید به مدت ۵۰ سال بعد از مرگ نویسنده شامل حق کپی‌رایت شوند. ماده ۲- کنوانسیون برن می‌گوید: «آثار مورد حمایت عبارت‌اند از: ۱- آثار ادبی و هنری. ۲- شرط تثبیت. ۳- آثار برگرفته (اشتقاقی) ۴- متون رسمی ۵- مجموعه آثار ۶- تعهد به حمایت؛ ذی‌نفعان حمایت ۷- آثار هنری کاربردی و طرح‌ها و طرح‌های صنعتی ۸- اخبار روز.»

۱- ۵- حمایت از حقوق آثار اشتقاقی:

آثار اقتباسی به آثاری گفته می‌شود که در پدید آوردن آن از آثار دیگر استفاده شود یا تغییر داده شود. برای آثار اشتقاقی نمی‌شود از آثار حق تکثیر بدون اجازه مالک حق تکثیر استفاده کرد، درحالی‌که از آثار تحت مالکیت عمومی می‌شود آزادانه در آثار اشتقاقی استفاده کرد.

حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا قلمرو حمایت از حقوق مؤلف تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا اینکه آثار اقتباسی را نیز دربرمی‌گیرد؟

درباره این سؤال که قلمرو حق آیا تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا اثر اشتقاقی را نیز در برمی‌گیرد، بسیاری از قوانین کشورهای دامنه آن را وسیع در نظر گرفته و حق انتساب را به اثر اشتقاقی نیز توسعه داده‌اند؛ بنابراین آثار اشتقاقی (برگرفته) مثل ترجمه، اقتباس، تنظیم موسیقی و سایر انواع تبدیل‌های اثر ادبی و هنری، بدون آنکه به حق پدیدآورنده اثر اصلی خدشه‌ای وارد شود. همچون آثار اصیل تحت حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد.

بر این اساس، در اثر ترجمه‌ای نیز باید نام نویسنده اثر اصلی نیز قید شود. برخی از قوانین حتی درجایی که بخشی از اثر دیگر درج می‌شود یا اینکه از اثر نقل می‌شود، ذکر پدیدآورنده و مأخذ آن را ضروری می‌دانند.

ذیل ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ قانون‌گذار ذکر نام مترجم را در تمامی موارد استفاده الزامی دانسته است. مفهوم این ماده این است که در مورد آثار برگرفته از دیگر آثار (آثار اشتقاقی) نیز رعایت جنبه اثبات حق انتساب اثر به پدیدآورنده اثر اشتقاقی توسط دیگران لازم و ضروری است. نظر به اهمیت این امر، قانون‌گذار در ماده ۷ (بند الف) ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای ناقضین این حق پیش‌بینی کرده است. این ماده اشخاصی را که عالماًعامداً حق مزبور را نقض نموده‌اند، علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم کرده است. البته این ضمانت اجرا منوط به شکایت شاکی خصوصی می‌باشد و باگذشت یا عدم پیگیری او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف می‌شود.

در قرن حاضر به علت رشد روزافزون فن‌آوری، ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها و به هم نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مالکیت‌های فکری از اهمیت خاصی برخوردار شده‌اند. برخی از نویسندگان نام مالکیت فکری را برای این حقوق ترجیح می‌دهند. به خاطر اینکه این حقوق ناشی از فکر و اندیشه انسان‌ها می‌باشد؛ اما عده‌ای

نیز واژه مالکیت معنوی را مناسب‌تر می‌دانند از این جهت که برخی از این حقوق مانند سرقت فکلی بر اثر فکر و اندیشه تولید نمی‌شوند بلکه فقط به این دلیل که وجود مادی ندارد در قلمرو این حقوق جای می‌گیرند. تفاوت این نوع مالکیت (مالکیت معنوی) با مالکیت کلاسیک در این است که موضوع مالکیت معنوی یک اثر فکری و ماحصل تراوش‌های ذهنی یک انسان است و نه یک پدیده معین مادی. مالکیت فکری ماهیتی مرکب از حقوق مالی و غیرمالی و مربوط به شخصیت انسان دارد. مالکیت معنوی صرفاً جنبه اعتباری و معنوی دارد و به مالک آن امکاناتی برای حفاظت از مالکیت خود می‌دهد. به‌عنوان مثال نویسنده یک کتاب می‌تواند اجازه انتشار اثرش را به ناشر بدهد یا مانع نشر و همچنین تحریف اثرش شود. حقوق معنوی به‌هیچ‌عنوان قابل واگذاری نیست؛ اما حقوق مادی را می‌توان واگذار نمود.

مالکیت ادبی و هنری از دیرباز به‌عنوان اقسامی از مالکیت در دنیا شناخته‌شده و مورد حمایت قرار گرفته است، ایران از سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون "حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" مالکیت ادبی و هنری به رسمیت شناخت. در تعریفی که از مؤلف می‌شود او را فردی می‌دانند که نوشته‌ها و آثار و ابتکارات دیگران را جمع‌آوری و باذوق و ابتکار شخصی خودش عرضه می‌کند. مصنف فردی است که اثر عملی یا ادبی ابتکاری و جدید را پدید می‌آورد و زمانی که تصنیف در زمینه‌ی هنری باشد به چنین پدیدآوری هنرمند گفته می‌شود. طبق ماده اول قانون "حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده اطلاق می‌شود و آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار مؤلف و مصنف و هنرمند پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن بکار رفته اثر اطلاق می‌شود.

حقوق معنوی نیز حقوقی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا از منافع و شکل خاصی از کار و فکر انسان به انحصار استفاده کند. حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان نظریه ماهیت دوگانه حقوق مالکیت فکری را پذیرفته است. پدیدآورنده نه تنها از منافع مادی و مالی اثر بهره‌مند می‌شود بلکه دارای حقوق دیگری نیز نسبت به اثر است که ماهیت اقتصادی نداشته و باشخصیت او ارتباط تنگاتنگ قرار دارند و از آن به حقوق معنوی تعبیر می‌شود. تمامی قوانین و مقررات ایران مرتبط با حمایت از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزاری بر وجود حقوق معنوی برای پدیدآورنده تأکید کرده‌اند. قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ در ماده ۳ خود حقوق پدیدآورنده را شامل حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او دانسته است.

مبحث سوم: نقش عرف و قانون در حقوق معنوی مؤلف

گفتار اول: نقش عرف (جایگاه عرف در حقوق معنوی مؤلف)

جایگاه عرف در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در گذشته به شکلی بسیار کمرنگ و یا اصلاً وجود نداشت، برخی حتی حقی برای مؤلف و مصنف و هنرمند قائل نبودند، چراکه آثار را نمودی از الهامات خداوند می‌دانستند و برای اثر حقی شخصی قائل نبودند، در صدر اسلام آثار بسیار مورد تحریف واقع می‌شد و نامی از سرقت ادبی به‌گونه‌ای که امروزه متداول می‌باشد وجود نداشت، بعد از اختراع ماشین چاپ در قرن پانزدهم کم‌کم با پیشرفت تکنولوژی علم و دانش و تحولات جامعه، عرف نیز به سمت تکنولوژی سوق داده شد، امروزه خلق اثر اشتقاقی و همچنین تکثیر در حد گسترده در جامعه دیده می‌شود و عرف مالکیت ادبی و هنری مؤلفین، مصنفین و هنرمندان را به رسمیت می‌شناسد، هرچند امروزه نیز شاهد استفاده از منابع دیگران و

تخلفاتی در این زمینه هستیم که با توجه به سرعت پیشرفت جوامع و گسترش نقش اینترنت در زندگی امروزه، اجتناب‌ناپذیر است.

بند اول: تمسک به عرف

راه دیگری که برای اثبات مشروعیت حقوق و مالکیت معنوی پیموده شده است، تمسک به ادله و قواعد مسلم فقهی است.

به عقیده برخی فقیهان موافق، این‌گونه حقوق مصداق‌های جدید آن ادله و قواعدی هستند و ما می‌دانیم که تشخیص مصداق بر عهده عرف است نه شرع و فقیه.

برای نمونه آیت ا. مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی چنین مرقوم داشته‌اند: ما معتقدیم حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. دلیل ما در این قسمت این است که ما همواره موضوع‌هایی را از عرف می‌گیریم و احکام را از شرع.

مثلاً وقتی می‌گوییم قمار حرام است کلمه تحریم از قرآن و احادیث اسلامی گرفته شده است؛ اما موضوع قمار چیست؟ بسته به تشخیص عرف است، در مورد مالکیت‌های فکری نیز مسئله همین‌گونه است. اسلام می‌گوید: ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران حرام است. این حکم از اسلام گرفته شده است، اما موضوعش یعنی ظلم و ستم و تجاوز به حقوق موضوعی است که از عرف گرفته شده و امروز تقریباً همه عقلای دنیا این موضوع را به‌عنوان یک حق شناخته و سلب آن را ظلم می‌دانند.

پس عرف عنصری پویاست که همگام با زمان و عینیت‌های جامعه به‌پیش می‌رود و فقط ارتباط نزدیکی با عرف رایج دارند و اجتهاد خود را بر مبنای آن بنیاد می‌نهند. به‌عبارت‌دیگر اینکه چه چیز منفعت دارد یا مال است یا حق است از موارد تشخیص موضوع است که بر عهده مکلف می‌باشد. نه وظیفه نبی است نه امام نه فقیه.

اصولاً گزاره‌های فقهی دو شرط اساسی دارند:

۱. کلی هستند.

۲. شرطی‌اند؛ به این معنا که چنانچه با موضوعی منطبق شدند، حکم جاری شود و این مورد اتفاق همه فقها

است. باین‌حال در بسیاری موارد فقها در موضوع‌هایی اظهارنظر می‌نمایند که از قلمرو فقیه بیرون است.

تعیین مصادیق حق، مال، عدالت، ظلم، قمار، ملک، بیع، هتک و ... جزء اختیارات فقیه نیست و به عهده

مکلفین است و اظهارنظر فقها تنها در برخی موارد از باب شهادت اهل خبره ارزشمند می‌باشد و به‌طورکلی

خود فقها نیز باید در این امور به عرف مراجعه نمایند و ممکن است در برخی موارد که احکام صادر شده

از سوی فقها مورد اعتراض عرف واقع می‌شود. دلیلش این باشد که در ضمیر ناخودآگاه خویش موضوع

محکوم را از دایره حکم خارج می‌دانند ولی فقیه آن را داخل دانسته و حکم نموده است. (فتحی زاده،

۱۳۹۵: ص ۵۸ و ۵۹)

امام خمینی رحمت‌الله علیه می‌فرماید: احکام شریعت و وظایف عملی که در کتاب و سنت بیان شده است. در

سطح فهم‌های رایج و شناخت‌های بسیطی که هر فردی از مردمان می‌تواند به حقیقت آن‌ها برسد. بدین سبب

بر فقیه لازم است با محاورات عرضی انس داشته باشد و مسائلی را که در میان عرف متداول است شناسد و

از مسائل عقلی و فلسفی و مطالب بازاری اجتناب ورزد. به راستی خطاهایی از بزرگان می‌شناسم که به سبب دوری از فرهنگ عرف به آن دچار شده‌اند. (یزدانی، ۱۳۸۱: ص ۴۰) (فتیحی زاده، ۱۳۹۵: ص ۶۰)

گفتار دوم: اثرهای مورد حمایت قانون

طبق ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱. کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی، فنی، ادبی و هنری
۲. شعر، ترانه، سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۴. اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۵. نقاشی، تصویر، طرح، نقش، نقشه جغرافیایی ابتکاری، نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
۶. هرگونه پیکره (مجسمه)
۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان
۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.
۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم
۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد
۱۱. اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.
۱۲. هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

بند اول: شرایط حمایت از اثر

قبل از بیان شرایطی که اثر باید داشته باشد تا در ایران طبق قانون از آن حمایت به عمل آید باید به این نکته اشاره کنیم که افکار ما هرچند هم وسیع و دارای ایده‌های ناب باشند تا زمانی که این افکار نمود خارجی نیافته باشد یعنی به صورت عینی و ملموس قابل مشاهده نباشد هیچ‌گاه به شکل اثر از آن‌ها نمی‌توان یادکرد چه رسد به اینکه بتوان از این افکار حمایت قانونی کرد. در نتیجه مهم‌ترین و اولین شرطی که از آثار پدیدآورنده به حساب می‌آید شاید همین شکل ابراز ایده‌ها و افکار ما می‌باشد نه خود این ایده‌ها، در مرحله بعدی این فکر و ایده ما باید از اصالت برخوردار باشد به این معنا که اثر نشانه‌ای از شخصیت پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد. هرچند برای برخوردار شدن از حمایت مالکیت ادبی و هنری مؤلف رعایت یکسری تشریفات شکلی لازم نیست و یا حداقل در ایران به این شکل می‌باشد؛ بنابراین صرف خلق اثری اصیل و بکر برای برخوردار شدن از حمایت در ایران کافی است. هرچند برخی از کشورها رعایت تشریفات را الزامی می‌دانند ولی در ایران رعایت تشریفات اختیاری است. ولیکن نو بودن اثر شرط نمی‌باشد. به عنوان مثال چنانچه فردی بر مبنای شعر و یا ضرب‌المثل قدیمی شعری بسراید، هرچند که اثر او نو نیست ولیکن چون اصالتاً مال خود اوست و به نوعی اصیل محسوب می‌شود می‌تواند مورد حمایت قانون‌گذار ایرانی قرار بگیرد.

مورد دیگری که میتوان از شرایط حمایت از اثر در ایران از آن نام برد طبق ماده ۲۲ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان می‌باشد:

حقوق مادی پدیدآورنده مواقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد؛ یعنی چنانچه اثر برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر و یا اجرا شده باشد از حمایت قانون برخوردار می‌شود، در غیر این صورت قانون‌گذار ایرانی حمایتی از اثر نخواهد کرد. هرچند این حمایت شامل آثار خارجیانی نیز می‌گردد مشروط بر این که اثر پدیدآورنده خارجی برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد. البته این لزوم نخستین نشر اثر در داخل ایران، فقط برای حمایت از حقوق مادی پدیدآورنده می‌باشد و گرنه حقوق معنوی پدیدآورنده بدون رعایت این تشریفات که در ماده ۲۲ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ذکر آن شد، نیز قابل حمایت می‌باشد.

بند دوم: آثار داستان‌نویسی برای کودکان

نگارش داستان‌های کودک از حساسیت بیشتری برخوردار است. باید دربرگیرنده نکات مهمی باشد. کودکی پایه اخلاق و پیشرفت و موفقیت در بزرگسالی است.

شایان‌ذکر است که در این راستا یعنی نگارش - تدوین، ویراستاری و چاپ کتاب برای گروه‌های سنی کودک و نوجوانان به خاطر حساسیت‌های روحی خود مقوله‌ای جدا از بزرگسالان را تشکیل می‌دهند و چه بسا دقت و اهتمام نورزیدن در این حوزه هنری کودک و نوجوان را به بزهکاری در بزرگسالی سوق دهد. کتاب‌های کودکان باید از ساده‌نویسی خاصی برخوردار باشد ضمن اینکه ذهن پویای آن‌ها را درگیر مسائل شناختی و آموزشی کند، آن‌ها باید در ضمن خواندن کتاب مطالب مفیدی را بیاموزند تا در پیشرفت و موفقیت آن‌ها در آینده تأثیرات بسزایی بگذارند و همان‌طور که می‌دانیم پایه رشد و شخصیتی انسان‌ها از کودکی پی‌ریزی می‌شود؛ بنابراین کتاب‌های کودک و نوجوان و بالا بردن پایه اخلاقی او، زمینه‌های پیشرفت او را در آینده نیز فراهم نماید.

نویسندگان حوزه کودک و نوجوان به نظر بنده بار سنگین آموزش کودک و نوجوان را نیز به همراه پروریدن روح حساس این قشر نیز به عهده دارند و باید اهتمام ورزیده و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نکنند و فقط در تهیه و چاپ کتاب به دنبال منافع مادی یا مالی خود نباشند و بدانند که جامعه‌ی فردای کشور توسط همین کودکان امروز باید اداره شود و باید تألیف کتب کودک علاوه بر منافع مادی، از نظر آموزشی و تربیتی نیز باید از جایگاه خاصی برخوردار باشند؛ و وجدانشان را در تألیف کتاب کودک فراموش نکنند.

شایان‌ذکر است در آیین‌نامه ماده ۲ نظارت بر نشر کودک که در تاریخ ۸۴/۵/۳۱ به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسید کتاب کودک و نوجوان را در آن دسته کتاب‌هایی طبقه‌بندی می‌کند که برای گروه‌های سنی تا پایان ۱۷ سالگی چاپ و منتشر می‌شود و این محدوده زمانی اوج فراگیری و آموزش کودکان و نوجوانان و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان را شکل می‌دهند و حتی می‌توانند از ناهنجاری‌هایی که ممکن است در آینده کودکان به آن دچار شوند با آموزش پیشگیری نمایند.

هرچند کارشناسان طبق یکی از بندهای ماده ۳ آیین‌نامه نظارت نشر کودک و نوجوان در حوزه ادبیات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قبل از اینکه مجوز چاپ کتاب‌های کودک و نوجوان را صادر کنند. در این باره نظرات کارشناسی خود را ابراز می‌دارند و طبق این ماده بعد از صدور مجوز نویسنده قادر خواهد بود به چاپ کتاب خود مبادرت ورزد؛ و طبق بند ماده ۴ نشر کتاب‌های کودک و نوجوان بدون اخذ مجوز ممنوع می‌باشد، البته بیشتر اوقات کتاب‌های کودک و نوجوان همراه تصاویری است که در اینجا غیر از نویسنده و یا ویرایشگر کتاب، فرد دیگری نیز در خلق آثار هنری دخیل می‌باشد و آن طراح و یا تصویرگر کتاب می‌باشد که با نقاشی‌های خود که باید با متن کتاب هماهنگی داشته باشد، متن کتاب را از یکنواختی خارج می‌سازد، معمولاً بیشتر کتب کودک همراه تصاویر است و تصویرگر باید متن اولیه داستان را به خوبی مطالعه کند تا بتواند در جریان متن داستان و شخصیت‌های داستان کودک قرار گرفته و تصویری که طراحی می‌کند در راستای داستان و با داستان نوشته شده همراه باشد و مطابق ماده یکی از بندهای پایانی ماده ۴ آیین‌نامه نظارت بر نشر کتاب کودک متن و تصویر کتاب نباید متضمن وهن بزرگان و قهرمانان ملی و تاریخی اولیا و معصومین (ع) و ارزش‌های اجتماعی باشد. همچنین طبق یکی دیگر از بندهای قانون فوق‌الذکر برای حفظ سلامتی کودکان رعایت نکات ایمنی در تولید کتاب‌های کودکان ضروری است؛ و ظاهر کتاب‌های کودک باید طوری باشد که جنبه‌ی ایمنی بودن رعایت شده باشد، مثلاً کتاب‌های سیمی برای گروه‌های سنی پایین مناسب به نظر نمی‌رسد، همچنین رعایت قوانین دستوری زبان فارسی و املای صحیح کلمات الزامی است و بنا به بند دیگر ماده ۵ کتاب‌های کودک و نوجوان باید با زبان فارسی معیار نوشته شود. همچنین ماده ۶ - از محتوای درون کتاب صحبت به میان می‌آید آنجا که می‌گوید که موارد محتوایی که مانع صدور مجوز کتاب می‌شود را برمی‌شمرد که یکی از بندهای آن ترویج فحشا و فساد اخلاقی می‌باشد و دیگری تحریک کودکان و نوجوانان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ضدیت با آن همچنین پرداختن به اختلافات قومی و مذهبی که منجر به تفرقه و اختلال در وحدت آحاد اجتماع باشد ممنوع است و این در ماده ۶ آیین‌نامه نظارت بر نشر کتاب کودک آمده است. متن کامل آیین‌نامه نظارت بر نشر کتاب در ذیل می‌آید:

بند سوم: آیین‌نامه نظارت بر نشر کتاب کودک

هیئت نظارت بر نشر کتاب‌های کودک و نوجوان در تیرماه ۸۴ آیین‌نامه‌ای را در ۱۴ ماده، ۶۹ بند و ۸ تبصره تدوین کرد که به تصویب فرهنگ و ارشاد اسلامی رسید و لازم‌الاجرا شد. این آیین‌نامه شامل قواعد بازنویسی متون کهن، چگونگی درج آگهی در کتاب، چگونگی استفاده از قواعد دستوری زبان فارسی، چگونگی جایگزینی معادل‌های مناسب فارسی برای واژه‌های خارجی و... می‌شود. متن کامل آیین‌نامه در پیوست آمده است.

مبحث چهارم: مالکیت آثار ادبی و هنری سفارشی

به نظر می‌رسد سفارش‌دهنده یک اثر، چون خطرات مالی، سازمانی و تشکلی مربوط به ایجاد و انتشار اثر را متقبل می‌شود باید کنترل کامل بر اثر و نحوه بهره‌برداری از اثر را داشته باشد؛ اما برخی مخالف این عقیده بوده و ادعا می‌کنند که برخلاف رابطه کارگری و کارفرمایی رابطه سفارش‌دهنده و ایجادکننده، تنها تا زمان تسلیم اثر سفارش شده دوام دارد و صفت وابستگی که بین کارگر و کارفرما وجود دارد، در آثار سفارشی از جانب

ایجادکننده نسبت به سفارش‌دهنده وجود ندارد؛ بنابراین، در این‌گونه آثار باید "دکترین ایجادکننده" اعمال شود.

قوانین کپی‌رایت بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در عمل درباره مالکیت آثار سفارشی سکوت کرده‌اند. در غیاب مقررات قانونی، دادگاه‌ها عموماً مالکیت این‌گونه آثار را به اشخاص حقیقی متعلق می‌دانند که اثر سفارشی را ایجاد کرده است. برخی دادگاه‌ها نیز اعلام کرده‌اند که علی‌رغم سکوت قانون، سفارش‌دهنده باد قادر باشد که در چارچوب موضوع و هدف قرارداد سفارشی، از اثر تولیدشده استفاده کند. (انصاری، ۱۳۸۷:

ص ۲۶۳)

۱ - اتریش

قانون کپی‌رایت و حقوق وابسته اتریش متن خاصی درباره مالکیت آثار تولیدشده به سفارش دیگران ندارد. دیوان عالی اتریش هماهنگ با دکترین تعلق حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری به ایجادکننده آن‌ها اعلام کرده است که حقوق ناشی از آثار سفارشی به شخص ایجادکننده تعلق می‌گیرد و نه به سفارش‌دهنده اثر. باوجود این دادگاه‌های اتریش تأیید کرده‌اند که سفارش‌دهنده یک اثر می‌تواند در صورت فقدان هرگونه توافق خلاف، حقوق ناشی از اثر سفارشی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. این انتقال ضمنی حقوق به سفارش‌دهنده، خلاف قاعده محسوب می‌شود. در نتیجه به صورت محدود و مضیق تفسیر شده و تنها به حقوق ناشی از آثاری محدود می‌شود که در چارچوب قرارداد سفارش ایجادشده‌اند.

۲ - بلژیک

مواد ۳ و ۳۵ قانون کپی‌رایت بلژیک مقرر می‌دارد که اگر اثر به وسیله یک مؤلف یا مجری و بر اساس سفارش تولیدشده باشد حقوق اقتصادی ناشی از آن اثر به وسیله سفارش‌دهنده منتقل می‌شود، مشروط بر آنکه این انتقال صریحاً مورد توافق واقع شده باشد و فعالیت‌های سفارش‌دهنده در عرصه غیرفرهنگی بوده یا جنبه تبلیغاتی داشته و اثر برای چنان فعالیتی تولیدشده باشد. غیر از بنگاه‌هایی که کالاهایی فرهنگی تولید می‌کنند و تا آنجا که در چارچوب فعالیت‌های غیرفرهنگی خود عمل می‌کنند فعالیت سایر بنگاه‌ها مشمول احکام عرضه‌های غیرفرهنگی است. در صورتی که اثر سفارش داده‌شده، مربوط به حوزه فرهنگ باشد در این صورت دکترین تعلق مالکیت حقوق ناشی از اثر ادبی - هنری به ایجادکننده آن اعمال می‌شود (انصاری، ۱۳۸۷: ص ۲۶۴)

۳ - هلند

در میان قوانین کشورهای اتحادیه اروپا قانون کپی‌رایت هلند، تنها قانونی است که صریحاً مالکیت آثار تولیدشده تحت نظارت اشخاص دیگر را به سفارش‌دهنده متعلق می‌داند. طبق ماده ۶ قانون کپی‌رایت چنانچه اثری مطابق با برداشت شخص دیگر و تحت راهنمایی و نظارت آن شخص تولیدشده باشد تنها مؤلف اصلی، یعنی ناظر و نه دستیار او، مؤلف آن اثر شناخته می‌شود، اما این ماده تنها در مورد آثاری است که فکر و ایده آن‌ها، طرح آن‌ها و ترتیب اجرای آن‌ها توسط یک شخص ارائه‌شده، ولی اجرای آن‌ها به وسیله یک یا چند دستیار صورت می‌گیرد.

۴ - لوکزامبورگ

قانون کپی‌رایت و حقوق وابسته لوکزامبورگ مقررات خاصی در مورد مالکیت آثار سفارشی ندارد. در نتیجه علی‌الاصول دکتترین تعلق حقوق ناشی از آثار ادبی - هنری به ایجادکننده آن‌ها در مورد آثار سفارشی نیز اعمال می‌شود.

۵ - فرانسه

قانون مالکیت‌های فکری فرانسه نیز دکتترین مذکور را درباره آثار سفارشی اعمال می‌کند یعنی، مالک یک اثر ایجادشده به سفارش دیگری علی‌الاصول شخصی است که آن اثر را ایجاد کرده است. تنها استثنای این اصل، بند یک ماده ۳-۱۳۲ قانون مذکور ذکر شده است که به آثار سفارش داده شده برای استفاده در امر تبلیغات اختصاص دارد. قرارداد و درباره یک چنین اثری جز در صورت توافق خلاف، متضمن انتقال حق بهره‌برداری از یک اثر به نفع بهره‌بردار است. (انصاری ۱۳۸۷: ص ۲۶۵)

۶ - آلمان

قانون کپی‌رایت و حقوق وابسته آلمان نیز مقررات خاصی در مورد آثار یا موضوعات ایجادشده به سفارش دیگران ندارد. در نتیجه باید پذیرفت که دکتترین تعلق حقوق ناشی از آثار ادبی - هنری به ایجادکنندگان آن‌ها، در مورد آثار سفارشی نیز قابل اعمال است و حقوق این آثار به شخصی تعلق می‌گیرد که در واقع آن اثر را ایجاد کرده است.

۷ - ایران

در ایران طبق ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان "حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال پس از پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است..." مفهوم مخالف این ماده آن است که حقوق معنوی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آیند متعلق به پدیدآورندگان آن‌هاست. (انصاری ۱۳۸۷: ص ۲۶۶)

همان‌طور که می‌دانیم کپی‌رایت شاخه‌ای از حقوق مالکیت فکری می‌باشد که حق بهره‌برداری انحصاری از آثار هنری و ادبی به دارنده آن می‌دهد. به دلیل سهولت نقض کپی‌رایت در کشورهایی که قوانین مربوطه به این امر به درستی رعایت نمی‌شود، مسئله کپی‌رایت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند برای رعایت قوانین مربوطه پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی امری ضروری تلقی می‌شد. ایران با وضع نوعی از قوانین سعی در رعایت کپی‌رایت کرده است.

حقوق مالکیت فکری، مفهوم حقوقی نوینی است که چگونگی حمایت و استفاده از آفرینش‌های فکری بشر را تعیین می‌کند. کپی‌رایت یا حقوق مالکیت ادبی و هنری به معنای حق بهره‌برداری انحصاری از آثار ادبی و هنری است. به دارنده آن حق مادی و معنوی می‌دهد. مدت حمایت از حق مادی معمولاً در بیشتر کشورها تا ۵۰ سال پس از مرگ مؤلف یا هنرمند است؛ اما حق معنوی به صورت نامحدود حمایت می‌شود. اقسام اصلی حق مادی شامل حق تکثیر، حق فروش، اجاره، توزیع و... است و حق معنوی شامل حق به نام و عنوان اثر، حق حرمت اثر، حق افشا و... است.

در ایران برای حمایت از حق مؤلف و مخترع قوانینی از گذشته وضع شد و همواره در حال تغییر به سمت بهبود شرایط آن در سطح کاربردی آن بوده‌اند. کنوانسیون برن یک معاهده بین‌المللی در خصوص حق تکثیر و

حق مؤلف است که برای اولین بار در شهر برن سوئیس در سپتامبر ۱۸۸۶ تصویب شد. این کنوانسیون کشورهای امضاکننده را که در متن معاهده به نام کشورهای عضو اتحادیه شناخته می‌شوند را ملزم می‌کند که آثار پدیدآورندگان سایر کشورهای امضاکننده را همچون آثار پدیدآورندگان تبعه خود مورد حمایت قرار دهد که از این قاعده بانام قاعده رفتار ملی در کنوانسیون یاد می‌شود. همچنین حمایت از حقوق مؤلف نمی‌تواند بسته به رعایت هیچ نوع تشریفاتمانند ثبت یا به ودیعه گذاردن آثار باشد و بر اساس آن هر تولید اصلی در زمینه ادبی، علمی و هنری که ممکن است به هر سبک و هر سیاقی باشد و نیز آثاری که مبنی بر آثار دیگر مانند ترجمه‌ها، اقتباس‌ها، تنظیم آثار مورد حمایت آن‌ها به صورت ثابت و به شکل مادی باشد. با دقت در کنوانسیون می‌توان دریافت که این کنوانسیون با تأکید بر حق معنوی به ظهور رسیده و اساساً حق مالکیت ادبی و هنری با عنایت به یک حق طبیعی بشر وضع شده است و لذا نباید رعایت آن وابسته به ملاحظات اداری کشورها باشد و کشورها باید بتوانند شرایط داخلی خود را با شرایط کنوانسیون هماهنگ کنند تا از مزایای آن بهره ببرند (پورمحمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵۶)

باگذشت زمان و پیشرفت جوامع مختلف آثار فکری برخلاف گذشته ارزش مادی بیشتری پیدا کرده‌اند و در حال حاضر سرمایه به حساب می‌آیند. هرچند تنوع روزافزون وسایل ارتباط جمعی این سرمایه‌ها را روزبه‌روز در معرض خطرات بیشتری قرار داده است. از زمان پیدایش صنعت چاپ در اواخر قرن پانزدهم میلادی سوءاستفاده از کتاب و نوشته‌های علمی، سهولت و سرعت زیادی پیدا کرده است. حق نسخه‌برداری ترجمه‌ای از اصطلاح (copy right) است که نخستین بار در کنوانسیون برن در سال ۱۸۸۶ وارد عرصه بین‌المللی شد و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع در باب مالکیت فکری، قوانین و مقرراتی در جهان وضع گردید و به کنوانسیون‌های متعددی شکل گرفت. این نوع مالکیت به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول که مربوط به مالکیت صنعتی است که شامل نام تجاری، علائم تجاری، صنعتی، حق اختراع، حق دانش فنی و طرح‌های صنعتی می‌باشد که کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۳ به حمایت از آثار پرداخته است. بخش دوم مربوط به مالکیت ادبی و هنری است. مالکیت ادبی و هنری یا حق ابتکار خود به دو حوزه "حق مؤلف" و "حقوق مرتبط" بخش پذیر است. اصطلاح حق مؤلف که در حقوق رومی - ژرمنی به سبب توجه بیشتر به پدیدآورنده بیشترین کاربرد را دارد معادل "حق نسخه‌برداری" مطرح در کامن لا به لحاظ تأکید بر جنبه‌های مادی آثار فکری است که در معنای کپی‌رایت آورده شده است. در عصر حاضر نمی‌توان از حفظ و حبس اطلاعات سخن به میان آورد زیرا در یک لحظه می‌توان تمام محصول فکری یک فرد را جابه‌جا کرد و هزاران نسخه کپی‌برداری شده از اثر یک فرد را به راحتی منتقل کرد. با پیشرفت تکنولوژی حتی محرمانه‌ترین اطلاعات در معرض دستیابی دیگران قرار می‌گیرد و تاکنون مدرن‌ترین روش‌ها نیز نتوانسته جلوی این امر را بگیرد. (پورمحمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵۷)

گفتار اول: مالکیت فکری در ایران

شاید نخستین قانون‌گذاری رسمی اما ضمنی درباره حق مؤلف در کشور ایران به سال ۱۳۰۴ بازمی‌گردد. در آن تاریخ بود که در قانون مجازات عمومی به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی (و نه خود مجلس) رسید. طبق ماده ۲۴۵ آن قانون هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را، اعم از

کتاب و رساله، نقشه و تصویر و... بدون اجازه مصنف یا مؤلف یا کسی که حق تألیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل یا شخصاً یا توسط دیگری بردارد به تعدی غرامت محکوم خواهد شد. این مجازات مقرر است ولو اینکه مرتکب تصرف جزئی هم در تصنیف یا تألیف نموده باشد. در ایران قانونی با نام حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مشتمل بر ۳۳ ماده و ۳ تبصره در جلسه یازدهم دی‌ماه هزار و سیصد و چهل‌وهشت به تصویب مجلس ملی رسیده است.

بر اساس این قانون حفاظتی از آثار صاحبان فکر و اندیشه در سطح جامعه پدید می‌آید اما از حیث اجرا در ایران به‌طور جدی و اساسی، مشکلات و تعیین مصادیق آن مختلف است. در تاریخ دی‌ماه ۱۳۵۲ در ۱۲ ماده به تصویب شورای ملی آن زمان رسید. هدف اصلی این قانون جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی بود که در خصوص نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر کتب و نشریات و به‌ویژه آثار صوتی صورت می‌گرفت و به‌نوعی تکمیل قانون پیشین و تأکید بر بخش‌هایی از آن بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی موضوع تا سال‌ها مسکوت ماند. در سال ۱۳۷۱ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت برنامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه با اظهار قوانین و مقررات مصوبی که حقوق ناشران و مؤلفان و مترجمان را محترم شمرده است؛ و اشاره به این مطلب که برخی از محاکم بدون توجه به این قوانین با متخلفان بر خود می‌کنند خواستار دستورات لازم در جهت رعایت حقوق نشر، حق تألیف و حق نمایش فیلم‌های سینمایی و آثار سمعی بصری شد.

چند سال بعد مجدد موضوع حمایت از کپی‌رایت و پیوستن به اسناد بین‌المللی توسط وزیر ارشاد وقت مطرح شد. در رویکردی جدید در خصوص حمایت از کپی‌رایت در مصوبه هیئت‌وزیران در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۷۳ مقرر گردید. یک ماده به فصل پنجم لایحه مجازات اسلامی به شرح ذیل الحاق گردد.

"هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز از طریق ورود و خروج، ضبط و ذخیره، پردازش و انتقال داده‌ها و نرم‌افزارهای کامپیوتری و ایجاد یا واردکردن انواع سیستم کامپیوتری و امثال آن جرم محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از ۱۰۰ هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد." (پور محمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵۸)

اما این ماده الحاقی در مجلس شورای ملی به تصویب نرسید. در ادامه روند قانون‌گذاری در جهت حمایت از کپی‌رایت قانون‌گذار پس از انقلاب موضوع را به‌اجمال و سکوت برگزار کرد. ناگهان در اواخر دهه هفتاد نیاز به حمایت از آثار نرم‌افزارهای کامپیوتر با توجه به هجوم گسترده این محصولات به بازار به‌ندرت احساس شد. احساس نیاز به حمایت چنان بود که می‌توانست منجر به دخالت خودسرانه متضررین از این‌گونه متجاوزات را به نحو شخصی ایجاد کند و به دنبال این اوضاع قانون‌گذار چه دیرنگام به چاره‌اندیشی و قانون‌گذاری عجولانه‌ای پرداخته است که در قانون حمایت از نرم‌افزار متبلور شدی و تأیید شورای نگهبان رسید با تصویب این ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای نقض حقوق پدیدآورندگان آثار رایانه‌ای مقرر گردید. پس‌از آن در سال ۱۳۸۲ قانون تجارت الکترونیک به تصویب رسید که به جرم انگاری مبادلات الکترونیکی و اقدامات نقض‌کننده حقوق آثار هنری و ادبی بستر دنیای الکترونیک پرداخت در موارد ۶۷، ۶۸، ۶۷، به نقض حقوق مؤلف و در موارد ۳۳، ۳۴، ۵۰ الی ۵۷ از کپی‌رایت حمایت به عمل آورده است و در موارد ۶۲ الی ۶۶ بر بحث حمایت از حقوق مؤلفان و حمایت از اسرار و علائم تجاری پرداخته است. مفاد این قانون سعی کرد به تکمیل

خلاء های موجود در قانون حمایت از نرم افزارهای رایانه‌های پردازند. با توجه به گستردگی موضوعات و وسایل مربوط به آفرینش‌های فکری و تنوع و تعدد مشکلات موجود و نیز تحول و تکامل کنونی گونه‌های جدید آثار ادبی و هنری قوانین موجز و مختصر که بعضاً دارای کاستی‌ها و نارسایی‌هایی هم می‌باشند پاسخگوی نیازهای امروز نیست. لذا نیاز به قانون جامع و کامل که دربرگیرنده‌ی مواد پیش‌بینی‌نشده در این قوانین را دارا باشد و از سویی با مفاد کنوانسیون بین‌المللی و تجربه کشورها در خصوص حمایت از کپی‌رایت هماهنگ باشد احساس شد. از این رو پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی و هنری توسط گروه پژوهش مالکیت ادبی و هنری پژوهشگاه فرهنگ ارشاد اسلامی با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی در ۳۳ ماده تدوین شد. (wipo).

(پور محمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵۹)

در تدوین این پیش‌نویس از قوانین حقوقی کشورهای مختلف از جمله فرانسه، آمریکا، انگلیس و اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس بهره گرفته شده است این پیش‌نویس با نگرش بومی بر اساس الگوی سالیان جهانی مالکیت فکری تهیه شده است به همین جهت به نظر می‌رسد لایحه‌ای جامع و کامل‌تر از مقررات کنونی و هماهنگ با کنوانسیون بین‌المللی باشد. کشور ما تاکنون به‌جز کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی (وای‌پو) که در سال ۱۳۸۰ عضویت آن را پذیرفته است. در واقع با پیچیده‌تر شدن روابط و توسعه تبادلات فرهنگی میان کشورها و این‌که تمسک به مقررات داخلی در جهت حمایت از کپی‌رایت که فقط در قبال آثار هنرمندان و نویسندگان تبعه یک کشور پاسخگو می‌باشد و به داخل مرزها محدود می‌گردد و احساس وجود مقرراتی که بتواند به حمایت در فراسوی مرزها و در عرصه بین‌الملل بیش‌ازپیش احساس شده است. چرا که قوانین داخلی به تعریف از کپی‌رایت، حق مؤلف و مسئله تخطی از آن به شیوه‌های گوناگون برخورد کرده‌اند. در بند ۱۳ ماده‌یک لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی به بحث اصالت پرداخته است و آن را تعریف کرده است. بر طبق این ماده اصالت " عبارت است از این‌که اثر از خلاقیت پدیدآورنده ناشی شده باشد و کپی از اثر دیگری نباشد. هرچند از لحاظ موضوع، محتوا یا شکل جدید نباشد. با توجه به این تعریف قانون از آثاری حمایت خواهد کرد که دارای اصالت هنر باشد. (پور محمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۵۹ و ۶۰)

گفتار دوم: جنبشی به نام کپی لفت

در اقتصاد دانش‌محور، خلاقیت بسیار مهم تلقی می‌شود و هر کس که خلاق باشد یا بالقوه از چنین استعدادی برخوردار است، می‌تواند مدیریت جریان پیشرفت را به عهده بگیرد. بنابراین، اکنون، مفهوم خلاقیت و دغدغه‌های دسترسی به ابتکار و دانش، مورد واکاوی دانشمندان قرار می‌گیرد، این امر به‌ویژه در محیط دیجیتال بسیار گسترده است چه در این محیط مؤلفان به‌شدت در پی اعمال تدابیر قدرتمند برای کنترل دستیابی به اثر هستند و از سویی تدابیر حقوقی نیز با آن‌هم داستان است و هرروز بر حمایت قوی‌تر از حقوق مالکیت فکری تأکید می‌شود و این امر در معاهدات بین‌المللی تشدید می‌گردد. اما با این وجود، رشد و گسترش خلاقیت به تعدیل قلمرو حقوق انحصاری نیاز دارد، به عبارت دیگر، منافع عمومی و احتمالاً رفاه عمومی با خلاقیت، گسترش مالکیت عمومی، شخصی‌سازی و تولید علم در ارتباط

است و این به معنای محدود نمودن حقوق مالکیت فکری و نشر خلاقیت‌ها و ابتکار در بستر جامعه خواهد بود.

امروزه، روابط بین حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و الگوی اقتصادی خلاقیت و افزایش تأثیر بر رقابت بین‌المللی در چارچوب اقتصاد دانش‌محور مطالعه می‌شود و در این بین، اهمیت خلاقیت قابل‌درک است. هنگامی که دانش در قالب محصولات اقتصادی معامله می‌شود و به‌عنوان دارایی جامعه منتقل می‌گردد، تعامل حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و ارزش اقتصادی و اجتماعی یک جامعه بیشتر از گذشته تجلی می‌یابد. در این شرایط، حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌عنوان انگیزه‌ای برای خلق نمودن استقرار می‌یابد و در قالب پیش‌شرط ضروری برای خلاقیت و جزئی از عناصر حیات‌بخش جامعه به شمار می‌آید، به‌عبارت‌دیگر، حمایت از مؤلفان در جهت توسعه فکری و اجتماعی - اقتصادی صورت می‌گیرد و در تعقیب آن یک ارزش اجتماعی شکل می‌گیرد.

بنابراین مالکیت‌های فکری، ابزارهای هستند که به‌وسیله آن، اصالت و نوع آوری فرهنگی و خلاقیت، ماندگار می‌شود و از این‌رو می‌توان گفت، حقوق مالکیت ادبی و هنری، نوآوری فرهنگی را رقم خواهند زد.

به‌طورکلی، می‌توان گفت که حقوق مالکیت ادبی و هنری به دوره پیش از خلاقیت تعلق دارد چه این نظام انگیزه‌ای برای تولید است و اساساً جهت انگیزه‌آفرینی به منصفه ظهور می‌رسد، هدفی که نهایتاً در خدمت تعالی اقتصاد و بازار و شکوفایی علمی و فرهنگی قرار می‌گیرد و در همین راستا است که بر دایره حق انحصاری افزوده می‌گردد، چنانچه برخی از متفکران بیان می‌نمایند هنگامی که حمایت مؤثری از حقوق مالکیت ادبی و هنری وجود نداشته باشد، هیچ کارآفرین خلاق نیز وجود نخواهد داشت. باین‌وجود، این پرسش مطرح است که آیا تا همیشه این رویکرد نقش فعالانه خود را در خدمت به جامعه به کار خواهد بست؟

در این بین، کاربران محصولات خلاقیت‌ها با مانع ناشی از ممنوعیت نسخه‌برداری از خلاقیت روبرو می‌شوند و اگر بخواهند خود منشأ خلاقیتی جدید باشند، دستشان از خلاقیت پیشین کوتاه است! بنابراین گسترش حمایت از یک‌سو و آزادسازی بهره‌برداری جامعه از سوی دیگر، نتایجی را فراهم می‌آورد که در هر حال به سود جامعه و مؤلف نیست و در این میان، شاید، سخن راندن از جنگ برای دستیابی به آزادی دور از واقعیت نباشد.

این متناقض نما باید در جستجوی راه‌حل میانه‌ای باشد که هم خالقان فکری را از منافع مالکانه خود بهره‌مند سازد و از طرفی بخشی از مالکیت را به جامعه ببخشد تا هر دو گروه را یاری‌رسان باشد. واگذاری بخشی از حقوق مالکیت ادبی و هنری به جامعه می‌تواند در راستای ایجاد یک موازنه جدی، کارساز باشد، یکی از راه‌های این واگذاری کپی‌لفت است.

امروزه حرکتی نو خواسته در جهان حقوق مالکیت فکری شکل گرفته که در مسیر ایجاد توازن میان منافع جامعه و خالقان فکری قرار می‌گیرد، اگرچه دکترین‌های متعددی در جهت وصول به موازنه گام برمی‌دارند اما کپی‌لفت می‌تواند گامی اساسی و مهم را رقم زند. اساس این نظریه بر آن نهاده شده که فرد قبول‌کننده مجوز کپی‌لفت قادر است آزادانه به استفاده، اصلاح و توزیع اثر مبادرت ورزد؛ بنابراین، این مجوز تلاش می‌کند بخشی

از حقوق مالکیت ادبی و هنری را به مصرف‌کننده (دریافت‌کننده اثر) منتقل نماید و یا حتی اگر بتواند همه حقوق خالق اثر را به مصرف‌کننده واگذار کند.

تأسیس کپی لفت به تولید یک نرم‌افزار رایانه‌ای باز می‌گردد، چنانچه در سال ۱۹۷۵ دنیس آلیسون و همکارانش برنامه‌ای را طراحی کردند که ساده‌تر از زبان بیسیک بود (این زبان بسیار سبک بوده و حافظه بسیار کمی در حد دو تا سه کیلوبایت مصرف می‌کرد) و به‌سرعت مورد توجه کاربران رایانه‌ای قرار گرفت، شهرت این برنامه سبب شد که صاحب‌نظران در پی واکاوی چرایی آن برآیند و دلیل توفیق آن را در دسترس بودن آن برای همگان تشخیص دهند. به عبارت دیگر پدیدآورندگان این نرم‌افزار به‌جای تنظیم قراردادی که شرایط دشواری را بر کاربر تحمیل می‌نماید، قلمرو گسترده‌ای از اختیارات را برای وی در نظر گرفته بودند.

اما اصطلاح کپی لفت برای نخستین بار در می ۱۹۷۶ توسط لی چن وانگ در یک مقاله به کار رفت تا آن هنگام مرسوم بود که مؤلفان در آثار ادبی و هنری بر عبارت "کلیه حقوق محفوظ است" تصریح می‌نمودند اما ناگهان در بعضی از آثار عبارت جدیدی مشاهده می‌شود که بر عبارت "کلیه اشتباهات محفوظ است" تأکید می‌کرد، به این ترتیب عبارت کپی لفت برای نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۵۰ شمسی) در تقابل با مفهوم "کپی‌رایت" (حق مؤلف) به کار برده شد و به‌زودی، حرف انگلیسی "c" در علامت حق مؤلف "c" (داخل دایره) برعکس شد و واژه right در copyright با کلمه left جایگزین شد.

به‌طور کلی، در الگوهای جدید نرم‌افزار یعنی نرم‌افزارهای آزاد، ظاهراً خلاقیت بدون رعایت نظام حقوقی خاصی ایجاد می‌شود، به عبارت دیگر فارغ از نظام حقوقی، صاحبان این حرف در میدان خلاقیت گام می‌نهند. در این الگو، ماهیت ساختاری خلاقیت در چارچوب همکاری مشترک شکل می‌گیرد و نسخه‌برداری یک پیش‌شرط اساسی برای توسعه است. در این شرایط، نشر، استعمال و تدوین دانش تابع عرف داخلی جامعه فعالان نرم‌افزار است، از این رو، الگوی جدید از بروز خلاقیت به منصفه ظهور می‌رسد که نهایتاً از الگوی مقرر شده در نظام حقوق مالکیت فکری متمایز خواهد بود. در حقیقت، مأموریت نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری که ظهور خلاقیت است با نظام نرم‌افزار آزاد دچار چالش می‌گردد، در این میان به نظر می‌رسد نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری از خلاقیت اصیل حمایت می‌نماید ولی در نرم‌افزاری، اصیل بودن معنای سابق را ندارد!

اما می‌توان پاسخ داد که در نظام آزاد نرم‌افزاری، اصالت حاصل عملکرد یک شخص و یا خروجی شخص خاصی نیست بلکه اصالت حاصل تلاش دسته‌جمعی است که در گستره‌ای وسیع تبلور می‌یابد. البته در این میان، آن، مفهوم جدیدی از اصالت است و در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به‌دشواری قابل پذیرش است چه در ماهیت نظام نرم‌افزاری آزاد، تقلید و نسخه‌برداری از اثر دیگری یک امر رایج است و خروجی کاملاً با کمیت و کیفیت استفاده از اثر یا آثار قبلی در ارتباط است.

به‌راستی هنگامی که این جریان در جامعه شکل بگیرد، آیا کپی لفت نقابی برای حقوق مالکیت ادبی و هنری خواهد بود؟ به نظر می‌رسد که کپی لفت از زمره استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری است (حداقل با آن‌ها یک نتیجه را خواهد داشت) چه آن‌ها حقوقی را به افرادی غیر از مالک اعطا خواهند کرد اما تفاوت در اینجاست که کپی لفت در گستره عظیم‌تری عمل خواهد کرد به عبارت دیگر این مجوز شامل هر شهروندی

خواهد بود که ایجاب را قبول نماید و این امر در شرایطی که اثر در محیط برخط عرضه می‌شود با سرعت و قابلیت فوق‌العاده‌ای گسترش می‌یابد و با هر کلیک اثر از دسترس مؤلف اصلی دورتر و دورتر می‌گردد. در این میان، قراردادهای که در محیط دیجیتال منعقد می‌شود، نتایج و مسائلی دارند که در عمل، فائق آمدن بر آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴: ص ۲۴۴ تا ۲۴۷)

گفتار سوم: ورود کپی لفت به جهان نوین

مجوز کپی لفت در حال گستراندن دامنه خود در سایر زمینه‌های مالکیت‌های فکری است، اگر شما در وبگاه‌های مختلفی مانند اپن فتو، ویکی‌پدیا، ویکی‌بوک و ... گذر نمایید، مشاهده خواهید کرد که کپی لفت به گستردگی در حال نضج گرفتن است، شما قادر هستید، عکس‌ها یا مقالات موجود در این پایگاه‌ها را ویرایش نموده و منتشر نمایید و این اجازه به‌صراحت در برابر حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار خواهد گرفت. هدف مدیران این پایگاه‌ها آن است که مردم به‌سادگی در خلق آثار جدید سهیم شده و به‌این‌ترتیب از ژرفای بستری مشترک، امکان بروز استعدادهای نهفته که به‌تنهایی انگیزه تولید ندارند یا توانایی آفرینندگی ندارند، فراهم آید.

این پایگاه‌ها مبتنی برابری از حقوقی متعارفی نیستند و اساساً تابع نظامی هستند که خود تعریف و تفسیر می‌کنند، از این‌رو است که منشأ دعاوی حقوقی چندانی نیز نمی‌شوند، درواقع، گنجینه‌ای در برابر همگان نمایش داده می‌شود که هر کس به میزان قابلیت خویش از آن بهره می‌گیرد و باذوق و قریحه‌ای فردی، سنگ‌ها و جواهرات قیمتی آن را صیقل می‌دهد، امکانی منحصر به فرد که در مقابل حقوق انحصاری پدیدآورندگان، علم سهم خواهی را برافراشته است.

مجوز گیرندگان قادر هستند که بعضی حقوق انحصاری را اعمال نمایند یا عملاً هر آنچه را که میل دارند با اثر نمایند. به‌عبارت‌دیگر این بدان معنا است که مالکان آثار ادبی و هنری در اقدامی فداکارانه اموال خود را برای همیشه به جامعه تقدیم می‌کنند.

در این میان باید توجه نمود که همه مجوزهای کپی لفت، حقوق یکسانی را به مصرف‌کننده اعطا نمی‌نمایند و از سویی هر مجوز مشتمل بر همه حقوق نخواهد بود، اما باین‌وجود یک یا چند حق ذیل در این مجوزها درج می‌گردد:

۱ - استفاده غیرتجاری

۲ - خلق آثار اشتقاقی

۳ - اعطای مجوز مجدد به اشخاص دیگر

۴ - توزیع

۵ - اصلاح و ...

به‌طورکلی با توجه به تقسیم‌بندی سنتی حقوق پدیدآورنده به حقوق مادی و معنوی باید اشاره نمود که در زمینه حقوق مادی، حق خلق اثر اشتقاقی و توزیع اثر از مهم‌ترین حقوقی هستند که توسط مالک اثر به دیگران اعطا می‌شود. اما در زمینه حقوق معنوی نیز با اعطای حق اصلاح، مصرف‌کننده به‌حق معنوی تمامیت اثر ورود

می‌نماید و به جرح و تعدیل اثر می‌پردازد اما معمولاً در همه قراردادهای کپی لفت، حفظ حرمت نام مؤلف حفظ می‌گردد و شاید بتوان گفت این تنها حقی است که برای مؤلف باقی خواهد ماند.

هر قرارداد کپی لفت دارای دو قسمت بوده که در قسمت اول دارای نمادها و عبارتی است که یکی از حقوق مذکور را نمایندگی می‌کند و به سادگی توسط افراد غیرمتخصص درک می‌شود و باید به مصرف‌کنندگانی که با اثر می‌توانند یا نمی‌توانند کار کنند، منتقل شود، در واقع این نمادسازی ساده در فراسوی خود، مفاهیم پیچیده‌ای را تصویر می‌کند به‌طور مثال دایره‌ای که سر یک انسان در میانه‌اش قرار دارد، همراه با عبارات بای نشانگر آن است که مصرف‌کننده می‌تواند نسخه‌برداری، توزیع، نمایش، اجرا و اصلاح را انجام دهد مشروط بر آنکه اثر تحت نام مؤلف باشد.

بخش دوم هر قرارداد، مشتمل بر قرارداد حقوقی رسمی بین مجوز دهنده (مؤلف) و مجوز گیرنده (مصرف‌کننده اثر) است. این مجوز به‌طور خاص، حقوق اعطاشده به مصرف‌کننده را تعریف می‌نماید و تصریح می‌نماید که چه مصادیقی از بهره‌برداری، نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری تلقی می‌شود. به‌طور مثال مجوز گیرنده دارای حق تکثیر، خلق اثر اشتقاقی، توزیع و عرضه عمومی اثر است، اما باید اثر را به نام مؤلف اصلی منتشر نماید.

گفتار چهارم: دشواری‌های ناشی از مجوزهای کپی لفت

۱ - نیروی الزام‌آور کپی لفت

مجوزهای کپی لفت که عمدتاً در محیط اینترنت مطرح می‌شوند، حقوق نانوشته‌ای را در فراسوی فضای مجازی خود به منصفه ظهور رسانده‌اند و از طریق ارتباط سراسری رایانه‌ها در اقصا نقاط جهان منتشر می‌گردند، در این شرایط پرسش آن است که آیا با کلیک جمله "من قبول دارم"، شروط قراردادی پذیرفته شده است؟ آیا مجوزهای مختلف با یکدیگر سازگار هستند؟

مجوزهای کپی لفت تلاش می‌کنند که دانلود اثر را به اعلام قبول مجوز گیرنده یا اعمال حقی که به قایم مقامی مالک به دست آمده، تعبیر نمایند. به‌طور مثال اگر شما مجاز باشید که اثر را اصلاح نمایید و متعاقباً به آن مبادرت کنید این بدان معناست که شما قرارداد را قبول نموده‌اید، در بعضی مجوزها نیز صرف دانلود مصرف‌کننده، تکثیر اثر تلقی می‌شود و مصرف‌کننده‌ای که هرگز به قرارداد آگاهی نداشته است یا از شروط تفصیلی آن اطلاعی ندارد را به قرارداد ملزم می‌نماید. از این‌رو است که مسئله‌ای حقوقی مطرح می‌گردد که آیا طرفین، فی‌مابین خود قرارداد الزام‌آوری را منعقد نموده‌اند؟

در بعضی مجوزها، از هنگامی که مصرف‌کننده لوح فشرده نرم‌افزار را می‌خرد تا زمانی که نرم‌افزار مراحل نصب را طی می‌نماید، ایجابی صورت نمی‌گیرد و به عبارت دیگر، مصرف‌کننده برای نخستین بار بعد از دانلود اثر با مجوز روبرو می‌شود.

در وضعیت دیگر، هنگامی که کاربر در یک وبگاه با اثر قابل دانلودی روبرو می‌شود، قراردادی به وی عرضه می‌شود به‌گونه‌ای که در صفحه وب‌سایت، یک لینک کوچک در انتهای صفحه وجود دارد که به محض کلیک آن، ایجاب قراردادی در برابر مصرف‌کننده قرار می‌گیرد یا فهرستی از مجوزها در برابر مصرف‌کننده عرضه

می‌شود که او باید یکی را انتخاب نماید که البته در این شرایط، قرارداد با یک واسطه (لینک) ارائه‌شده و این امر فی‌نفسه می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

در حالت دیگر، اثر هنگامی در دسترس قرار می‌گیرد که مصرف‌کننده شروط قراردادی را با یک کلیک قبول نماید. به عبارت دیگر در این شرایط، ابتدا دانلود صورت نمی‌گیرد یا لینک گمراه‌کننده‌ای وجود ندارد. در پرونده‌ای، مصرف‌کننده وارد صفحه‌ای از وب‌سایت می‌شود که در پایین‌ترین نقطه صفحه یک لینک به یک اثر ادبی و هنری داده‌شده است اما این لینک وضعیت فریبنده‌ای داشته به گونه‌ای کاربر نمی‌توانسته تشخیص دهد که قرارداد اجازه بهره‌برداری وجود دارد زیرا لینک مربوطه در انتهای صفحه و به سادگی قابل یافتن نبوده، در این مسئله، دادگاه اشعار می‌دارد که کلیک یک مصرف‌کننده بر گزینه دانلود دال بر قبول شروط قراردادی نیست زیرا که ایجاب به روشنی ارائه نمی‌شود و مصرف‌کننده متعارف، دلیلی ندارد که از وجود مجوز آگاهی داشته باشد، از این رو، این مجوز قابل اجرا نیست.

دو سال بعد دعوی مشابهی مطرح شد که در آن، مصرف‌کننده تا پس از دانلود اثر از وجود قرارداد آگاهی پیدا نمی‌کرد، در این دعوی، دادگاه نتیجه‌گیری نمود که قبول قرارداد، ضرورتاً با کلیک عبارت "من قبول دارم"، در ارتباط نمی‌باشد و در یک قرارداد استاندارد، مصرف‌کننده باید علم به شروط قراردادی، قرارداد را بپذیرد. در این مورد، دادگاه تمرکز اصلی خود را بر آن قرارداد که آیا مصرف‌کننده آگاهی قبلی از مجوز دارد یا خیر؟ و از این رو با احراز فقدان علم به قرارداد، قرارداد غیرقابل اجرا ماند. علاوه بر این، دادگاه تجدیدنظر کالیفرنیا آمریکا بیان داشت که علم حقوق از عبارت "قبول می‌کنم"، پذیرش قرارداد را احراز نمی‌کند؛ اما در عوض، اظهارهای موجود در صفحه اصلی که صریحاً استفاده از اثر را تابع شرایطی اعلام می‌کند، دال بر ایجاب صریح و کلیک بر آن را قبول تلقی کرده و قرارداد را قابل اجرا می‌داند و در این مورد، تفاوتی میان قرارداد چاپی و مجازی وجود ندارد.

۲ - قراردادهای متعارض

یکی از مشکلات مطرح آن است که امروزه دو یا چند مجوز کپی لغت با یکدیگر ترکیب می‌شوند، به طور مثال، مجوزهای کپی لغت به طور کلی حق تجویز و اصلاح اثر را اعطا می‌کنند؛ اما همه مجوزها مشتمل بر حق اصلاح اثر نیستند و در بعضی موارد، خلق آثار اشتقاقی به قرارداد دقیق و کاملی وابسته است و به کسب مجوز مجدد نیاز دارد. مشکل درجایی مطرح می‌شود که دو اثر با یکدیگر ترکیب می‌شوند و این در حالی است که دو مجوز کپی لغت آن‌ها نیز باهم ترکیب می‌گردد. وضعیتی را فرض نمایید که در آن اثر با تجویز حق اصلاح و توزیع اثر منتقل می‌شود اما پس از اصلاح با منع حق اصلاح مجدد منتشر شود (البته قابل ذکر است که مصرف‌کننده قادر نیست حقی را که در تملک ندارد منتقل کند اما حقی را که دارد می‌تواند با اعمال تغییراتی به دیگر مصرف‌کنندگان منتقل نماید).

شاید بتوان گفت، در دو اثری که تابع دو مجوز مختلف هستند، مجوز مضیق‌تر، انتقال را کنترل خواهد کرد چنانچه در مثال فوق، مصرف‌کنندگان ثانوی تنها از حق توزیع برخوردار می‌شوند و قادر به انتقال حق اصلاح و خلق اثر اشتقاقی نیست؛ اما این راه‌حل مطلوبی به نظر نمی‌رسد زیرا که اجرای مفاد قرارداد کپی لغت اصلی

در شرایطی که اثر به‌طور ناگهانی تحت مجوز مضیق‌تری نسبت به آن قرار می‌گیرد، به‌دشواری تحقق می‌یابد و در بخش حق اصلاح عملاً متوقف می‌شود. به‌طور مثال در ویکی‌پدیا، فرهنگ لغتی بر خط (آنلاین) که در سال ۲۰۰۱ ایجاد شد و صدها کاربر از نقاط مختلف گیتی در پیشرفت آن مشارکت می‌نمایند، تخمین زده می‌شود که بالغ بر ۷۵۰۰۰ کاربر بر روی ۱۳۰۰۰۰۰۰ مقاله در ۲۶۰ زبان، نقش اصلاح‌کننده را بر عهده‌دارند. در این میان نقش کپی لغت در ویکی‌پدیا، به‌عنصری تعیین‌کننده و ارتقاء دهنده مبدل شده است، به‌گونه‌ای که مصرف‌کنندگان مجاز هستند آزادانه به نسخه‌برداری، اصلاح و توزیع اثر اشتقاقی مبادرت ورزند. این مجوز همچنین، محدودیت‌های را بر مصرف‌کننده مقرر می‌کند چه حق حرمت نام مؤلف اصلی محفوظ است و مجوز گیرنده باید با پاسداشت حقوق مالکیت ادبی و هنری و اختراهای لازم، اثر را تحت مجوز بهره‌برداری اولیه منتقل نماید.

اما هنگامی که قرارداد نخست، مجوز گیرنده را قادر می‌سازد که به اصلاح اثر بپردازد و همزمان، قرارداد دیگر همین حق را محدود می‌نماید، اثر اولیه تحت مجوزی که امکان اصلاح آتی را فراهم می‌کند منتقل می‌شود اما پس از اصلاح، مجوز جدیدی تعریف می‌شود (به‌شرط امکان چنین امری) که اجازه اصلاح را نمی‌دهد، در این شرایط، دستیابی به هر دو هدف غیرممکن است.

برای حل این مشکل، ویکی‌پدیا، نسخه جدیدی از قرارداد مجوز بهره‌برداری را عرضه می‌نماید که مشتمل بر حق اعطای مجوز مجدد است و به‌این‌ترتیب، سایتی مانند ویکی‌پدیا قادر می‌گردد اثر اولیه را مجدداً منتشر کند و از تغییرات و اعمال نظر مؤلف جلوگیری نماید، البته این سلب حق در محدوده زمانی معینی (تا ۱ آگوست ۲۰۰۹) صورت می‌گرفت (و سلب حق کلی فاقد اعتبار است)؛ و پس از این تاریخ ویکی‌پدیا تدابیر دیگری را نیز برای حل مشکل اتخاذ نموده و در می ۲۰۰۹ مجوز جدیدی طراحی کرد که برای همه آثاری که بعد از ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹ آپلود می‌شوند قابل اجرا است. (حبیبی و شاکری، ۱۳۹۴: صص ۲۵۶ تا ۲۶۱)

فصل دوم: جایگاه مالکیت معنوی

مقدمه

پژوهشهایی که در قلمرو «مالکیت معنوی» انجام گرفته است امروزه بیشتر با عنوان «حقوق مالکیت فکری» و در بعضی از مواقع با اصطلاح «حقوق مالکیت معنوی» روبرو می شویم که هر دو اصطلاح، ترجمه ای از عبارت «intellectual property rights» میباشد. از کاربرد درست اصطلاح حقوق مالکیت فکری، در زبان حقوقی، دیرگاهی نمی گذرد. خاستگاه و سرچشمه ی این دسته از حقوق، آثار وابسته به اندیشه، دانش، ادبیات، هنر، صنعت، فن، نوآوری و ذوق بشری است که در گونه گون سیاهه های علمی، ادبی، صنعتی، فناوری، و هنری به نمایش در می آید. در این بخش به بررسی جایگاه مالکیت معنوی خواهیم پرداخت.

مبحث اول: مقررات حمایت از حقوق مالکیت فکری در حقوق ایران

گفتار اول: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی، مالکیت به طور کلی مورد حمایت صریح قرار گرفته است و در اصول ۴۷ و ۴۶ آن می خوانید: اصل ۴۶: هر کس مالک ماحصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسب به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل ۴۷: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آن را قانون معین می کند. همان گونه که در بحث مالکیت معنوی عنوان نمودم، مالکیت معنوی نوعی از مالکیت می باشد که از نظر قانون مشمول هرگونه حمایت از مالکیت می باشد؛ بنابراین اصل فوق الذکر نیز می تواند به عنوان مبنای حمایت از مالکیت ادبی و هنری قرار گیرند.

گفتار دوم: قانون مدنی

در قانون مدنی نیز، مالکیت به طور کلی مورد حمایت قرار گرفته است و مواد ۳۰ و ۳۱ این قانون در حمایت از مالکیت چنین مقرر می داند:

ماده ۳۰ هر مالکی نسبت به مالکیت خود حق هرگونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

ماده ۳۱ هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی تواند بیرون کرد مگر به حکم قانون. (پور محمد و دیگران ۱۳۹۵-ص ۷۹)

البته در قانون مدنی، تعریفی از مال صورت نگرفته است لیکن در کتب حقوقی و طبق نظریه های حقوقی، مال به انواع متفاوتی تقسیم گردیده است و انواعی از مال تقسیم آن به دو شاخه مال مادی و مال غیرمادی است و از انواع مال غیرمادی نیز حق است و آن نیز بر دو نوع حق مالی و حق معنوی است که موضوع مورد حمایت نیز مالکیت ادبی و هنری می باشد. (پورمحمد و دیگران ۱۳۹۵ از ص ۸۰)

گفتار سوم: مزایای قوانین حقوق مالکیت معنوی

ایجاد انگیزه برای متخصصین محققین، مخترعین مراکز علمی و پژوهشی و فقهی و نیز صاحبان فکر و این در سطح جامعه

جلوگیری از اختفای یافته های فکری و فناوری

انتشار دقیق و صحیح فناوری‌های جدید
انتشار دقیق و صحیح فناوری‌های جدید
جلوگیری از تکرار موضوعات پژوهشی و اتلاف وقت و سرمایه

تسهیل انتقال فناوری

آگاهی از روند توسعه فناوری در کشورها
آگاهی از سطح و روند فعالیت‌های تحقیقاتی رقبا، در فرآیند توسعه فناوری
معایب قوانین حقوق مالکیت معنوی
ممانعت از نسخه‌برداری از فناوری

انحصاری کردن فناوری

دولتی نمودن تحقیقات و کاهش انگیزه برای تحقیقات

افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوری‌ها به علت انحصار

تحقیقات نشان داده است که کشورهای کمتر توسعه‌یافته و اکثریت کشورهای درحال توسعه، تولیدکننده محصولات فکری و نوآوری نیستند، بلکه مصرف‌کننده حاصل تولیدات فکری کشورهای صنعتی می‌باشند. لذا نظام‌های دارایی‌های کشورهای فقیر و برخی کشورهای درحال توسعه، اساساً حافظ دارایی‌های کشورهای صنعتی می‌باشند. (میرحسینی، سید حسن، همان منبع پیش ص ۲۰) (پور محمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۸۵)

گفتار چهارم: مفاهیم مربوط به اثر

۱ - اقتباس، تغییر یا اصلاح یک اثر به منظور ارائه آن در یک شکل متفاوت است مانند ترجمه و عمل تغییر یک اثر که از قبل موجود بوده اعم از اینکه حمایت شده باشد و یا در مالکیت عموم باشد. منظور از تغییر ارائه مناسب آن جهت استفاده برای هدف دیگر می‌باشد (میرحسینی، ۱۳۸۵: ص ۱۳)

البته نتیجه فعل اقتباس نیز اقتباس نامیده می‌شود. به‌طور کلی اقتباس‌ها در زیرمجموعه آثار اشتقاقی قرار می‌گیرند که بر اساس بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون برن به‌عنوان آثار اصیل بدون واردکردن لطمه به حقوق مالکیت ادبی و هنری اصل باید حمایت شوند. درعین حال، فعل اقتباس تحت پوشش در حق اقتباس متعلق به مالک مالکیت ادبی و هنری در اثر اصیل قرار دارد. (آیتی، پیشین، ص ۱۲۸). (بدخش، ۱۳۹۶: ص ۱۸ و ۱۹)

۲ - ترجمه: به‌عنوان یک فعل، ترجمه عموماً به معنی تبدیل یک متن که با یک‌زبان نوشته شده یا گفته شده به زبان دیگر است گاهی این مفهوم شامل تبدیل برنامه رایانه‌ای از یک‌زبان برنامه‌نویسی به زبان دیگر نیز بیان می‌شود. (میرحسینی، پیشین، ص ۲۲۲)

۳ - اثر سمعی و بصری

اثری است که متشکل از مجموعه‌ای از تصاویر متوالی و مرتبط به‌گونه‌ای که مشاهده آن‌ها احساس متحرک بودن را در ذهن به وجود آورده، خواه با صوت همراه باشد خواه نباشد. (میرحسینی، پیشین، ص ۲۵). (سعید بدخش، ۱۳۹۶: ص ۲۰ و ۲۱)

۴ - اثر جمعی:

اثری که در اکثر قوانین ملی تصریح شده و مورد مناقشه حقوقدانان است. این اثر با همکاری چند مؤلف به ابتکار و سازمان‌دهی یک شخص حقیقی یا حقوقی منتشر می‌شود و نوعی اثر بی‌نام است. در این نوع اثر حقوق مؤلف مستقیماً به شخص حقیقی یا حقوقی که اثر تحت نام او تهیه منتشر می‌شود تعلق می‌گیرد، هرچند که خلاقیت با شخص حقوقی ناسازگار باشد. اما اثر مشترک هر چند از انواع آثار مرکب که نتیجه فعالیت چند مؤلف است می‌باشد، ولی متفاوت از آثار جمعی بوده و نه تنها چند مؤلف در آفرینش آن نقش دارند، بلکه نقش آن‌ها به نحوی است که پس از به نتیجه رسیدن تعیین این که کدام بخش نتیجه فعالیت کدام مؤلف است غیرممکن می‌باشد و (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸). (سعید بدخش، ۱۳۹۶: ص ۲۱)

۵- کشور مبدأ یک اثر (کشور خاستگاه)

کشوری است که اصولاً اثر در آنجا منتشر می‌شود که آن کشور حمایت‌های خاصی را از اثر مذکور خواهد داشت. حمایت در کشور مبدأ تاریخ قوانین داخلی است ولی هرگاه پدیدآورنده تابع کشور مبدأ نباشد، از همان حقوقی بهره‌مند خواهد شد که اتباع آن کشور از آن‌ها برخوردارند. در خصوص آثار تحت حمایت کنوانسیون، به‌طور کلی، نه قانون کشور مبدأ چنین آثار بلکه قانون کشوری که حمایت در آن ادعا می‌شود باید اعمال شود و این حمایت مستقل از وجود حمایت در کشور مبدأ است. باین حال، در برخی موارد، قانون کشور مبدأ باید در نظر گرفته شود. (بدخش، ۱۳۹۵: ص ۲۲ و ۲۳)

۶- واگذاری مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط:

بر اساس ضوابط بین‌المللی، حقوق اقتصادی و مادی مربوط به مالکیت ادبی هنری و حقوق جانبی برخلاف حقوق معنوی قابل نقل و انتقال هستند. در این راستا قوانین ملی اکثر کشورها این اجازه را به دارندگان این قبیل حقوق داده‌اند تا بتوانند حقوق مادی‌شان را واگذار کنند یا اجازه بهره‌برداری اعطا نمایند، تعداد اندکی از کشورها نیز به لحاظ حمایت از منافع پدیدآورندگان و اجراکنندگان که طرف ضعیف مذاکرات با برخی استفاده‌کنندگان دارای قدرت هستند، صرفاً واگذاری این قبیل حقوق را به صورت لیسانس تجویز کرده‌اند. (لیسانس اجازه‌ای است که توسط مالک کپی‌رایت یا حقوق مرتبط به یک شخص حقیقی یا حقوقی داده می‌شود تا کار خاصی را در رابطه با اثر انجام دهد. مالکیت کپی‌رایت با لیسانس منتقل نمی‌شود.)

همان‌طور که در ماده ۱۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و ... آمده است، انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از امری را به منظور انتفاع دارند، باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشان ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیرشده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند، مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگر موافقت کرده باشند.

با توجه به ماده ۹ آیین‌نامه قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حقوق مادی و معنوی نرم‌افزار به پدیدآورنده تعلق دارد. استفاده از تمام یا قسمتی از حقوق مادی موضوع قانون برای مدت سی سال یا کمتر با قید شرط یا بدون شرط به اشخاص دیگر قابل نقل و انتقال می‌باشد، اشخاصی که به ترتیب فوق اجازه نشر یا عرضه یا اجرای نرم‌افزاری را که دیگری پدید آورده به دست آورده‌اند مکلف‌اند نام پدیدآورنده‌اند را نیز در نسخ عرضه‌شده ذکر نمایند مگر این که با پدیدآورنده به گونه‌ای دیگر توافق شده باشد. (بدخش، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۵)

۷- مدت حمایت:

منظور از این اصطلاح که مترادف دوره حمایت است مدت‌زمانی است که در اثر قلمرو مالکیت خصوصی قرار دارد و حقوق مادی برشمرده شده در انحصار پدیدآورنده اثر یا انتقال گیرندگان و پس از مرگ نیز در اختیار وراثت یا موصی له است و در صورت نقض این حقوق دارندگان می‌توانند دعوای شخص در خصوص مطالبه حقوق تضییع شده اقامه نمایند.

با انقضای مدت حمایت، اثر هنری و ادبی در قلمرو عموم قرار می‌گیرد و حقوق فردی به نفع حقوق جامعه ساقط می‌شود و از این پس هر کسی می‌تواند بدون نیاز به کسب مجوز از انقضای آن استفاده نمایند (آموزگار، ۱۳۸۲، صص ۱۰۷-۱۰۴). (بدخس، ۱۳۹۶: ص ۲۷)

۸_ نشر:

کنوانسیون رم در بند (د) ماده ۳ خود تعریف مستقیم از نشر ارائه می‌دهد "نشر یعنی عرضه نسخه‌های یک صفحه صوتی به مردم به تعداد معقول"

در بند (ه) ماده ۷ در تعریف نشر آمده است: نشر یک اجرای ضبط شده یا صفحه صوتی یعنی عرضه نسخه‌های اجرای ضبط شده یا صفحه صوتی به عموم با رضایت مالک حق و به شرط این که نسخه‌ها به تعداد معقول به عموم عرضه شده باشد. (بدخس، ۱۳۹۶: ص ۳۲)

۹- اثر بدون پدیدآورنده:

اثری است که پدیدآورنده مایل است ناشناس باشد و در نتیجه روی نسخه‌های اثر خود یا در ارسال اثر به عموم مردم نام یا نام مستعار خود را درج نمی‌کند.

در بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون برن در رابطه با دوره حمایت آثار فاقد نام پدیدآورنده آمده است: در مورد آثار منتشر شده بی‌نام یا با اسامی مستعار، طول مدت حمایت، طبق معاهده پنجاه سال پس از آن خواهد بود؛ که اثر به صورت قانونی در اختیار عموم قرار گرفته باشد. در این حال مدت حمایت از آثار منتشره یا با نام مستعار، درست مانند آثار دارای نام و هویت، مطابق مفاد بند ۱ ماده فوق خواهد بود، اگر مؤلف آثار بی‌نام یا با نام مستعار در طول مدت ذکر شده فوق، هویت خود را آشکار نماید، مدت حمایت طبق مفاد بند (۱) ماده ۷ کنوانسیون خواهد بود. در بند ۳ ماده ۱۵ کنوانسیون برن نیز آمده است: در مورد آثار بدون نام یا با نام مستعار، به جز مواردی که در بند ۱ این ماده بدان‌ها اشاره کرده‌ایم، ناشری که نام او روی اثر آمده است در صورت نبودن دلایل مغایر، نماینده مؤلف شناخته می‌شود و در این مقام مجازات برای حفظ حقوق او اقدام کند. اجرای مفاد این بند پس از آنکه مؤلف هویت خود را آشکار و ادعای خود را در مورد تألیف اثر به اثبات برساند، متوقف خواهد شد. در مجموعه قوانین و مقررات داخلی ایران حکمی در رابطه با مواردی که پدیدآورنده از اسم مستعار استفاده می‌نماید و یا در رابطه با نمایندگی از پدیدآورنده در صورتی که این نشر یافته و نام پدیدآورنده مشخص نیست نیامده است. (بدخس، ۱۳۹۶: ص ۳۴ و ۳۳).

مبحث دوم: مؤلف و اثر

مؤلف اسم فاعل است و در لغت یکی از معانی آن به کسی اطلاق می‌شود که مطالبی برای تدوین کتابی جمع‌آوری و منظم نماید ولی ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که تعریف مذکور محتاج توضیح بیشتری است و بنابراین باید دانست که مؤلف یک اثر ادبی و هنری و علمی مانند اشخاص عادی نیست، بلکه با افراد معمولی متمایز می‌باشد و به همین سبب در اجتماع فعالیت خاصی را دنبال می‌کند؛ و نظر به قدرت خلاقه‌ای که در وجودش به ودیعه گذارده شده است مفاهیم فکری را از عالم تصور به جهان واقع می‌آورد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بدان تجسم می‌بخشد، لذا قانون برای کار او ارزش قائل می‌شود. (مشیریان، ۱۳۳۹: ص ۲۴ و ۲۵)

گفتار اول: ماهیت حق مؤلف

نظریه مالکیت عینی، برای توضیح ترجمه مواد اول و دوم قانون حق مالکیت ادبی و هنری فرانسه را مثال می‌آوریم.

ماده اول قانون حق مالکیت ادبی و هنری فرانسه می‌گوید:

مؤلفان آثار نوشته از هر نوع، نقاشان، صورتگران که تابلو، گراور و نقاشی تهیه می‌کند و آهنگسازان در تمام مدت زندگی از حق انحصاری فروختن و به فروش رسانیدن و توزیع اثر خود در خاک فرانسه برخوردار خواهند شد. همچنین می‌توانند حق مالکیت نسبت به اثر خود را کلاً یا بعضاً واگذار نمایند. ماده دوم: وراثت یا منتقل الیه از همان حقوق تا ده سال بعد از فوت مؤلف برخوردارند.

عبارت فروختن یا به فروش رسانیدن مندرج در ماده ۱ دلالت بر مالکیت اثر و حق استفاده از آن را دارد. از عبارت توزیع اثر دلالت استعمال و از عبارت واگذاری دلالت انتقال آن استنباط می‌شود. با این‌که اکثر حقوقدانان معاصر آن کشورها تعریف قانون و نظریه مالکیت عینی را نمی‌پذیرند و آن را مردود می‌دانند، مع‌هذا برخی دیگر نویسندگان تحت تأثیر تعریف قانون حق مالکیت ادبی و هنری فرانسه قرار گرفته و از آن جانب‌داری می‌کنند. با وجود مخالفت منطقی تصور حق مالکیت ادبی و هنری امکان‌پذیر است و بایستی مالکیت مؤلف بر اثرش شناخته شود، خلاصه نظر پیکار این است که محصول فکر انسان نیز تابع مقررات مالکیت عادی می‌باشد.

بند اول: نظریه حقوق طبیعی

در انگلستان در قرن هیجدهام این مسئله مطرح شده که آیا حق مؤلف داخل در قلمرو مالکیت کامن لا (حقوق نانوشته) و جزو حقوق فطری است یا جزو امتیازاتی است که به‌موجب فرمان شاه یا قوانین خاص به افراد اعطاء می‌شده است. مسئله در همین دوره به طریق مشابهی در ایالات متحده امریکا نیز مطرح شده است. در این عصر نظر عمومی نظر بر این بوده که حق مؤلف، یک حق فطری و نوعی مالکیت است.

"فرانسوا هپ" رئیس سابق اداره حق مؤلف یونسکو، موسسه علمی، فرهنگی، تربیتی وابسته به سازمان ملل متحد، نیز عقیده دارد که حق مؤلف در زمره حقوق طبیعی است و مانند کلیه اقسام حقوق طبیعی از دیرباز وجود داشته و بشر به تدریج بدان واقف گردیده و لزوم رعایت آن را احساس کرده است. او اضافه می‌کند: برخی از اصول حقوق طبیعی مربوط به اشخاص مانند احترام به آزادی افراد، به‌کندی شناخته‌شده و در ردیف قواعد آمره درآمده‌اند. یکی از آن‌ها حق مؤلف است که با پیشرفت بشر به‌سوی تمدن و ترقی، صورت تحقق به خود گرفته است. (صفایی: پیشین، ص ۶۴) (مشیریان، پیشین، ص ۱۸)

بند دوم: نظریه حق معنوی

نظریه حق عینی که در قوانین صدر انقلاب کبیر فرانسه و سایر کشورها وارد شده بود دیری نپایید که مورد مخالفت شدید حقوقدانان قرار گرفت، توضیح آنکه در سال ۱۸۳۸ میلادی برای نخستین بار از طرف آگوستن رنوارد مستشار دیوان کشور فرانسه بدان اعتراض شد. رنوارد صریحاً اظهار نظر کرد که بین اموال و اشیاء مادی از یک طرف و محصول فکر انسان از طرف دیگر اختلاف فاحش موجود است و نباید اثر را که زائیده فکر مؤلف است در ردیف اموال قرار دارد و حقوق متعلقه بدان را حقوق عینی دانست. تدریجاً نظریه قاضی مذکور مورد بحث و تفسیر قرار گرفت. سرانجام موضوع در جامعه ملل طرح شد و سو کمیسیون مأموریت یافت در این زمینه بررسی و اظهار عقیده نماید. در گزارش اعضاء سو کمیسیون مزبور مورخ سال ۱۹۲۷ میلادی چنین اظهار عقیده شده است که حقوق معنوی با حق مالکیت اختلاف دارد، مخصوصاً از این جهت که محدود به زمان و غیر قابل انتقال می‌باشد.

در این گزارش رسمی که به وسیله حقوقدانان کشورهای مختلف تنظیم گردیده عبارت حقوق معنوی به چشم می‌خورد و این نشان می‌دهد که اعضاء سو کمیسیون مزبور در اثر مطالعه دقیق و بررسی فراوان دریافته‌اند که ماهیت حق مؤلف با ماهیت حق عینی سازگاری ندارد و دارای جهات اختلاف می‌باشد و برای آنکه وجه تمایزی در میان باشد نام خاصی برای آن برگزیده و آن را به نام حق معنوی نامیده‌اند. (مشیریان، ۱۳۳۹: ص ۲۸ و ۲۹)

بند سوم: نظریه حق شخصی

در نظر استولفی و سایر حقوقدانان طرفدار نظریه حق شخصی، حق مؤلف عبارت است از مجموعه امتیازاتی که قانون برای شخص مؤلف در نظر گرفته است.

حقوقدانان مزبور به عبارت قانون حق مالکیت فرانسه مصوب سال ۱۷۹۳ میلادی که می‌گوید:

مؤلفان آثار نوشته از هر نوع ... در تمام مدت زندگی از حق انحصاری ... استناد می‌نمایند و می‌گویند رابطه حقوقی مؤلف با اثرش به عبارت قانون محدود به مدت معینی است و در مدتی محدود مؤلف می‌تواند از اثر استیفا و بهره‌داری کند و چون حق مزبور با شخص مؤلف ملازمه پیدا می‌کند، از این رو آن را باید حق شخصی پنداشت. به نظر حقوقدانان مزبور حق مؤلف یک نوع حق انتفاع تلقی می‌شود.

به موجب قانون حق مالکیت ادبی و هنری، مؤلف در مدت محدود و معینی می‌تواند از اثر بهره‌برداری کند. لذا حق او یک نوع حق انتفاع بوده و باید حق مذکور را حق شخصی دانست. قبول نظریه حق شخصی در مورد ماهیت حق مؤلف ما را با اشکالاتی مواجه خواهد ساخت از جمله آنکه هرگاه حقوق مؤلف بر اثرش منحصر به حق بهره‌برداری و استیفا شود و خارج از چهارچوب بهره‌برداری، مؤلف دارای حقوقی نباشد پس در این صورت تکلیف حقوقی که جنبه مادی ندارد و نمی‌تواند مورد دادوستد قرار گیرد چه خواهد بود؟ همچنین هر آینه حق مؤلف را حق شخصی محض فرض کنیم. لازم می‌آید هنگامی که مدت انتفاع پایان می‌پذیرد، حقوق دیگر مؤلف نیز ساقط گردد.

در حالی که بعضی از حقوق مؤلف غیرقابل انتقال و غیرقابل مرور زمان و در نتیجه غیرقابل اسقاط است. پس استدلال استولفی هم با آن که نظریه جدیدی است، نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد. (مشیریان، ۱۳۳۹، ص ۳۰ و ۳۱)

بند چهارم: نظریه شبه مالکیت

دسته‌ای از دانشمندان حقوق، حق مؤلف را شبه مالکیت فرض و استدلال کرده‌اند که چون مالک اثر فقط حق بهره‌برداری از آن را دارا است و این حق را می‌تواند در مدتی محدود اعمال کند و بهره‌برداری یکی از عناصر تشکیل‌دهنده حق مالکیت به شمار می‌رود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که حق مالکیت مؤلف بر اثرش کامل نبوده و آن را باید شبه مالکیت دانست. فرضیه شبه مالکیت از طرف کسانی ابراز شده است که خواسته‌اند خود را از قید جوابگویی به ایرادات مخالفان رها سازند. به عقیده این گروه حق مؤلف حق عینی نیست، برای آنکه عناصر تشکیل‌دهنده آن کامل نیست. حق شخصی هم نیست به دلیل آنکه امتیاز قانون امری قراردادی است. طرفداران نظر مذکور به همین دو استدلال قناعت می‌کنند و دیگر از هرگونه اظهارنظری خودداری می‌نمایند و حق مؤلف را شبه مالکیت فرض می‌نمایند و حال آنکه حق مؤلف از جهاتی در ردیف حقوق فطری و طبیعی است و نمی‌تواند امر قراردادی فرض شود. البته این نظر چندان طرفداری ندارد.

بند پنجم: نظریه اموال حقوقی

صاحبان این عقیده به مواد ۵۲۷ و ۵۲۹ قانون مدنی فرانسه استناد نموده می‌گویند همان‌طور که در مادتين مذکور اموال منقول به دو دسته تقسیم شده‌اند. دسته اول بنا بر ماهیتشان منقول و دسته دوم بنا به تشخیص قانون در حکم اموال منقول به شمار

می‌آیند؛ بنابراین چه اشکالی دارد که ما نیز اثر مؤلف را در حکم مال منقول بدانیم و حکم آن را بر حقوق متعلقه به اثر بار کنیم، ترجمه مواد مذکور عبارت‌اند از:

ترجمه ماده ۵۲۷: اموال منقول به شمار می‌روند یا به سبب ماهیت یا به تشخیص قانون.

ترجمه ماده ۵۲۹: تعهدات و سهام که موضوعاتشان وجه یا مال منقول است به تشخیص قانون در حکم اموال منقول محسوب می‌شوند.

چنانچه نظریه اموال حقوقی را بپذیریم دچار اشکال خواهیم شد زیرا با قبول این فرضیه سایر حقوق مؤلف که جنبه مادی ندارد از میان می‌رود. بعلاوه چون نظر مذکور طرفداری نداشته و بر مبنای حقوقی استوار نیست، از بیان آن صرف‌نظر می‌شود.

بند ششم: نظریه امتیاز قانونی

اکنون به بررسی نظریه دو تن از استادان حقوق مدنی فرانسه در زمینه ماهیت حق مؤلف می‌پردازیم. پلانیول و ریپر که کتب متعددی با همکاری یکدیگر در تفسیر قانون مدنی فرانسه نگاشته و منتشر ساخته‌اند و نظریات جدیدشان در خور مطالعه و بررسی است.

در مورد ماهیت حق مؤلف نیز اظهار نظر نموده‌اند، این دو دانشمند عقیده دارند که حق مؤلف امتیازی قراردادی است که قانون برای او شناخته است و این امتیاز نظیر امتیازی است که کارگر بر حاصل کار یعنی مزد خود دارد؛ زیرا مفهوم مالکیت به چیزی سواى اشیاء مادی قابل تملک نمی‌تواند سرایت نماید نظر این دو دانشمند این است که رابطه حقوق مؤلف با اثرش نظیر رابطه حقوقی کارگر بر حاصل کار و دسترنج او می‌باشد. همان‌طور که حاصل کار کارگر شیئی مادی قابل تملک نمی‌باشد و در عین حال کارگر از آن متفع می‌شود همان‌طور هم حاصل فکری مؤلف نیز یک اثر ادبی و یا هنری است. شیئی مادی قابل تملک نمی‌تواند تلقی گردد و همان‌طور که مزد کار به کارگر تعلق دارد، همان‌طور هم منافع اثر از آن مؤلف خواهد بود.

بند هفتم: نظریه حقوق کار

برخی از نویسندگان نظیر "پلانیول" و "ریپر" معتقدند که حق مؤلف ناشی از کار ایشان و تابع حقوق کار است مگر این‌که مقررات خاصی در این باره وجود داشته باشد. از نظر آنان، این امتیاز همانند امتیازی است که کارگر بر حاصل کار یعنی مزد خود دارد. لیکن "هانری دبوا" دیگر حقوق‌دان برجسته فرانسوی بر آن است که رابطه اثر ادبی و هنری با شخصیت پدیدآورنده، مانع از آن است که مقررات راجع به حقوق و مؤلف و هنرمند را جزو حقوق کار بدانیم. (نورا مرادی: "حق مؤلف"، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۵۲، ص ۸۹)

پروفسور "اویگمن اولمر" حقوق‌دان معروف آلمانی، تقریباً دیدگاهی مشابه با آنچه گفتیم بیان داشته است. او نظریه تأمین پاداش یا مزد کار فکری را مطرح ساخته و پدیدآورنده را کارگر فکری می‌داند. باین‌همه اولمر کلیت نظریه‌اش را خود خدشه‌دار کرده و هشدار می‌دهد هر که در ساختن آثار بزرگ فکری، مزد یا پاداش چندان راهی ندارد. آنجا انگیزه‌هایی نیرومندتر در کار سازندگی بوده و اصل بر احترام به شخصیت سازنده فکری است. (لطفی، ۱۳۴۸، صص ۱۷۳-۱۷۴) (آیتی، ۱۳۹۳: ص ۵۴-۵۵)

بند هشتم: نظریه حقوق اخلاقی

پاره‌ای از حقوق‌دانان هنگام بحث از ماهیت حقوق پدیدآورندگان، آن را حقوق اخلاقی محسوب می‌دارند و آن را عبارت می‌دانند از مجموعه حقوقی که هدف آن حرمت شخصیت انسانی است، مانند حق جوابگویی در مطبوعات.

این نظریه نیز قابل قبول نیست، چراکه عبارت شخصیت انسانی دارای چنان مفهوم بسیط و عمیقی است که نمی‌توان در این زمینه برای حق مورد بحث، مقام متناسب و شخصی را یافت و در تحلیل ماهیت غالب رشته‌های حقوقی، هدف آن‌ها صیانت و حرمت شخصیت انسان است. از این رو صاحبان نظریه اخلاقی نتوانسته‌اند به درستی این حق را در چهارچوب حقوق اخلاقی توجیه نمایند. (نورالدین امامی: همان، صص ۲۲ و ۲۵) (آیتی، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

بند نهم: نظریه جدید

طبق کتاب فرهنگ حقوق فرانسه امتیازات مؤلف اثر تحت عنوان مالکیت ادبی و هنری نامیده می‌شوند. حق بهره‌برداری انحصاری از محصولات یک اثر ادبی و هنری که به موجب قانون برای مدت محدودی به صاحب اثر تعلق می‌گیرد مالکیتی است که داخل در تجارت و دادوستد می‌گردد و از این جهت در صورت نبودن مقررات مخالفی، محصولاتی که از آن به دست می‌آید تا آنجایی که با ماهیت مخصوص این حق مطابقت داشته باشد، مشمول قواعد حقوق مدنی خواهد بود. از تعریف مذکور چند مطلب استنباط می‌شود:

۱- رابطه حقوقی مؤلف با اثرش نظیر رابطه حقوقی مالک با مال یا شیئی مادی قابل تملک نیست بلکه امتیازاتی است که قانون برای مؤلف شناخته، نهایت آنکه هنگام وضع و تدوین قانون عنوان "مالکیت ادبی و هنری" بدان اطلاق شده است.
۲- زمانی که اثر دارای منافع و یا محصول می‌شود حق بهره‌برداری از آن منفعت به موجب قانون در مدتی محدود و معین برای مؤلف موجود می‌باشد و این امر زمانی میسر است که اثر نشر شده باشد و پیش از آن حق مادی متصور نیست.
۳- چون استفاده و بهره‌برداری از محصول یک اثر از زمان معینی آغاز می‌شود و آن وقتی است که اثر نشر یابد؛ بنابراین تا زمانی که اثر به صورت فرضیه‌های علمی ادبی و هنری است و هنوز صورت تجسم به خود نگرفته است، حق مادی بر آن بار نمی‌شود.

۴- منافع حاصله از اثر مانند سایر اموال منقول و یا حقوق راجعه بدان مورد دادوستد تجارتي قرار می‌گیرد و از این لحاظ تابع مقررات قانون مدنی است و می‌توان منفعت مزبور را مانند سایر حقوق دینی نقل و انتقال داد. ولی باز این امر زمانی میسر است که مقررات قانون مدنی با ماهیت خاص حق سازگار باشد.

پس از تعریف جدید حقوقی چنین استنباط گردید حق مؤلف دارای ماهیت خاص می‌باشد و نمی‌توان آن را حق عینی یا حق شخصی و یا شبه مالکیت و غیره دانست. از طرف دیگر بر نظر مذکور هم ایراد وارد است و آن این است که هرگاه با حق مزبور را امتیاز اعطای قانون بدانیم و آن این است که هرگاه ما حق مزبور را امتیاز اعطای قانون بدانیم ناگزیر بایستی نظر برخی دانشمندان که حق مؤلف را در زمره حقوق طبیعی قلمداد کرده‌اند رد کنیم درحالی که یکی از دلایل دانشمندان حقوق برای برقراری و ثبات حق مؤلف همین بود که چون حق مؤلف در زمره حقوق طبیعی است، باید در کلیه کشورهای جهان برای مؤلفان شناخته شود تا حق طبیعی افراد ضایع نگردد؛ بنابراین حق مالکیت ادبی و هنری علمی عبارت است از مجموع سلطه و امتیازاتی که از تجسم مفاهیم فکری مؤلف ناشی می‌گردد و هنگامی حق مالی و حق اخلاقی مؤلف توأماً وجود دارد که عمل نشر صورت گرفته و اثر در دسترس عموم واقع گردد و ما باید مالکیت مؤلف را نسبت به اثر یک نوع مالکیت خاص و حقوق متعلقه بدان را حق بنامیم که دارای جنبه مالی و اخلاقی می‌باشد.

ترجمه تصمیم کنفرانس بین‌المللی رم از این قرار است: "مستقل از حقوق مالی مؤلف حتی پس از واگذاری حقوق مزبور، حق اخلاقی وجود خواهد داشت و مؤلف ولایت خود را بر اثرش حفظ و نگهداری می‌کند و همچنین حق دارد با هر نوع

تغییر شکل اثر و هرگونه نقص و یا تبدیل آنکه به شرافت و شهرت و حیثیت او لطمه وارد سازد مخالفت کند (محمد مشیریان، ۱۳۳۹: ص ۲۴ تا ۳۷).

بند دهم: نظریه یگانگی حق مادی و حق معنوی

در این نظریه وحدت بین جنبه مالی حق آفریننده (حتی پیش از لحظه‌ای که آفریننده، حق خود را از راه معاوضه به دیگری واگذارد.) و جنبه معنوی آن وجود دارد. صاحبان این نظر می‌گویند حق معنوی آفریننده، اساس و علت حق مالی اوست و اقتضای طبع آن حق به گونه‌ای است که انحصار بهره‌برداری از حق مذکور را به راه آفرینش گر اختصاصی می‌دهد و همین اختصاص است که جنبه مالی دارد و او با استفاده از این حق انحصاری به دیگران، اذن در عرضه و تکثیر اثرش را می‌دهد و در عوض مالی می‌گیرد، اما چنین نیست که مالکیت حق آفریننده اثر در مقام معاوضه بروز کند، بلکه قبل از معاوضه باید جنبه مالی داشته باشد تا قابل تعویض در مقام انعقاد عقد تلقی گردد. به عقیده دکتر جعفری لنگرودی این نظریه درست است، زیرا اگر قرار باشد که حق معنوی آفریننده اثر پیش از انعقاد قراردادی که به موجب آن، اذن تکثیر یا عرضه آن به دیگری داده می‌شود وجود مالی نداشته باشد، معاوضه مذکور درست نخواهد بود، چراکه فرض بر این است که یک طرف این معاوضه حقی است معنوی و قایم به شخص، یعنی غیر قابل مبادله. (همان، ص ۵۷).

بند یازدهم: نظریه دوگانگی حق مادی و معنوی

این نظریه بر آن است که حق معنوی آفریننده اثر به کلی حیثیت مالی ندارد، مگر این که به مرحله معاوضه برسد و این معاوضه است که به آن حیثیت مالی می‌دهد؛ یعنی از زمان انتشار اثر، انحصار بهره‌برداری وجود خارجی پیدا می‌کند و در زمان معاوضه، حق بهره‌بردار به صورت رقمی از دارایی آفریننده درمی‌آید. این نظریه برای اولین بار توسط هانری دبو در کتابش ((Le Droit Duteur En Flance در سال ۱۹۵۰، ضمن شرحی بر طرح قانون پیشنهادی حق مؤلف فرانسه عنوان گردید. اثر علمی دبو، تأثیر عظیمی بر مجلس قانون‌گذاری فرانسه داشت و موجب گردید که مفهوم نظریه دوگانگی وی در بند ۲، ماده ۱ قانون مؤلف فرانسه مصوب ۱۹۵۷ پذیرفته و به تصویب رسید. (عباس سعیدی فر: پیشین، ص ۴۴). قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ایران نیز از قانون فرانسه تأثیر پذیرفته است. (آیتی، ۱۳۹۳: ص ۵۷). (همان ۵۷)

بند دوازدهم: نظریه حقوق فکری

امروزه بسیاری از علمای حقوق، حق مؤلف و هنرمند را یک حق خاص و یکی از اقسام حقوق فکری می‌دانند. منظور از حقوق فکری حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آن‌ها شیئی مادی نیست. موضوع این حقوق در واقع اثر فکری انسان است. این حقوق شامل حق مؤلف و هنرمند، حق مخترع، حق تاجر نسبت به نام تجاری و علائم صنعتی و تجاری و حق سرقتی است. اصطلاح حقوق فکری نخستین بار در سال ۱۸۸۹ به وسیله حقوق دان بلژیکی پیکار به کار برده شده است. بعضی از حقوقدانان به جای آن اصطلاح "مالکیت‌های غیر مادی" و حقوق قابل اعمال بر اموال غیر مادی را به کار برده‌اند. این حقوق به مالکیت کلاسیک شباهت دارد، از این نظر که مانند آن مالکیت دارای قابلیت استناد مطلق است، همان‌طور که مالک می‌تواند در برابر هر کس به حق خود استناد کند و مال خود را در همه جا تعقیب و از دست هر متجاوزی خارج نماید، دارنده حق فکری نیز دارای چنین مزایایی است. لیکن تفاوت اساسی این حقوق با مالکیت کلاسیک در آن است که موضوع حقوق مزبور برخلاف مالکیت کلاسیک غیر مادی است. در واقع حقوق فکری همانند حقوق عینی است با این تفاوت که حقوق فکری نسبت به یک اثر فکری اعمال می‌شود نه یک شیء معین مادی.

اما به هر حال نمی‌توان آن را یک حق عینی به مفهوم عادی تلقی کرد. البته مانعی به نظر نمی‌رسد که با گسترش مفهوم مالکیت، حق مزبور را نیز نوعی مالکیت بدانیم. به کار بردن این واژه در حقوق اسلام و ایران مالکیت دارای مفهوم مضیقی که در حقوق رم مطرح می‌باشد نیست. مالکیت در حقوق اسلام نه تنها شامل مالکیت عین می‌گردد بلکه مالکیت منفعت (مانند حق مستأجر و مالکیت انتفاع) را نیز فرا می‌گیرد. حتی این کلمه گاهی در مورد حقوق غیرمادی نیز به کار می‌رود (مانند مالکیت بعضی یعنی اختیار قانونی زوج نسبت به برقراری رابطه زناشویی با زوجه)، بنابراین می‌توان گفت مالکیت یا ملک به معنی اعم در حقوق اسلام عبارت است از اختیار و سلطه قانونی بر اشیاء یا اموال یا اشخاص. در حقوق ایران نیز ماده ۲۹ قانون مدنی، مالکیت را به معنای عامی که شامل سلطه بر عین و منفعت می‌باشد به کار برده است. بر این اساس می‌توان اصطلاح مالکیت ادبی و هنری را که به معنای حقی است که برای مؤلف و مصنف و هنرمند نسبت به اثر خود شناخته شده به کاربرد. (سید حسین صفایی: پیشین، صص ۶۶-۶۷). (آیتی، ۱۳۹۳، صص ۵۹ تا ۶۱)

گفتار دوم: آرای موافقان حق مؤلف

بند اول: نقش عرف

آیت ... ناصر مکارم شیرازی در این باب چنین می‌گوید: "ما معتقدیم که حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلام باید به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کمتر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده‌دار حفظ آن‌ها باشد. دلیل ما در این قسمت این است که ما همواره موضوعات را از عرف می‌گیریم و احکام را از شرع؛ مثلاً وقتی می‌گوییم قمار حرام است، حکم تحریم از قرآن و احادیث اسلامی گرفته شده است، اما موضوع قمار چیست؟ بسته به تشخیص عرف است. در مورد مالکیت‌های فکری نیز، مسئله همین‌گونه است. اسلام می‌گوید ظلم و ستم و تجاوز؛ به حق دیگران حرام است. این حکم از اسلام گرفته شده است، اما موضوعش یعنی ظلم و ستم و تجاوز به حق، موضوعی است که از عرف گرفته می‌شود و امروز تقریباً همه عقلای دنیا، این مسئله را به‌عنوان یک حق شناخته و سلب آن را ظلم می‌دانند. همچنین اسلام می‌گوید: "کسی حق ندارد در ملک دیگری بدون رضای او تصرف کند. این حکم نیز از اسلام گرفته شده، اما موضوعش که انواع مالکیت است، از عرف گرفته می‌شود. (حقوق مالکیت‌های فکری، پیشین، ص ۲۱). (آیتی، ۱۳۹۳: ص ۶۵).

بند دوم: تحول حقوق خصوصی

حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع وجود نداشته است، زیرا مؤلفین در تألیفات و نوشته‌های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی‌گرفتند؛ اما پس از آن که کتاب، وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول، خودش استفاده کند. در واقع کتابی را که تألیف کرده و ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که کسی دیگر از نوشته و اثر او ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد. لذا در شرایط کنونی مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب، خودش استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود گرداند. امروزه نمی‌توان گفت کسی که کتاب را خریده و مالک آن شد، طبق قاعده "الناس مسلطون علی اموالهم" اجازه دارد کتاب را بدون اجازه مؤلف و ناشر چاپ کند، اما مجاز نیست در حقی که دیگران - در اینجا مؤلف و ناشر - از آن خود می‌دانند تصرف نماید. اگر چنین حق خصوصی را از مؤلف و ناشر سلب نماییم حقوق بسیاری از آن‌ها تضییع گردیده و هرج و مرجی در انتشارات به وجود می‌آید که از نظر شرع و عقل قابل پذیرش نمی‌باشد. این است که حقوق خصوصی در هر زمانی

قابل تغییر و تبدیل می‌باشند و چه‌بسا اموری که در زمانی از حقوق خصوصی نبوده اما در زمانی دیگر از حقوق خصوصی محسوب گردند.

(مرعشی، ۱۳۷۳، صص ۲۳۹ و ۲۳۸) (آیتی، ۱۳۹۳، ص ۶۶)

گفتار سوم: آرای مخالفان حق مؤلف

۱- عدم مشروعیت

۲- نظریه امام خمینی ره

۱- عدم مشروعیت: آیت ... لطف ... صافی اعتقاد دارد: "حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، حقیر توانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانم بگویم مشمول اطلاقات یا عموم بعض ادله "اوفوا بالعقود" است ... در زمان شارع مقدس علیه‌السلام هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق، حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم نفرموده است و بعبارہ‌آخری، بنا بر عدم اعتبار بوده ... بنا علی کل ما ذکر مشروعیت حقوق مذکور را ثابت نمی‌دانیم و هرچند ترتیب برخی از آثاری بر این حقوق مترتب می‌گردد، به‌طور شرط در ضمن عقد امکان‌پذیر است؛ اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند با شرط نمی‌توان تأمین کرد. راهی که تا حدی می‌تواند بعض اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است فراهم سازد این است که فقیه جامع‌الشرایط که بر حب و ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد به‌طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تألیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف تا مدت معینی محدود نماید..." (حقوق مالکیت‌های فکری، پیشین، صص ۲۰۸ - ۲۰۹) (آیتی، ۹۳: ص ۶۶ و ۶۷)

۲- نظریه امام خمینی (ره)

فتوای امام (ره) در تحریر الوسيله چنین است. "آنچه معروف به حق طبع شده است، حق شرعی به حساب نمی‌آید و نفی سلطه مردم بر اموالشان (خریداران کتاب) بدون این که هیچ‌گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست، بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله "حق چاپ و تقلید محفوظ است" فی‌نفسه حقی ایجاد نمی‌کند و دلالت بر التزام دیگران نمی‌نماید؛ بنابراین دیگران می‌توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن‌ها از این کار شود" (امام خمینی ره، پیشین ص ۶۲۵)

در توجیه این نظریه شارع تحریر الوسيله آورده است که: عقلا بر این امر اتفاق نظر ندادند که به‌مجرد چاپ کتاب برای صاحب چاپخانه حقی ایجاد می‌گردد. همچنین توافق عقلا بر منع مردم از تقلید قطعیت پیدا نکرده است، چراکه طبیعت مردم بر تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و حرفه‌ها استوار است و عقلا تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شیئی از روی نمونه‌ای دیگر و بهره گرفتن از فکر گذشتگان را عرفاً تصرفی در حقوق دیگران که مشروط به اجازه صاحبان این صنایع و اعمال و افکار باشد نمی‌دانند و چاپ کتاب نیز از جریان این سیره عقلا خارج نیست.

از بخش دوم فتوا، این‌گونه برداشت می‌شود که در صورت وجود یک عقد شرعی و شرط در ضمن آن بین مؤلف و ناشر یا انتقال گیرندگان، طبعاً عمل به شرط یعنی عدم تکثیر بدون اجازه مؤلف لازم است اما بدون هیچ‌گونه عقد و شرطی بین مؤلف و ناشر و فروشنده کتاب با خریداران نمی‌توان آنان را ملزم به رعایت شرطی از جمله عدم چاپ و تکثیر بدون اجازه مؤلف کرد.

نوشتن جمله "حق چاپ و تقلید محفوظ است." هم برای خریدار، عرفاً ایجاد الزام نمی‌نماید چرا که او کتاب را از نظر عرفی به صورت مشروط نمی‌خرد و هنگام خرید هم شرطی با او نمی‌شود؛ و ذکر جمله فوق هم قرار دادن شرط در ضمن عقد بیع به شمار نمی‌آید و محدودکننده مالکیت خریدار کتاب نیست. (احمد مطهری مستند التحریر الوسیله، قم ۱۴۰۵ ه. ق ص ۱۸۶) چنانکه در بخش‌های پیشین این نوشته اشاره شد، فتوای امام (ره) موجب بروز تردیدهایی در نحوه عمل محاکمه گردید. برخی از قضات برای رهایی از این وضعیت و با توجه به نصوص قانونی، به مسئله دیگری از تحریر الوسیله استناد نمودند. مسئله یا آن کتاب می‌گوید: امام علیه‌السلام و والی مسلمین می‌توانند آن‌گونه که به صلاح مسلمین است عمل می‌کند از جمله نرخ‌گذاری یا امور صنعتی و انحصار تجارتي و نظایر آن و هر مسئله‌هایی که مربوط به نظام اسلامی و صلاح اجتماع است (امام خمینی ره: پیشین، ص ۶۲۶)

اگرچه موضع فقهی حضرت امام (ره) نسبت به حق مادی پدیدآورنده، موضعی منفی است لیکن در مورد حق معنوی مؤلف، در استعلامی که از ایشان به عمل آمده، چنین پاسخ داده شده است: "تحریف کتاب و اسناد آن به مؤلف جایز نیست (هوشنگ صادقی مقدم، پیشین، ص ۲۴۹) (آیتی، ۱۳۹۳: صص ۶۷ و ۶۸)

مبحث سوم: تولیدات فکری مشاع

گاهی تولید مالکیت‌های فکری، نتیجه‌ی انجام کارگروهی بین دانشمندان، پژوهش‌گران و مخترعان است. چنانچه میزان دقیق نقش هر یک از اعضا یک گروه پژوهشی در انجام، آن و در نتایج حاصل از پژوهش مشخصی باشد تعیین سهام مالکانه‌ی آن‌ها در مالکیت‌های فکری تولیدشده چندان دشوار نخواهد بود اما مشکل آنجاست در اغلب موارد، این میزان مشخص نیست و به‌ویژه، پس از انجام پژوهش، در خصوص نحوه‌ی اختصاص هر یک از حقوق مادی یا معنوی ناشی از پژوهش به اعضای گروه اختلاف بروز می‌کند. از این‌رو، مشخص کردن مالک تولیدات فکری حاصل از کارهای گروهی با دشواری‌های زیادی مواجه است در کشور ما وضعیت مالکیت اثر ادبی یا هنری و یا اختراعی که در نتیجه‌ی همکاری گروهی تولید می‌شود به‌اجمال برگزار شده و همین امر سبب شده است که بسیاری از پروژه‌های پژوهشی ابتدا به‌صورت گروهی شروع می‌شود ولی در ادامه با وقفه‌ی دچار شده و یا در پایان کار، در مورد وضعیت مالکیت اثر یا اختراع تولیدشده بین اعضای گروه اختلافات جدی بروز می‌کند از این‌رو، نکته‌ی مهمی که درباره‌ی نحوه تعیین مالک در تولیدات گروهی باید مورد توجه قرار گیرد استفاده از نظام مالکیت به‌عنوان وسیله‌ای برای تشویق و ترویج انجام پژوهش‌ها و اختراعات گروهی است. (باقری، ۱۳۸۷، ۲۴۴)

در مؤسسات و دانشگاه‌هایی که پژوهش‌های گروهی انجام می‌دهند مسئله مالکیت مشاع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از یک‌سو، این مؤسسات در انجام بسیاری از طرح‌های پژوهشی خود ناگزیر هستند از اشخاص مختلفی استفاده کنند که در خصوص جنبه‌های مختلف طرح پژوهش صاحب‌نظر هستند و از سوی دیگر، مؤسسات و دانشگاه‌هایی که به تولید مالکیت‌های فکری گروهی مشغول هستند به دلیل نداشتن تخصص لازم برای بهره‌برداری تجاری از مالکیت خود، ناگزیر هستند مالکیت‌های مذکور را به‌طور غیرمستقیم با استفاده از روش واگذاری ليسانس، مورد بهره‌برداری قرار دهند. در هر دو مورد مذکور مسئله مالکیت مشاع از اهمیت ویژه برخوردار است.

در کشور ما، طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان چنانچه اثری محصول کار مشترک باشد یعنی، با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد بی آنکه کار یک یک آنان جدا و متمایز باشد اثر باد به همه آن‌ها منتسب شود (ماده ۶ قانون). قانون مزبور در خصوص نحوه قواعد عمومی بهره‌برداری از سایر اموال مشاع بهره گرفت (باقری، ۱۳۸۷، ۲۴۷)

گفتار اول: نحوه بهره‌برداری از مالکیت‌های فکری مشاع

نحوه اداره مالکیت‌های فکری مشاع در درجه اول به توافقاتی خصوصی بستگی دارد. شرکای یک حق مشاع می‌توانند به روش‌های مختلف رابطه خود را به آن حق و با یکدیگر تنظیم کنند. توافق مالکان مشاع باشد یا ضمنی و از اوضاع و اموال استنباط شود. در صورت فقدان هرگونه توافق خصوصی، نحوه اداره مال مشاع و رابطه بین شرکای بر اساس قوانین و مقررات مربوط به اموال مشاع تنظیم خواهد شد (باقری، ۱۳۸۷، ۲۵۰)

با وجود آنکه برای اداره اموال مشاع به توافقاتی خصوصی و قوانین مراجعه می‌شود، در همه نظام‌های حقوقی معروف است که مدیریت اموال مشاع، امری است بسیار دشوار و اختلاف‌برانگیز به گونه‌ای که عقل سلیم حکم می‌کند از ایجاد وضعیت‌های منجر به پیدایش مالکیت مشاع تا آنجا که مقدور است اجتناب شود. در فقه اسلامی نیز اثر اکیف عیب محسوب می‌شود و شخصی که مالی را به تصور مؤثر بودنش تملک می‌کند در صورتی که مطلع شود مال مذکور به مشاع بوده روی شرکای دیگری نیز برای اداره‌ی آن مال خواهد داشت، خیال فسخ آن معامله را پیدا می‌کند. در مورد اختراعات و آثار ادبی و هنری مشاع، همواره این خطر وجود دهد که هر یک از اشخاص دخیل در تولید آن‌ها نقش خود را در انجام پژوهش یا کار منجر به تولید اختراع یا اثر ادبی و هنری، بزرگ‌تر و مهم‌تر از نقش دیگران دانسته و در نتیجه، ادعا کند که سهم بیشتری از حقوق مالکانه را باید داشته باشد. ادعایی که اثبات صحت آن بسیار دشوار است. از این رو توصیه می‌شود یادداشت‌ها و سوابق و داده‌های پژوهش‌گران در یک کار پژوهشی گروهی به صورت منظم، مستند و نگهداری شود. (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

گفتار دوم: آثار و اختراعات مرکب یا اشتقاقی

اثر مرکب اثر جدیدی است که یک یا چند اثر از آن موجود به آن اضافه و ادغام شده است بدون آنکه همکاری خاصی بین مؤلفان این آثار وجود داشته باشد. اثر مرکب، ملک مؤلفی است که آن را ایجاد کرده است اما حقوق مؤلف اثر قبلی نیز باید محترم شمرده شود. مؤلف اثر جدید از حقوق انحصاری مؤلفان برخوردار است، اما باید حقوق مؤلفانی را که از آثار آن‌ها استفاده کرده است، رعایت کند.

در صورتی که نقش و کمک هر یک از مؤلفان مشاع از نوع متفاوت باشد هر یک از آن‌ها می‌تواند در صورت عدم توافق خلاف، به صورت جداگانه از کار شخصی خود بهره‌برداری کند بی آنکه این کار به کل اثر مشاع صدمه وارد کند برای مثال متن و توضیحات یک اثر از یک نوع محسوب نمی‌شود ولی به موجب رویه قضایی فرانسه، نقاشی‌های یک اثر کمیک نمی‌توانند جدا از متن داستان، مورد بهره‌برداری قرار گیرند، زیرا این طراح‌ها، جز لاینفک اثر کمیک است (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۵)

مالکیت آثار ادبی و هنری ایجاد شده به موجب رابطه استخدامی به موجب قواعد حقوقی کم بر مالکیت‌های ادبی هنری، چنانچه اثری موجب رابطه استخدامی ایجاد شود فرض بر این است که کارفرما (یک شخص حقیقی یا

حقوقی غیر از شخص حقیقی ایجادکننده اثر) مالک آن اثر است. مبنای انتساب مالکیت اولیه حقوق ناشی از آثار ادبی هنری به کارفرما آن است که ریسک‌های عمده‌ی مالی و سازمانی لازم برای ایجاد و انتشار آثار ناشی از استخدام بر عهده کارفرما است. لذا وی باید در رابطه با اشخاص ثالث اختیار و کنترل لازم برای بهره‌برداری از آن آثار را داشته باشد. در این صورت مؤلف به خاطر خلق فکری خود ما به ازای مناسبی دریافت می‌کند اما ن در قالب حق انحصاری اقتصادی بر اثر (که فرض بر این است که این حق به کارفرما منتقل شده است) بلکه در قالب حقوق یا دستمزد و یا هرگونه حق تعلق حقوق ناشی از آثار ادبی و هنری به آفریننده آن‌ها عمل شده است (انصاری ۱۳۸۷: ۲۵۷)

مبحث چهارم: استفاده منصفانه یا رایگان

استفاده منصفانه یا استفاده رایگان را گاهی عمل منصفانه و یا استفاده منصفانه آموزشی نیز می‌گویند. رویه قضایی استفاده منصفانه در طی سال‌ها توسعه یافت تا بتواند به‌عنوان راهکاری، تعادل و توازن میان حقوق صاحبان حق مؤلف را با منافع و علایق جامعه به‌منظور اجازه، مجهز داری از آثار در شرایط معین و محدودی برقرار سازد. استفاده منصفانه یک رویه قضایی است که استفاده از آثار تحت حمایت حق مؤلف بدون اجازه از صاحبان حق را ممکن می‌سازد. البته محدودیت‌ها و معافیت‌هایی را برای کتابخانه‌ها، آرشیوها و مراکز اسناد تعیین و وضع کند (Rice 2002) استفاده منصفانه تخلف از قانون حق مؤلف نیست، بلکه استفاده از مواد تحت حمایت حق مؤلف برای اهدافی نظیر (نقد، تفسیر، اظهار نظر، گزارش‌های خبری، آموزش، تدریس، تحصیل، کسب دانش یا پژوهش) مطابق شروط قانون استفاده منصفانه است (نوروزی ۱۳۸۱: ۱۱۸)

در فصل سوم تا نوزده حق مؤلف ۱۹۸۸ انگلستان اصطلاح در رفتار منصفانه به‌کاربرده شده است که منظور همان استفاده منصفانه از آثار تحت جهت این قانون است و حقوق انحصاری ویژه‌ای را برای استفاده‌کنندگان قائل شده است و مواردی را که نقض حقوق محسوب نمی‌شوند، تصریح کرده است که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از

- ۱_ رفتار منصفانه نسبت به آثار ادبی، نمایشی، هنری یا موسیقایی به‌منظور پژوهشی یا مطالعه شخصی
 - ۲_ رفتار منصفانه نسبت به یک اثر به‌منظور نقد و گزارش ارثی آن منوط به ذکر نام پدیدآورنده اثر است و اگر اثر، کاری در جریان باشد مانند فیلم، ذکر نام پدیدآورنده آن لازم نیست.
 - ۳_ استفاده برای هدف‌های آموزشی خاص و کتابخانه به‌قصد پژوهش و آموزش
- در باب این‌که استفاده منصفانه چه نوع استفاده‌ای است و چه استفاده‌هایی را می‌توان منصفانه تلقی کرد، قوانین کشورهای مختلف، یکسان نیستند. تفاوت و تمایز بین استفاده منصفانه و تجاوز به حق مؤلف (قانون شکنی) تا حدودی نامشخص است و به‌سادگی تعریف شده است. قوانین برخی از کشورها نسبت به استفاده‌کننده انعطاف‌پذیرتر هستند. همه‌ی این‌ها به اهداف اقتصادی یا فرهنگی هر کشور بستگی دارد. (نوروزی ۱۳۸۱: ۱۲۰)

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار، ۱۳۸۰ ب در ایران طبق مواد ۷، ۸، ۱۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و منصفان و هنرمندان مواردی که استفاده از آثار مجاز است به شرح زیر است:

۱- نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تفریط با ذکر مأخذ در حدود متفاوت مجاز است.

تبصره: ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آن‌ها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست، مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد (ماده ۷)

۲- کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری تشریفات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند، می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید، از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکس‌برداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری کنند (ماده ۸)

۳- نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون، مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجاز است (ماده ۱۱) (نوروزی ۱۳۸۱: ۱۲۱)

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا شخص می‌تواند برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را برای استفاده خود و خانواده‌اش ضبط کند و نیز آیا نمایش و اجرای بی‌اثر در محافل خانوادگی مجاز است؟ در ماده ۴۱ قانون ۱۹۵۷ حق مؤلف فرانسه، قانون‌گذاری این‌گونه استفاده را مجاز دانسته است. در حقوق ایران نیز می‌توان همین راه‌حل را پذیرفت. می‌توان گفت منظور از استفاده شخصی خود شخص و رادیویی و تلویزیونی به منظور استفاده شخصی است. با توجه به وحدت ملاک مجاز است. ولی بهتر آن بود که قانون‌گذار به جای استفاده شخصی کلمه خصوصی و خانوادگی را به کار می‌برد و در مورد اجرا و نمایش مستقیم اثر در محافل خانوادگی نیز به مجاز بودن آن تصریح می‌کرد (صفایی ۱۳۵۰ ب، ص ۱۱۲-۱۱۳)

با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۹ قرارداد بود، ذخیره دائم یا موقت اثری که تحت حمایت است، در هر رسانه‌ی الکتریکی به هر روش یا مشکلی (تولید محدود تکثیر محسوب می‌شود. این امر شامل کارهایی از قبیل انتقال اثری از حافظه‌ی رایانه یا انتقال به آن نیز می‌شود. این امر نشان می‌دهد که کتابخانه نه تنها برای ذخیره آثار الکتریکی بلکه حتی باید برای ارسال مقالات از طریق دورنگار هم اجازه داشته باشد (نورمن، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴) اولین گام در شناسایی مشکلات حق مؤلف که فناوری‌های نوین برای کتابخانه ایجاد می‌کنند، از سوی اروپا برداشته شد آن‌ها جهت هماهنگی، نشستی در نوامبر ۱۹۹۳ در لوکزامبورگ برگزار کردند. در این نشست برخی از مسائل و مشکلات مهم مطرح شد که لازم بود حل شوند، در آنجا مشخص گردید که کتابداران با توجه به قانون حق مؤلف در وضعیت نامطلوب اطلاعاتی آشکاری به سر می‌برند.

اطلاعات صرف نظر از شکل آن باید برای همکاری قابل دسترس باشد و نباید در اختیار آن عده‌ای قرار گیرد که توانایی مالی دارند، حمایت از قانون حق مؤلف برانگیز کننده فعالیت دهی است، اما نباید مانع از دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها گردد بدون پیش‌داوری نسبت به منافع مشروع دارندگان حق مؤلف، این امر باعث شکاف هر چه بیشتر غنای اطلاعاتی و شعر اطلاعاتی خواهد شد (نورمن ۱۳۷۷، ص ۱۱۶).

حق مؤلف را نباید صرفاً به عنوان ابزاری برای کنترل و حفاظت شدید از اطلاعات قلمداد کرد، بلکه باید عنوان ابزاری برای کمک به گسترش تحقیق و توسعه و پیشرفت علم و دانش باشد (۳۱۸، ۱۹۹۸) پاملا ساموئلسون

می‌گوید ((هدف نهایی حق مؤلف ترفیع و ترقی دانش و بحث است، ن فقط به حداکثر رساندن مزد و اجرت برای صاحبان حق مؤلف)) (نوروزی، ۸۱: ۱۲۳)

با نگاهی بی‌طرفانه نسبت به استفاده منصفانه می‌توان گفت که تفسیرهای وسیع و گسترده از استفاده منصفانه ممکن است حفاظت از حق مؤلف را کم‌رنگ کرده و یقیناً بیشتر خدمات ناشران علمی را که به اشاعه‌ی متون و اطلاعات علمی می‌پردازند از بین ببرد. (Day.1999.P.1346)

کشورهایی که استثناهایی چون استفاده منصفانه یا رفتار منصفانه در قوانین حق مؤلف آن‌ها وجود ندارد، در سازگار کردن قوانین حق مؤلف با نیازها و شرایط خاصی که توسط فناوری‌های نوین اطلاعاتی رقومی ارائه می‌شوند، دچار مشکلات زیادی خواهند شد؛ زیرا آن‌ها فاقد چنین روش کنترلی هستند و آن به این دلیل است که استفاده از آثار و اطلاعات در شکل رقومی، حداقل مستلزم نسخه‌برداری از آن‌ها در زمان دریافت اطلاعات است. قوانین حق مؤلفی که هرگونه استفاده از نسخه‌های رقومی آثاری که مشمول حق مؤلف هستند را تخلف شمرده و جزو حقوق انحصاری صاحبان حق می‌دانند، ممکن است سختگیرتر و خشک‌تر از آن باشند که قابل احترام و اجرا باشند

استفاده منصفانه برای حق آثار جدید، استفاده آموزشی و استفاده شخصی است. استفاده منصفانه به معلمان، مدرسان، دانشجویان و محققان اجازه می‌دهد تا از موادی که تحت حمایت حق مؤلف هستند به‌منظور تدریس، آموزش و پژوهش استفاده کنند. استفاده منصفانه برای تمام آثار تحت حمایت حق مؤلف، بدون توجه به نوع رسانه‌ی آن (اعم از چاپی، الکترونیکی یا چندرسانه‌ای) اعمال می‌شود. استفاده شخصی، استفاده از آثار تحت حمایت حق مؤلف به خاطر علاقه‌ی شخصی است، به‌عنوان مثال مطالعه یک کتاب. استفاده منصفانه معمولاً مستلزم نسخه‌برداری از آثار است و سه نوع است:

الف) استفاده منصفانه‌ی سازنده توسط پدیدآورندگان که از سایر آثار برای خلق اثر خود نسخه‌برداری می‌کنند.

ب) استفاده منصفانه‌ی شخصی به وسیله‌ی افرادی که از آثار به‌منظور کسب دانش یا سرگرمی نسخه‌برداری می‌کنند.

ج) استفاده منصفانه‌ی آموزشی توسط معلمان، مدرسان، دانشجویان، دانشمندان پژوهشگران و دانش آموزان که به‌منظور تدریس، آموزش، تحصیل یا یادگیری از آثار نسخه‌برداری می‌کنند. (نوروزی ۱۲۵، ۱۳۸۱ و ۱۲۶)

مبحث پنجم: ویژگی‌های خاص نظام حمایت از اموال فکری

پاره‌ای از قواعد شناخته‌شده مالکیت فکری، چون دو قاعده مزاحم استیفا حق و حق بررسی مقصد اثر، به نظر نسبت به قواعد مالکیت بیگانه هستند؛ برای نمونه در اجرای قاعده استیفا حق، فروش چه خصوصیتی دارد که موجب فرسوده‌شدن بعضی از حقوق چون واردات موازی می‌شود؟

(یکم) و یا این چگونه مالکیتی است که فرد حتی پس از انتقال لاشه اثر (در مالکیت ادبی و هنری) به شخص دیگر، نسبت به انتقال‌های بعدی حق نظارت داشته باشد؟

دوم) همچنین یکی از مباحث مهم در مورد اموال فکری، محدود بودن حمایت از این اموال به مرزهای سیاسی است که در آن‌ها عملیات ثبت به اتمام رسیده و این حقوق در آنجا به نفع فرد به رسمیت شناخته شده باشد و در سایر کشورها حمایتی از این اموال وجود نخواهد داشت؛ اگر پذیرفته شود که حقوق فکری از جنس مالکیت هستند، بدعتی تازه در حقوق اموال و مالکیت پدید خواهد آمد، چه اینکه عموماً حق مالکیت، حقی وابسته به مرزهای سیاسی شمرده نمی‌شود.

(سوم) این موارد در این بند مورد بررسی قرار خواهد گرفت (حیدری ۱۳۹۶ و ۹۷ ص ۴۹ و ۵۰)

گفتار اول: قاعده استیفای حق

در مورد اموال مادی، هنگامی که عقد بیع منعقد گردید، ثمن به کیسه بایع رفته و مثن به ملک مشتری درمی‌آید (بند ۱ ماده ۳۶۲) این اتفاق به محض توافق طرفین در مبیع و قیمت آن به ایجاب و قبول واقع می‌شود (ماده ۳۳۹ ق م) پس از این اگر حادثه‌ای ویژه (همچون تلف مبیع قبل از قبض یا شرایط اعمال یکی از خیارات قانونی یا قراردادی) پیش نیاید ارتباط دو مالک با مایملک سابق خود پایان یافته است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آیا این قاعده معقول در اموال مادی در مورد اموال فکری نیز قابل اعمال است. از آنجایی که مالکان فکری با صرف هزینه و وقت زیاد، به مطالعه و تجربه همت گمارده‌اند یکی از حقوق انحصاری آن‌ها این است که دارای حق در باب کنترل و نظارت بر مسیر تجاری کالا باشند؛ به عبارت دیگر هرگونه فروش مجدد که از سوی مشتریان تحقق یابد برابر با تجاوز به حق مالکان فکری خواهد بود. (سعید حبیب و زهرا شاکری، دکترین استیفا حق در نظام حقوق مالکیت فکری، نشریه دانشکده حقوق، تابستان ۸۷، ص ۹۹). (حیدری، ۱۳۹۷: ص ۵۰)

قوانین جدیدتر از استدلال در پیش آمده دوری جسته و نظریه استیفای حق را مطرح می‌کند. منظور از استیفا حق در حقوق مالکیت فکری این است که با اولین عرضه محصولات فکری توسط مالک، او نمی‌تواند از حقوق خویش جهت جلوگیری از واردات یا صادرات محصولات فکری بهره جوید. در واقع این قاعده نسبت به کالاهایی که در بازار از طریق مالک فکری یا با رضایت او عرضه می‌گردد، اعمال می‌شود. تنها مستند قانونی حاضر در ایران بند ۱ قسمت ج ماده ۱۵ و بند ج ماده ۴۰ قانون ثبت اختراعات ای صنعتی و علائم تجاری است؛ در این مقرر آمده است که حقوق ناشی از ثبت اختراع یا علائم در مواردی که کالا توسط مالک یا با توافق او در بازار ایران عرضه می‌شود اعمال نمی‌گردد. (حبیب و شاکری، ۱۳۸۹، ص ۱۹ و ص ۱۰۵)

همان‌گونه که از مطالب گفته شده می‌توان دریافت، قاعده استیفا حق مبین این امر است که با اولین فروش، رابطه کالا با عرضه مالکیت فکری قطع شده و با استیفا حق مالکیت فکری، حق نظارت بر توزیع کالای حامل مالکیت فکری پیوند میان آن دو از هم گسیخته می‌شود؛ امری که به کرات در زندگی روزمره انسان رخ می‌دهد و کسی در اینکه به حق مالکیت فکری آسیبی نرسیده است تردید به خود راه نمی‌دهد؛ چه بسا کسانی که به هنگام سفر کالای حاوی حق فکری را خریداری کرده به عنوان سوغات به دوستان خود هدیه می‌دهند یا خرده فروشانی که در شهرهای مرزی این قسم کالاها را به صورت خرد خریده و به آن سوی مرز به قصد فروش می‌برند و مثال‌های زیادی از این دست که با اندک تأملی می‌توان به آن‌ها رسید. علی‌ایحال با پذیرش دکترین

استیفا حق، مالکیت فکری یک گام به مالکیت سنتی (با موضوعات مادی) نزدیک شده است (حیدری، ۱۳۹۷: ص ۵۱ و ۵۲)

گفتار دوم: حق بررسی اثر مقصد

در زمینه مالکیت ادبی و هنری، قوانین ایران حکمی راجع به قاعده استیفا حق ندارند؛ در اینجا به نظر می‌رسد که بایسته، اعمال حق بررسی مقصد اثر است که به دارنده آن اجازه می‌دهد حق نظارت بر گردش و استفاده از نسخه‌های تکثیرشده را داشته باشد. (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵). به نظر می‌رسد حق هم همین باشد. چه اینکه حقوق مالکیت ادبی و هنری بیش از آنکه عرصه تجارت باشد، جولانگه روح و روان و شخصیت پدیدآورنده است. در این عرصه حقوق معنوی بنیاد کار جلوه‌ای ویژه می‌یابد و حتی از حقوق مالی بیشتر رخ می‌نمایاند؛ شاید منفعت تاجری صادر کردن کتابی به کشوری باشد که در آنجا تبعیض نژادی به صورت قانونمند اعمال می‌شود. در حالی که نویسنده آن کتاب یک فعال سرسخت مبارزه با نژادپرستی است؛ در اینجا حقوق، حتی به قیمت پایمال شده حقوق مالکانه تاجر یا به بهای دور شدن حقوق مالکیت ادبی و هنری از قواعد سنتی مالکیت بایستی به یاری نویسنده مذکور شتافته و حق فکری او را که جلوه در شخصیت و آرمان‌هایش می‌کند پاس بدارد.

گفتار سوم: مالکیت فکری از مقوله‌ی اموال نسبی است

یکی از مهم‌ترین وجوه اختلاف اموال فکری با سایر اموال به‌ویژه منقولات در اعتبار آن‌ها بر حسب مکان است؛ حمایت از اموال فکری محدود به مرزهای سیاسی بوده و خارج از آن‌ها تنها به شرط وجود معاهده یا کنوانسیون خاص و ثبت حق فکری در کشور طرف معاهده، مورد حمایت قرار می‌گیرد. این در حالی است که سایر اموال فارغ از مرزهای سیاسی حمایت می‌شوند. خودنویس شما در همه جای این جهان، مال شماست و مورد حمایت قوانین قرار می‌گیرد اما ورقه حق اختراع از چنین قابلیت‌ی برخوردار نیست، از این رو شاید بتوان گفت در این مورد مالکیت مبنایی طبیعی ندارد.

با اندکی تأمل دریافت می‌شود که اعتبار مالکیت در اموال فکری نیز مطلق نیست؛ به‌عنوان مثال: اگرچه مالکیت غیرمستقر ورثه بر ماترک به‌محض فوت، حقیقی یا فرضی، به سبب یا نسب ایجاد می‌شود، وارث بیگانه هیچ‌گاه مالک ملک غیرمنقول مورث خود نمی‌شود. چه اینکه قانون‌گذار گاه پاره‌ای از حقوق را ویژه ایرانیان می‌داند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۲) همچنین در فقه پاره‌ای از اعیان اگرچه در بازار دارای مالیت هستند اما به ملکیت مسلمان در نمی‌آید (خوک و شراب) این دسته از اموال را اموال نسبی می‌دانند (لنگرودی، ش ۱۱۸۲، ص ۳۱۴۵) اموال فکری نیز می‌تواند در همین گروه جای گیرد، نسبت به مردم سرزمینی ملک و مال است و نسبت به مردم سرزمین دیگر ملک نیست. از این رو ایرادی بر قواعد مالکیت پیش نخواهد آمد. (حیدری، ۱۳۹۶: ص ۵۲ و ۵۳)

فصل سوم: بررسی کنوانسیون‌های بین‌المللی حق تألیف

وقتی کشورها، هر یک براساس ویژگی های فرهنگی و اجتماعی خود، برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف، به وضع قوانینی پرداختند، تا حدودی آثار نویسندگان و هنرمندان در کشور متبوع خود، از حمایت های قانونی برخوردار شد هر چه زمان می گذشت و روابط بین المللی چهره خود را بیشتر نمایان می ساخت، کمبود قواعد و مقررات بین المللی در حمایت از آثار مؤلفان، بیش از پیش احساس می شد. آثار فکری تا زمانی مورد حمایت بود که در قلمرو حمایتی کشور متبوع مالک اثر، قرار داشت، همین که اثر، از قلمرو حمایتی خود خارج می شد قانونی برای حمایت از آن وجود نداشت. در واقع این احساس بوجود آمد تا برای حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف باید کنوانسیون های بین المللی منعقد گردد. با انعقاد کنوانسیون های بین المللی حق مؤلف از اواخر قرن نوزدهم، نقطه عطفی در حمایت از این حق بوجود آمد، با آنکه دولت ایران تا حال، به این کنوانسیون ها نپیوسته است شاید در ابتدای امر بررسی بیشتر در این باره بدون فایده عملی تصور شود. اما از سوی دیگر، چون این قبیل کنوانسیون ها نشانه ای از نحوه تلقی جهان امروز (لااقل در بخش عمده ای از آن) از مالکیت بهترین و شایسته ترین آثار اندیشه و نبوغ بشری است، بنابراین نمی توان به آن اندازه اشاره اکتفا کرد خاصه آنکه چنین بررسی هایی از نظر علمی و حقوقی بی فایده نیست. از مهمترین کنوانسیون های جهانی در این مورد، کنوانسیون برن، ژنو و پاریس می باشند که هر یک به نوبه خود توانسته اند در سطح جهانی، حق مادی و معنوی مؤلف را از تعرض سوء استفاده کنندگان مصون بدارند.

مبحث اول: کنوانسیون های تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری

کنوانسیون وای پو یا سند مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری در ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۷ در استکهلم امضا شد، در سال ۱۹۷۰ به مرحله اجرا درآمد و در سال ۱۹۷۹ اصلاح گردید. وای پو یک سازمان بین دولتی است که در سال ۱۹۷۴ به یکی از سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد تبدیل شد.

خاستگاه وای پو به سال های ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶ برمی گردد یعنی سال هایی که به ترتیب کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری منعقد شدند. در هر دو کنوانسیون مذکور، تأسیس یک دفتر بین المللی پیش بینی شده بود. این دو دفتر در سال ۱۸۹۳ باهم ادغام شدند و در سال ۱۹۷۰ بر اساس کنوانسیون وای پو، دفتر بین المللی مالکیت فکری به عنوان دبیرخانه وای پو جایگزین آن ها شد. وای پو به طور عمده دو هدف دارد. هدف اول عبارت است از ارتقای حمایت از مالکیت فکری در سرتاسر جهان از طریق همکاری بین دولت ها و در صورت لزوم با همکاری سایر سازمان های بین المللی، هدف دوم وای پو ایجاد همکاری اداری بین اتحادیه های تأسیس شده به وسیله معاهده های تحت نظارت وای پو است.

وای پو برای تحقق این دو هدف، علاوه بر انجام وظایف اداری اتحادیه های مذکور، اقدام های زیر را هم انجام می دهد: ۱- اقدام های تجویزی یا هنجار آفرینی از طریق انعقاد معاهده ها بین المللی ۲- اجرای برنامه های اعطای کمک های فنی حقوقی به کشورهای در زمینه مالکیت فکری ۳- اقدام های مربوط به طبقه بندی و یکسان سازی بین المللی از طریق همکاری بین دستگاه های مسئول مالکیت صنعتی در زمینه مستندسازی حق اختراع، علائم تجاری و طرح های صنعتی ۴- اقدام های ثبتی مانند ارائه خدمات مربوط به تقاضای بین المللی برای ثبت حق اختراع، علائم بین المللی و طرح های صنعتی.

دولت‌هایی می‌توانند عضو وای پو بشوند که عضو یکی از اتحادیه‌های معاهده‌های تحت نظارت وای پو (اتحادیه‌ها) باشند یا یکی از شرایط زیر را داشته باشند:

۱ - عضو سازمان ملل متحد، یکی از سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشند ۲ - یکی از طرف‌های اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری باشند ۳ - از طرف مجمع عمومی وای پو می‌شوند، هیچ تعهدی در مورد سایر معاهده‌های تحت نظارت وای پو ندارند. پیوستن به وای پو از طریق سپردن سند پیوستن به کنوانسیون وای پو نزد مدیرکل این سازمان در ژنو انجام می‌گیرد.

در کنوانسیون وای پو به تأسیس سه رکن اصلی اشاره شده است: مجمع عمومی وای پو، اجلاس وای پو و کارگروه هماهنگی وای پو، مجمع عمومی وای پو از آن دسته از دولت‌های عضو وای پو تشکیل می‌شود که عضو یکی از اتحادیه‌ها نیز هستند. جلسات عادی مجمع هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود و وظایف اصلی آن از جمله عبارت‌اند از انتصاب مدیرکل معرفی شده از طرف کارگروه هماهنگی، بررسی و تصویب گزارش‌ها مدیرکل و گزارش‌ها و فعالیت کارگروه هماهنگی، تصویب بودجه دوسالانه مشترک اتحادیه‌ها و تصویب مقررات مالی وای پو.

اجلاس وای پو از طرف‌های کنوانسیون وای پو تشکیل می‌شود. جلسات عادی اجلاس هم هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود. این رکن از جمله مسئول تصویب اصلاحات کنوانسیون وای پو و کلیه مسائل مربوط به کمک‌های فنی - حقوقی است و برنامه دوسالانه اعطای این کمک‌ها را تدوین می‌کند. این رکن همچنان به مسائل عمومی در حوزه‌های مالکیت فکری می‌پردازد و ممکن است توصیه‌هایی در مورد این مسائل ارائه دهد. کارگروه هماهنگی وای پو از آن دسته از اعضای وای پو تشکیل می‌شود که از میان اعضای کارگروه اجرایی اتحادیه کنوانسیون پاریس و کارگروه اجرایی اتحادیه کنوانسیون برن انتخاب می‌شوند. جلسات عادی کارگروه هماهنگی سالی یکبار تشکیل می‌شود و وظیفه اصلی آن ارائه مشاوره به ارکان اتحادیه‌ها مجمع عمومی اجلاس و مدیرکل درباره کلیه مسائل اداری و مالی موردعلاقه آن‌هاست این کارگروه همچنین مسئول تهیه پیش‌نویس دستور کار مجمع عمومی و پیش‌نویس دستور کار و پیش‌نویس برنامه بودجه اجلاس است. علاوه بر این کارگروه هماهنگی در صورت لزوم نامزدی را برای احراز است سمت مدیرکل برای انتصاب از طرف مجمع عمومی معرفی می‌کند. منابع اصلی تأمین بودجه عادی دفتر بین‌المللی وای پو عبارت‌اند از وجوه پرداختی استفاده‌کنندگان خصوصی خدمات ثبت بین‌المللی و حق عضویت دولت‌های عضو وای پو. حق عضویت دولت‌های عضو بر اساس تقسیم آن‌ها به ۱۴ طبقه یا گروه تعیین می‌شود. بالاترین حق عضویت به اعضای طبقه اول اختصاص دارد که ۲۵ واحد حق عضویت می‌پردازند و کمترین حق عضویت به اعضای طبقه ویژه سوم تعلق دارد که ۱/۳۲ واحد حق عضویت می‌پردازند. حق عضویت یک دولت در کلیه حالت‌های زیر یکسان است: چه فقط عضو وای پو یا فقط عضو یک یا چند اتحادیه یا هم عضو وای پو و هم عضو یک یا چند اتحادیه باشد.

دبیرخانه وای پو به نام دفتر بین‌المللی معروف است. مسئول اجرایی دفتر بین‌الملل وای پو، مدیرکل این سازمان است که از طرف مجمع عمومی وای پو منصوب می‌شود و دو یا چند معاون دارد. دفتر مرکزی وای پو در

شهر ژنو در سوئیس قرار دارد. این سازمان یک دفتر هم در سازمان ملل متحد در شهر نیویورک در آمریکا دارد.

وای پو برای تسهیل تحقق اهداف و اجرای وظایف آن از امتیازات و مصونیت‌های ویژه سازمان‌های بین‌المللی و کارکنان آن‌ها برخوردار شده و در این زمینه با کنفدراسیون سوئیس موافقت‌نامه‌ای در مورد دفتر مرکزی خود منعقد کرده است. (فتیحی زاده ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۹۷)

مبحث دوم: کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی

حمایت از حقوق جانبی حق نسخه‌برداری یکی از آثار ناشی از توسعه فناوری می‌باشد در سطوح ملی بین‌المللی اولین حق جانبی که جهت جلب حمایت بیشتر مورد توجه قرار گرفت. حق تولیدکنندگان آثار صوتی بود در همان ابتدا حمایت از این حق در راستای حمایت از حق نسخه‌برداری مورد ملاحظه بود و بنابراین در سال ۱۹۲۸ در کنفرانس دیپلماتیک اتحادیه برده در رم این حمایت مورد بحث قرار گرفت آنچه مورد توجه مذاکره‌کنندگان قرار گرفت این بود که هنگامی که یک قطعه موسیقی توسط اجراکننده‌ای نواخته می‌شود و بر روی صفحات، گرامافون ضبط می‌شود. به‌عنوان یک خلق جدید باید مورد شناسایی قرار بگیرد و در همین راستا قطعنامه‌ای صادر گردید و کشورهای عضو خواسته تا حقوق اجراکنندگان حمایت نمایند. در سال ۱۹۳۸ اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های مؤلفین و آهنگسازان موافقت‌نامه‌ای را با فدراسیون بین‌المللی صنعت گرامافون ضبط می‌شود. به‌عنوان یک خلق جدید باید مورد شناسایی قرار بگیرد و در همین راستا قطعنامه‌ای صادر گردید و از کشورهای خواسته تا از حقوق اجراکنندگان حمایت نمایند. در سال ۱۹۳۸ اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های مؤلفین و آهنگسازان، موافقت‌نامه‌ای را با فدراسیون بین‌المللی صنعت گرامافون راستای اصلاحیه‌های به‌عمل آمده توسط اتحادیه برده در خصوص حمایت از تولیدکنندگان صفحات گرامافون در مقابل استفاده‌های غیرمجاز و پرداخت غرابت به آن‌ها کرد تا اینکه این‌گونه ملاحظات در ضمیمه کنوانسیون برن مورد شناسایی و حمایت قرار بگیرند. از طرف دیگر، سازمان بین‌المللی کار منافع که از سال ۱۹۲۶ در خصوص حمایت از اجراکنندگان داشت. در سال ۱۹۳۹ در کشور سوئیس ای موضوع را در جلسه‌ای مورد توجه و بررسی قرارداد. در این راستا طرح‌هایی با همکاری اتحادیه برن تهیه گردید ولی پس از چند سال بر اثر جنگ جهانی دوم متوقف گردید. سرانجام پس از جنگ جهانی دوم به دنبال طرح‌هایی که در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۷ آماده شده بود، کمیته‌ی متشکل از کارشناسان سازمان جهانی مالکیت فکری، سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۶۰ موضوع را مورد بررسی مجدد قرارداد و پس از آن در رم در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۱ در کنفرانس دیپلماتیک، کنوانسیون رم به تصویب نهایی رسید. این کنوانسیون مشتمل بر ۳۴ ماده و تحت نظارت سازمان جهانی فکری می‌باشد. علاوه بر بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه TRIS، در بند ۶ ماده ۱۴ این موافقت‌نامه نیز به کنوانسیون رم و اجرای مقررات آن اشاره شده و تصریح گردیده است که هر عضو می‌تواند شرایط، محدودیت‌ها، استثناء و قید و شرط‌هایی که در آن حد که کنوانسیون رم اجازه داده است مقرر دارد. (فتیحی زاد و بزرگی، ۱۳۸۳: ۱۳ - ۱۴ - ۱۵)

در ایالات متحده آمریکا قانون حق مؤلف در سال ۱۷۹۰ میلادی به تصویب رسید که از حق مؤلف انگلستان (قانون ۱۷۱۰ آن) و کامن لا مشتق شده بود که البته کنگره بعداً قانون حق مؤلف را در سال‌های دیگر اصلاح و تجدیدنظر کرد. بر اساس قانون حق مؤلف آمریکا، مدت حمایت حق مؤلف طول مدت زندگی او بعلاوه پنجاه سال پس از مرگ او پیش‌بینی شده است.

دولت آمریکا ابتدا با مذاکرات دو جانبه با کشورهای دیگر جهت ممانعت از تقلید دیگر دولت‌ها، برخورداری جلب حمایت‌های بیشتر در سطح بین‌الملل مذاکرات چندجانبه‌ای انجام داد.

با توجه به اینکه کشورهای متعدد در آن زمان جزو طرف‌های متعاهد گات GATT بودند، دولت آمریکا گات را مکان مناسبی برای مبارزه با کالاهای تقلبی و جلب حمایتی مؤثرتر در این زمینه دانست و به این ترتیب اقدام به شروع اقدامات چندجانبه کرد. آمریکا در طول سال‌های ۱۹۷۳-۷۹، یعنی در حین مذاکرات دور توکیو، پیشنهادهایی را برای دستیابی به چین توافقی ارائه کرد که مورد توافق طرف‌های دیگر قرار نگرفت. طرف‌های دیگر دولت آمریکا در اثر این استدلال کشورهای در حال توسعه به رهبری برزیل و هند که موافقت‌نامه گات فقط شامل کالاهای محسوس می‌باشد و موارد مربوط به حقوق مالکیت فکری در صلاحیت و کنترل سازمان جهانی مالکیت فکری می‌باشد به شکست انجامید. گفتنی است در موافقت‌نامه گات فقط قسمت‌هایی از مواد ۹ و ۲۰ بودند که در خصوص جلوگیری از ورود و توقیف کالاهای تقلبی اشاراتی داشتند و هیچ‌گونه قاعده و قانون الزام‌آور دیگری در این رابطه وجود نداشت. سرانجام پس از پیگیری‌ها و تلاش‌های فراوان کشورهای صنعتی از قبیل آمریکا، اروپایی و ژاپن در مذاکرات مربوط به تهیه دستور کار مذاکرات دور اروگوئه و پیشنهادهایی که پس از آن توسط دولت‌های کلمبیا و سوئیس جهت یافتن راه‌حل مناسب ارائه گردید، موضوعاتی را در اعلامیه وزیران در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۶ وارد کرده و راه را برای مذاکرات در این خصوص در دور اروگوئه هموار کردند. در قسمتی از اعلامیه وزیران چنین آمده است: برای کاستن از انحرافات موجود در راه تجارت بین‌الملل و با توجه به لزوم ایجاد حمایت مؤثرتر برای حقوق مالکیت فکری و برای جلوگیری از تبدیل اقدامات و رویه‌ها حمایت از حقوق مالکیت فکری و مانعی فرا رویه تجارت مشروع، مذاکرات آینده باید با هدف روشن کردن مقررات گات و در صورت لزوم تدوین مقررات و نظم حقوقی جدید انجام شود. (فتحی زاده و بزرگی، ۸۳: ۷-۸)

در طول سال ۱۹۸۹، گروه مذاکره‌کنندگان حقوق مالکیت فکری به اظهارنظرهای مختلفی نائل آمدن که در اوایل سال ۱۹۹۰ مجموعه این نظرات در قالب ۵ متن ظاهر گردیده است که آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، سوئیس و کشورهای در حال توسعه تعلق داشتند. گفتنی است هر یک از متون شامل مواردی می‌گردید که در تضاد و مخالفت با یکدیگر بودند. در نوامبر سال ۱۹۹۱، گزارشی توسط دبیر کل وقت گات منتشر گردید که در آن سعی شده بود این اختلافات به صورتی باهم تلفیق شوند. این طرح مورد مخالفت هر یک از صاحبان متون فوق ذکر قرار گرفت، ولی نهایتاً در نشست وزیران در مراکش در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توافق نهایی بر سر متنی صورت گرفت که از نظر شکل و محتوا به طرح دانکل نزدیک بود. (فتحی زاده و بزرگی ۸۳: ۸)

بدین ترتیب موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری تریپس TRIPs به‌عنوان یکی از اسناد غیرقابل تفکیک سند نهایی دور اروگوئه و همچنین یکی از ارکان موافق‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در کنار موافق‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا و موافقت‌نامه عمومی مربوط به تجارت خدمات به حساب می‌آید.

مبحث سوم: موافقت‌نامه تریپس

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری حاوی جامع‌ترین و کامل‌ترین مقررات در خصوص حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این موافقت‌نامه به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

الف) این موافقت‌نامه از نظر پوشش انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از جامع‌ترین موافقت‌نامه‌های موجود می‌باشد. موارد مربوط به حمایت از حقوق مالکیت فکری که در این موافقت‌نامه به آن‌ها پرداخته شده عبارت‌اند از:

حق نسخه‌برداری و حقوق مرتبط یا جانبی، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، اطلاعات افشا نشده، کنترل رویه‌های ضد رقابتی در پروانه‌های قراردادی (فتحی زاد و بزرگی، ۸۳: ۸-۹)

ب) دومین ویژگی این موافقت‌نامه تعیین (استانداردهای حداقل) حمایتی است. در ارتباط با هر یک از موضوعات حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه به حداقل حمایت اکتفا کرده است. هر موردی که از آن حمایت به عمل آمده مورد تعریف قرار گرفته، حقوق اعطاشده به دارنده آن ذکر گردیده، از استثناء این حقوق سخن گفته شده و حداقل دوره حمایتی آن بیان گردیده است. برخی از استانداردها و مقررات ماهوی که در موافقت‌نامه به آن‌ها اشاره گردیده به‌طور مستقیم از کنوانسیون‌های زیر نظر سازمان جهانی مالکیت فکری برگرفته شده‌اند: کنوانسیون پاریس برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از حق نسخه‌برداری (آثار ادبی و هنری)، کنوانسیون رم در خصوص حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیونی و ماهیت واشنگتن برای حمایت از ساخت مدارهای یکپارچه. در بند ۱ ماده ۲ و بند ۱ ماده ۹ و نیز ماده ۳۵ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری اشاره صریح به لازم‌الاجرا بودن مقررات و قواعد ماهوی کنوانسیون‌های مذکور گردیده است. قابل ذکر است که خود موافقت‌نامه در مواردی که کنوانسیون‌های مزبور نسبت به موردی ساکت بوده‌اند، اقدام به تدوین قواعد و مقررات جدید نموده است. از این موارد می‌توان به مفاد حکم ماده ۱۱ در خصوص حقوق اجراهای اشاره کرد.

ج) ویژگی دیگر موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری این است که بر مسئله اجرا تأکید نموده و مواد متعددی را نیز به این موضوع اختصاص داده است. (برخلاف دیگر کنوانسیون‌های حقوق مالکیت فکری که یا اصلاً به مسئله اجرا توجه نداشته و یا کمتر توجه داشته‌اند). در این راستا، موافقت‌نامه شامل یک سری اصول عمومی جهت اجرای حقوق مالکیت فکری و همچنین شامل مقرراتی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری می‌باشد و در ادامه قواعدی در خصوص اقدامات موقتی و تأمین‌ی و رویه‌های خاصی جهت اجرا در مرزها دارد. این رویه‌های اجرایی که در واقع انگیزه اصلی کشورهای صنعتی از انعقاد چنین موافقت‌نامه‌ای

تحت کنترل و نظارت سازمان جهانی تجارت بود با استناد به بند ۲ ماده ۴۱ باید منصفانه و عادلانه و فاقد هرگونه هزینه‌های اضافه و مهلت‌های غیرمعمول باشد.

د) ویژگی دیگر موافقت‌نامه مربوط به سازوکار حل اختلاف می‌باشد. طبق مفاد این موافقت‌نامه در صورتی که یکی از اعضای سازمان جهانی تجارت ادعا نماید که عضو دیگر تعهدات خود را در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری نقض کرده است موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت ارجاع داده می‌شود و در آنجا رأی نهایی صادر و عضو محکوم‌علیه ملزم به اجرای رأی می‌باشد گفتنی است بند ۱ ماده ۶۴ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری تحت عنوان (حل اختلافات) به این موضوع پرداخته و مقرر کرده است که تفاهم‌نامه حل اختلاف در مورد مشورت‌ها و حل اختلافات ناشی از موافقت‌نامه حاضر جز در مواردی که در این سند به گونه دیگری مقرر شده است قابل اجرا خواهد بود.

اولین قرارداد بین‌المللی که در خصوص مالکیت ادبی و هنری بسته شد قرارداد برن است که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ در شهر برن در کشور سوئیس به امضاء رسید، این قرارداد برای حمایت از آثار ادبی و هنری امضاء شد؛ و در سال ۱۸۹۶ در پاریس، در سال ۱۹۰۸ در برلین، در سال ۱۹۱۴ در برن، در سال ۱۹۲۸ در رم، در سال ۱۹۴۸ در بروکسل، در سال ۱۹۶۷ در استکهلم، در سال ۱۹۷۱ در پاریس و سرانجام در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ تجدیدنظر گردید.

آثار حمایت‌شده شامل:

- رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، اشعار، نمایشنامه‌ها و
- ترانه‌ها، اپراها، موسیقی‌ها، قطعات.
- طرح‌ها، نقاشی‌ها، پیکرتراش‌ها و آثار معماری است.

همان‌طور ملاحظه گردید کنوانسیون برن با توجه به نیازهای توسعه‌ای دستخوش تغییرات بسیاری بوده است. در سال ۱۹۷۱ در پاریس به‌عنوان یک ضمیمه رسمی برای کشورهای در حال توسعه در خصوص موضوعاتی از قبیل ترجمه و تکثیر آثار اضافه گردید.

این ضمیمه حاوی ۶ ماده می‌باشد که تسهیلاتی را برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته است. بر اساس ای ضمیمه کشورهای که مطابق با استانداردهای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حال توسعه محسوب می‌گردند تحت شرایطی خاص و معین می‌توانند از این مقررات ویژه بهره‌مند گردند. این مقررات ویژه در خصوص ترجمه و تکثیر آثار مورد حمایت می‌باشد.

بر اساس این مقررات ویژه، کشورهای در حال توسعه می‌توانند از مجوزهای اجباری غیر انحصاری و غیر قابل انتقال در دو حوزه زیر استفاده نمایند:

– ترجمه آثار مورد حمایت به منظور آموزش و تحقیق

– تکثیر آثار مورد حمایت به منظور فعالیت‌های سیستماتیک آموزشی

صدور مجوز اجباری جهت استفاده‌های فوق ذکر تحت شرایطی خاص اعطا خواهد شد. این مجوزها حتماً توسط مقامات مجاز کشورهای در حال توسعه صادر می‌گردد و جبران خسارتی نیز با توجه به اوضاع و احوال

برای دارندگان حقوق آثار در نظر گرفته می‌شود. ترجمه و تکثیر باید به صورت مناسب و صحیحی انجام گرفته و در تمام نسخه مربوطه نام پدیدآورند اثر مذکور ذکر گردد (فتیحی زاده و بزرگی، ۱۳۸۳، ۸۳ و ۸۴) صدور مجوز اجباری به منظور ترجمه اثر، عموماً در مواردی مجاز و قابل استفاده است که اثر به زبان کشور در حال توسعه مربوطه ترجمه شود.

در صورتی که خود اثر به زبانی باشد که در چند کشور توسعه متداول بوده (مانند زبان انگلیسی - فرانسه - اسپانیایی) باید سه سال از تاریخ انتشار اثر گذشته باشد. در حالی که چنانچه اثر مورد حمایت به زبان داخلی یک کشور توسعه یافته باشد باید یک سال از تاریخ انتشار آن گذشته باشد. به هر یک از دو زمان فوق مدت شش تا نه ماه نیز به منظور انجام تشریفات لازم جهت اخذ مجوز اجباری اضافه می‌گردد. (فتیحی زاده و بزرگی، ۱۳۸۳: ۸۵)

نکته قابل توجه این است که هنگامی که اثری جهت ترجمه مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده از مجوز شامل پخش آن از طریق رادیو و تلویزیون به منظورهای آموزشی نیز می‌گردد. در خصوص تکثیر آثار مورد حمایت، انتظار مدت زمانی که از انتشار آن گذشته، با توجه به موضوع اثر متفاوت می‌باشد.

به طور عموم چنانچه ۵ سال از انتشار یک اثر گذشته باشد، تکثیر آن تحت مجوز اجباری برای کشورهای در حال توسعه مجاز است. برای آثاری که مربوط به رشته‌های فیزیک، علوم طبیعی، فناوری (شامل آثار مربوط به ریاضی نیز می‌شود) می‌باشد حداقل انقضا سه سال از انتشار اثر ضروری می‌باشد. در خصوص آثار داستانی، نمایشی، شعر و موسیقی و کتاب‌های هنری، انقضای ۷ سال از تاریخ انتشار اثر ضروری می‌باشد. (فتیحی زاد و بزرگی، ۸۳: ۸۵-۸۶)

در کنوانسیون برن به برنامه‌های رایانه‌ای اشاره‌ای نشده است با این حال عموماً معتقدند که این کنوانسیون برنامه‌های مذکور را هم در برمی‌گیرد، زیرا در بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون آمده است که این کنوانسیون شامل هرگونه محصول ادبی، علمی و هنری صرف نظر از شکل یا نحوه ارائه آن‌ها می‌گردد و برنامه‌های رایانه‌ای هم یک محصول ادبی هستند. از قرار معلوم، تدوین کنندگان موافقت‌نامه تریپس ترجیح داده‌اند که به جای اکتفا به این تفسیر از کنوانسیون برن با صراحت به حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای (به عنوان آثار ادبی) اشاره کنند؛ بنابراین، آن دسته از کشورهای عضو کنوانسیون برن و موافقت تریپس که در قوانین ملی آن‌ها درباره‌ی حق نسخه‌برداری به حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای اشاره نشده است، بهتر است قوانین خود را در این زمینه اصلاح و تکمیل کنند (فتیحی، ۹۵: ۱۲۶-۱۲۷)

یکی دیگر از قراردادهای بین‌المللی حق مؤلف قرارداد ژنو نام دارد که در واقع نام اصلی آن "قرارداد جهانی حق مؤلف" است که به وسیله یونسکو تهیه و در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ در ژنو امضا شد و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ در پاریس تجدیدنظر شد.

قرارداد منعقد دیگر در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در سطح بین‌المللی به نام "موافقت‌نامه جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری" توسط اعضای سازمان جهانی تجارت است که از اول ژانویه ۱۹۹۵ اجرا شد، همچنین

"قرارداد همکاری میان سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان جهانی تجارت" در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ در ژنو منعقد شده است.

مبحث چهارم: موافقت‌نامه استراسبورگ در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات

این موافقت‌نامه در سال ۱۹۷۱ میلادی به تصویب رسید و موضوع آن طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات (ipc) است. در این موافقت‌نامه تکنولوژی به ۸ بخش و حدود ۶۷۰۰۰ زیرمجموعه تقسیم شده است. هر زیرمجموعه دارای نشانی متشکل از اعداد غربی و حروف الفبای لاتین است. نشانه‌های طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات در هر سند اختراع درج می‌گردد که از این‌گونه اسناد حدود ۱۰۰۰۰۰۰ عدد هر سال در مدت حدود ده سال گذشته منتشر شده‌اند. نشان‌هایی مربوط متوسط اداره مالکیت ملی یا منطقه‌ای که سند اختراع صادر می‌کند تعیین می‌شوند.

یکی از آثار و مزایای مهم این طبقه‌بندی بازیابی اسناد اختراع در نگام جستجو برای یافتن سابقه افشای قبلی است. این‌گونه بازیابی برای مقامات صادرکننده توسعه تکنولوژی ضروری موردنیاز است. اگرچه تاکنون تعداد کمی از کشورها در این موافقت‌نامه عضو هستند اما ادارات مالکیت صنعتی حدود ۸۰ کشور ۴ اداره منطقه‌ای و دبیرخانه سازمان جهانی مالکیت معنوی بر اساس معاهده همکاری ثبت اختراع از طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات استفاده می‌کنند. به‌منظور به‌روز کردن طبقه‌بندی اختراعات ((ipc این طبقه‌بندی همواره به‌صورت مستمر مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گیرد و نسخه جدیدی از آن هر ۵ سال یک‌بار منتشر می‌شود. بازبینی و اصلاح این طبقه‌بندی توسط کمیته کارشناسان که بر اساس مفاد موافقت‌نامه تشکیل شده است، انجام می‌شود. همه کشورهای عضو این موافقت‌نامه در این کمیته عضویت دارند. موافقت‌نامه دارای اتحادیه‌ای است که این اتحادیه مجمعی را تشکیل می‌دهد که کشورهای عضو در آن عضویت دارند. یکی از وظایف مهم مجمع، تهیه برنامه و بودجه دو سال اتحادیه است. همان‌طور که گفتیم این موافقت‌نامه در سال ۱۹۷۱ میلادی تصویب و در سال ۱۹۷۹ میلادی اصلاح شده است. عضویت در این موافقت‌نامه برای کشورهای عضو کنوانسیون پاریس آزاد است. اسناد مربوط به این عهدنامه باید به مدیرکل سازمان جهانی مالکیت معنوی تحویل شود. (اباست پور محمد و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۳۰)

مبحث پنجم: موافقت‌نامه لوکارنو برای ایجاد طبقه‌بندی بین‌المللی طرح‌های صنعتی

این موافقت‌نامه در سال ۱۹۶۸ میلادی به تصویب رسیده و در سال ۱۹۷۹ اصلاح شده است. موضوع این موافقت‌نامه طبقه‌بندی طرح‌های صنعتی است. ادارات صلاحیت‌دار کشورهای متعاقد در اسناد رسمی تسلیم یا ثبت طرح‌های صنعتی باید نشانه‌های طبقه‌بندی را درج نمایند. این کار باید در تمام آگهی‌های تسلیمی یا ثبت آن‌ها که ادارات مذکور منتشر می‌کنند نیز صورت گیرد. یک کمیته متخصصین که کلیه کشورهای عضو در آن نماینده‌ای دارند و طبق این موافقت‌نامه تشکیل شده است وظیفه دارد این طبقه‌بندی را به‌طور دوره‌ای موردبررسی قرار داده و اصلاح نماید. آخرین نسخه این طبقه‌بندی که از سال ۱۹۹۹ میلادی تاکنون معتبر است هفت نسخه آن است. جدیدترین طبقه‌بندی لوکارنو که از اول ژانویه ۱۹۹۹ میلادی به‌مورد اجرا گذارده شده حاوی اصلاحات و اضافات انجام‌شده توسط کمیته متخصصین در سال ۱۹۹۸ میلادی است. این طبقه‌بندی را دبیرخانه سازمان جهانی به‌منظور اجرای موافقت‌نامه لاهه در خصوص تسلیم بین‌المللی طرح‌های صنعتی و

همچنین اداره ثبت طرح‌های صنعتی نبلوکس استفاده می‌کنند. موافقت‌نامه لو کارنو اتحادیه‌ای را به وجود آورده است. این اتحادیه دارای یک مجمع است، هر کشور عضو این اتحادیه در این مجمع عضویت دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف مجمع تدوین برنامه‌بودجه ۲ ساله اتحادیه است. عضویت در موافقت‌نامه لو کارنو برای کشورهای عضو کنوانسیون پاریس آزاد است. اسناد امضا و باید به مدیرکل سازمان جهانی مالکیت معنوی تحویل گردد. (پورمحمد و دیگران ۱۳۹۵: ص ۳۴)

مبحث ششم: معاهده مالکیت فکری در مورد مواد یکپارچه

این معاهده شامل ۲۰ ماده می‌باشد که در ۲۶ می سال ۱۹۸۹ در واشنگتن مورد مذاکره نهایی قرار گرفت ولی به علت مخالفت دو قدرت عمده تولیدکننده نیمه‌هادی‌ها یعنی امریکا و ژاپن مورد تصویب نهایی قرار نگرفت. لذا هم‌اکنون این معاهده در عرصه بین‌الملل لازم‌الاجرا نمی‌باشد ولی به این جهت است که در ماده ۳۵ موافقت‌نامه TRPS مورد استفاده قرار گرفته است، در حد مذکور در این ماده برای اعضای سازمان جهانی تجارت لازم‌الرعایه خواهد بود.

ماده ۳۵ موافقت‌نامه TRPS در این رابطه مقرر می‌دارد:

اعضا موافقت می‌کنند که از طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه (همراه با شرح جزئیات هر قسمت) که در این موافقت‌نامه به‌عنوان طرح‌های ساخت خوانده می‌شوند. طبق مواد ۲ تا ۷، ۱۲ و بند ۳ ماده ۱۶ معاهده مالکیت فکری در مورد مدارهای یکپارچه هدایت به عمل می‌آید.

در ایران در سال ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی ایران تهیه و تصویب شد، مقرراتی نیز راجع به حقوق مؤلف و حمایت از آن در این قوانین گنجانده شد، در دوران حکومت رضاشاه علاوه بر این قوانین، عهدنامه‌های دوجانبه‌ای با کشورهای آلمان، اسپانیا و ایتالیا به امضاء رسید.

در آبان ماه سال ۱۳۰۹ هجری شمسی نیز قرارداد مالکیت ادبی بین ایران و آلمان توسط مجلس شورای ملی تائید شد و اولین ماده قرارداد مزبور بیان می‌دارد که "هر قانونی که درباره حفظ حقوق مؤلف در ایران تصویب شد، اتباع آلمانی مثل اتباع ایرانی از آن استفاده خواهند کرد و اگر قانونی در آلمان تصویب شد، اتباع ایرانی مثل اتباع آلمانی از مزایای آن برخوردار خواهند بود و متساوی الحقوق خواهند شد.

سپس در سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ برای جایگزین کردن قوانین جدید اقداماتی از سوی نمایندگان مجلس و وزارت فرهنگ و هنر وقت صورت گرفت که به دلیل اشکالات و که داشت چندان حمایتی از مؤلفان و هنرمندان نگردید.

در اواخر بهمن‌ماه ۱۳۳۸ در ۱۸ ماده و ۱ تبصره لایحه قانون حفظ حقوق مؤلف تهیه شد که این لایحه نیز به علت نواقصی که داشت به سرنوشت دیگر لوایح و طرح‌های گذشته پیوست. در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ نیز اقداماتی برای تصویب قوانینی جدید برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری انجام شد که قوانین جدید، همچون قوانین قبلی این بار نیز به سرنوشت قوانین گذشته دچار گشت.

در سال ۱۳۴۶ وزارت فرهنگ و هنر وقت لایحه حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان را تهیه و در آبان ماه ۱۳۴۷ به مجلس تقدیم نمود.

این لایحه در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون مشتمل بر ۳۳ ماده و ۳ تبصره است و در تهیه این قانون از قوانین کشورهای پیشرفته از جمله قانون فرانسه و قانون نمونه‌ای که یونسکو و سازمان جهانی مالکیت فکری تهیه کرده بودند، استفاده شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیش‌نویس لایحه حمایت از حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط ۱۳۸۹ تا حدود بسیار زیادی نواقص و ابهامات موجود در قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۶۸ را در خصوص آثار موردحمایت و شیوه‌های حمایتی برطرف کرده است و درصدد توسعه حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان گام برداشته است. درواقع، سرعت روزافزون توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیا چنین ایجاب می‌نماید که با به‌پای آن، قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری توسعه یابد؛ چراکه همواره حرکت کند تصویب قوانین در مقابل حرکت شتابنده‌ی توسعه فناوری‌های نوین، چالشی اصلی در این زمینه بوده است. از سوی دیگر، شناخت موضوع، قانون، مقدم بر تدوین آن و سپس اجرای آن است و قانون‌گذار هم بدون آن راه به‌جایی نخواهد برد؛ از همین رو، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور به‌عنوان نهادی تخصصی و سیاست‌گذار، با استناد به بند دوم و بند پنجم از وظایف قانونی خویش و با آگاهی از نقص قوانین فعلی و عدم وجود قانون جامع در حوزه‌ی صیانت از مالکیت فکری و اذعان به رسالت ملی خود در این عرصه، گام اساسی در راه تدوین لایحه‌ی قانون حمایت از مالکیت فکری با تأکید بر آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط با آن برداشت که می‌توان به بیانی دیگر، چنین گفت: همچنین حقوق مرتبط را که در حقوق ایران از آن نام‌برده در بخش مستقلی موردحمایت قرار داده است. پیش‌بینی ضمانت اجراهای مدنی، کیفری، اداری گمرکی جهت حمایت از آثار ادبی و هنری نیز از جمله نکات مثبت در این پیش‌نویس است. آثار موردحمایت در پیش‌نویس لایحه در مقایسه با قوانین بین‌المللی انطباق زیادی با قوانین کنوانسیون برن دارد و در صورت تصویب آن، می‌تواند گامی در جهت الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی بردارد و موانع عضویت ایران را که به نظر می‌رسد وجود ابهامات در خصوص آثار موردحمایت و نبودن پشتوانه حقوقی و قانونی لازم در داخل کشور که تضمین‌کننده اجرای مفاد کنوانسیون است، برطرف کند. در واقع، با هماهنگ شدن با قوانین بین‌المللی و پیوستن به قراردادهای بین‌المللی و حمایت از آثار ادبی و هنری باید امکان رقابت با انواع محصولات فکری خارجی فراهم و در نتیجه محصولات فکری ایران نیز در سطح بین‌المللی از حمایت بیشتری بهره‌مند گردند.

آثار اقتباسی به آثاری گفته می‌شود که در پدید آوردن آن از آثار دیگر استفاده شود یا تغییر داده شود. برای آثار اشتقاقی نمی‌شود از آثار حق تکثیر بدون اجازه مالک حق تکثیر استفاده کرد، درحالی‌که از آثار تحت مالکیت عمومی می‌شود آزادانه در آثار اشتقاقی استفاده کرد.

حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا قلمرو حمایت از حقوق مؤلف تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا اینکه آثار اقتباسی را نیز دربرمی‌گیرد؟

درباره این سؤال که قلمرو حق آیا تنها شامل اثر اصلی می‌شود یا اثر اشتقاقی را نیز در برمی‌گیرد، بسیاری از قوانین کشورها دامنه آن را وسیع در نظر گرفته و حق انتساب را به اثر اشتقاقی نیز توسعه داده‌اند؛ بنابراین آثار اشتقاقی (برگرفته) مثل ترجمه، اقتباس، تنظیم موسیقی و سایر انواع تبدیل‌های اثر ادبی و هنری، بدون آنکه به حق پدیدآورنده اثر اصلی خدشه‌ای وارد شود. همچون آثار اصیل تحت حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد.

بر این اساس، در اثر ترجمه‌ای نیز باید نام نویسنده اثر اصلی نیز قید شود. برخی از قوانین حتی درجایی که بخشی از اثر دیگر درج می‌شود یا اینکه از اثر نقل می‌شود، ذکر پدیدآورنده و مأخذ آن را ضروری می‌دانند.

ذیل ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ قانون‌گذار ذکر نام مترجم را در تمامی موارد استفاده الزامی دانسته است. مفهوم این ماده این است که در مورد آثار برگرفته از دیگر آثار (آثار اشتقاقی) نیز رعایت جنبه اثبات حق انتساب اثر به پدیدآورنده اثر اشتقاقی توسط دیگران لازم و ضروری است. نظر به اهمیت این امر، قانون‌گذار در ماده ۷ (بند الف) ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای ناقضین این حق پیش‌بینی کرده است. این ماده اشخاصی را که عالماًعامداً حق مزبور را نقض نموده‌اند، علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم کرده است. البته این ضمانت اجرا منوط به شکایت شاکی خصوصی می‌باشد و باگذشت یا عدم پیگیری او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف می‌شود.

در قرن حاضر به علت رشد روزافزون فن‌آوری، ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها و به هم نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مالکیت‌های فکری از اهمیت خاصی برخوردار شده‌اند. برخی از نویسندگان نام مالکیت فکری را برای این حقوق ترجیح می‌دهند. به خاطر اینکه این حقوق ناشی از فکر و اندیشه انسان‌ها می‌باشد؛ اما عده‌ای نیز واژه مالکیت معنوی را مناسب‌تر می‌دانند از این جهت که برخی از این حقوق مانند سرقتی بر اثر فکر و اندیشه تولید نمی‌شوند بلکه فقط به این دلیل که وجود مادی ندارد در قلمرو این حقوق جای می‌گیرند.

تفاوت این نوع مالکیت (مالکیت معنوی) با مالکیت کلاسیک در این است که موضوع مالکیت معنوی یک اثر فکری و ماحصل تراوش‌های ذهنی یک انسان است و نه یک پدیده معین مادی. مالکیت فکری ماهیتی مرکب از حقوق مالی و غیرمالی و مربوط به شخصیت انسان دارد. مالکیت معنوی صرفاً جنبه اعتباری و معنوی دارد و به مالک آن امکاناتی برای حفاظت از مالکیت خود می‌دهد. به‌عنوان مثال نویسنده یک کتاب می‌تواند اجازه انتشار اثرش را به ناشر بدهد یا مانع نشر و همچنین تحریف اثرش شود. حقوق معنوی به‌هیچ‌عنوان قابل واگذاری نیست؛ اما حقوق مادی را می‌توان واگذار نمود.

مالکیت ادبی و هنری از دیرباز به‌عنوان اقسامی از مالکیت در دنیا شناخته‌شده و مورد حمایت قرار گرفته است، ایران از سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون "حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" مالکیت ادبی و هنری به رسمیت شناخت. در تعریفی که از مؤلف می‌شود او را فردی می‌دانند که نوشته‌ها و آثار و ابتکارات دیگران را جمع‌آوری و باذوق و ابتکار شخصی خودش عرضه می‌کند. مصنف فردی است که اثر عملی یا ادبی ابتکاری و جدید را پدید می‌آورد و زمانی که تصنیف در زمینه‌ی هنری باشد به چنین پدیدآوری هنرمند گفته می‌شود. طبق ماده اول قانون "حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان" به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده اطلاق می‌شود و آنچه از راه دانش یا هنر یا ابتکار مؤلف و مصنف و هنرمند پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن بکار رفته اثر اطلاق می‌شود.

حقوق معنوی نیز حقوقی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا از منافع و شکل خاصی از کار و فکر انسان به انحصار استفاده کند. حقوق ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان نظریه ماهیت دوگانه حقوق مالکیت فکری را پذیرفته است. پدیدآورنده نه تنها از منافع مادی و مالی اثر بهره‌مند می‌شود بلکه دارای حقوق دیگری نیز نسبت به اثر است که ماهیت اقتصادی نداشته و با شخصیت او ارتباط تنگاتنگ قرار دارند و از آن به حقوق معنوی تعبیر می‌شود. تمامی قوانین و مقررات ایران مرتبط با حمایت از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزاری بر وجود

حقوق معنوی برای پدیدآورنده تأکید کرده‌اند. قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ در ماده ۳ خود حقوق پدیدآورنده را شامل حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او دانسته است. ویژگی‌های حقوقی معنوی شامل موارد ذیل است:

۱- غیرقابل انتقال بودن

۲- دائمی بودن

۳- جهانی بودن

الف) غیرقابل انتقال بودن

حقوق معنوی جز لاینفک شخصیت پدیدآورنده بوده و غیرقابل انتقال است. ممنوعیت انتقال حقوق معنوی با توجه به وابستگی آن به حقوق شخصیت و آمرانه بودن قواعد مربوط به حقوق شخصیت توجیه می‌شود. حقوق معنوی تنها از طریق قرار قابل انتقال نیستند، انتقال اجباری آن‌ها از طریق توصیف اثر نیز ممکن نیست. به عبارت دیگر حقوق مذکور از طریق اجرای دادگستری یا اجرای ثبت غیرقابل توقیف هستند. همچنین در مواردی که پدیدآورنده یک اثر فوت می‌کند چنانچه یک یا چند تن از وراث وی طبق قانون امور حسبی از قانون ترکه امتناع کرده و آن را رد کند، رد آنان تأثیری در برخورداری از حقوق معنوی نخواهد داشت. (انصاری ۲۱۰، ۱۳۸۷ و ۲۱۱)

ب) دائمی بودن حق معنوی

وصف دیگر حقوق معنوی غیرموقت بودن آن‌هاست.

ج) جهانی بودن حقوق معنوی

حق معنوی تابع مکان نیست و در تمام دنیا مورد احترام است. طبق ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان حقوق معنوی پدیدآورنده مربوط به مکان نیست؛ بنابراین، تابعیت و اقامتگاه اشخاص تأثیری در برخورداری آن‌ها از حقوق معنوی ندارند. یک نویسنده ایرانی نمی‌تواند آثار متعلق به اتباع خارجی را به نام خود منتشر کنند و همان‌طور اتباع خارجی نیز حق نشر آثار اتباع ایرانی را به نام خود ندارند اگرچه در زمینه رعایت حقوق مادی وحدت نظری با یکدیگر نداشته باشند و هر یک حقوق مادی دیگری را نقض کند (انصاری ۱۳۸۷: ۲۱۴)

حقوق مادی که گاهی حقوق اقتصادی یا حقوق مالی نیز خوانده می‌شود شامل آن دسته از حقوق و امتیاز است پدیدآورندگان است که قابل ارزیابی به پول بوده و هدف از اعمال آن‌ها تحصیل منافع مادی است. حقوق مادی در نظر مقابل حقوق معنوی قرار می‌گیرند و لذا مفهوم مخالف احکامی که در قسمت حقوق معنوی مورد مطالعه اعمال شده در مورد حقوق مادی صادق است. اگر حقوق معنوی غیرقابل انتقال بودند، حقوق مادی قابل انتقال هستند، اگر حقوق معنوی جنبه دائمی داشتند حقوق مادی محدود به زمان معینی هستند و اگر حقوق معنوی جنبه جهانی داشتند حقوق مادی جنبه ملی دارند. تنوع این حقوق نیز در مقایسه با حقوق معنوی درخور توجه بوده و اهمیتی که قانون‌گذار ایرانی به این حقوق نشان‌دار است به لحاظ دقت و انسجام بیان در مقایسه با حقوق معنوی بیشتر است (انصاری ۱۳۸۷: ۲۱۵)

آثاری که تحت حمایت قوانین مالکیت فکری نباشند در مالکیت عمومی قرار می‌گیرند و می‌توانند به‌وسیله عموم مردم آزادانه مورد استفاده قرار گیرند. آثاری که قبل از به وجود آمدن قوانین حق تکثیر پدید آمده‌اند، آثاری که حق تکثیر آن‌ها به پایان رسیده‌اند، (مثل کتاب موبی دیک)، آثاری که به‌وسیله مالک در مالکیت عمومی قرار گرفته‌اند و آثاری که هیچ‌گاه حق تکثیر نداشته‌اند یا حق تکثیر آن‌ها از بین رفته‌اند در زمره مالکیت عمومی قرار می‌گیرند.

با توجه به افزایش روزافزون تولیدات فکری و همچنین گستردگی آثار اشتقاقی و استفاده کشورها از فضای گسترده و بدون مرز فضای مجازی و اینترنت حق کپی‌رایت برای حمایت از آثار ادبی و هنری و حفاظت از این آثار به وجود آمده است؛ و به دارنده کپی‌رایت این حق را می‌دهد که بتواند به‌راحتی از آثاری که پدید آورده است طبق این حق حفاظت کند و از نشر غیرمجاز آثار ادبی و هنری خود جلوگیری به عمل آورد. در کنوانسیون برن نیز حفاظت از آثار ادبی و هنری تحت مفهوم کپی‌رایت در دستور کار کشورهای مختلف قرار می‌گیرد.

کپی لغت نیز یکی از روش‌های انتشار آثار، ارائه آن‌ها در مالکیت عمومی است، اما مشکل این روش این است که افراد می‌توانند با تغییرات جزئی یا کلی در اثر آن را با یک مجوز مالکیتی (انحصاری) بازنشر کنند. برای غلبه بر این مشکل از مجوزهای کپی لغت استفاده می‌شود که تضمین می‌کند که کاربران بعدی نیز از آزادی‌های تعریف‌شده بهره‌مند خواهند شد.

کپی لغت برعکس کلمه کپی‌رایت عملی را توصیف می‌کند که در آن با استفاده از قانون حق تکثیر (کپی‌رایت) تضمین می‌شود که اجازه نسخه‌برداری و ویرایش یک اثر برای همگان محفوظ می‌ماند و هیچ فردی اجازه ندارد حق ویرایش و نسخه‌برداری را از دیگر افراد سلب کند؛ و درحالی‌که کپی‌رایت حق نسخه‌برداری، ویرایش یا اقتباس کردن را از دیگر افراد سلب می‌کند، در مقابل کپی لغت به تمامی افرادی که یک نسخه از اثر را دریافت می‌کنند حق اقتباس، نسخه‌برداری و ویرایش آثار را می‌دهد.

بعد از تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی در ایران که شرح آن در پیوست آمد، دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شد.

قوانین مربوط به حمایت مالکیت صنعتی و ادبی هنری که در عرف بین‌الملل به مالکیت فکری معروف می‌باشد، از سال ۱۳۰۴ رفته‌رفته در قوانین ایران جای خودش را باز کرد و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به تکامل بیشتری رسید و مورد حمایت قرار گرفت. هرچند در ایران هنوز برای رشد این مقوله گام‌های اساسی‌ای می‌توان برداشت و جای زیادی برای پیشرفت دارد.

منابع و ماخذ:

- ۱ - حبیب، سعید و شاکری، طهرا، منابع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۹۴
- ۲ - الستی، ساناز حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری در ایران و بررسی تطبیقی آن با آمریکا و قراردادهای بین‌المللی، تهران: میزان، ۱۳۸۲
- ۳ - مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، چاپ سربی تهران، ۱۳۳۹
- ۴ - بدخش، سعید، مالکیت ادبی، هنری، نشر منشور سمیر، چاپ اول، ۱۳۹۶
- ۵ - انصاری، باقر، ساز و کارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۷
- ۶ - اباست پورمحمد، بشیری، علی اکبر، جاوید، احسان، صابرزاد، علی، ایران و چالشهای حقوقی بین‌المللی (حقوق مالکیت معنوی)، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۷ - حسینی نیک، سید عباس، سیاست جنایی ایران در حمایت از حقوق تألیف و نشر، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۲
- ۸ - نوروزی، علیرضا، حقوق مالکیت فکری حق مؤلف، حق مؤلف و مالکیت صنعتی، تهران، پاییز ۱۳۸۱
- ۹ - فتحی زاده، امیر هوشنگ، بزرگی، وحید، بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۰ - حمید، آیتی، حقوق آفرینشهای ادبی و هنری، نشر دادگستر، زمستان ۹۳
- ۱۱ - لطفی، تقی، تفسیر سخرانی پروفیسور اولمر، مجله کانون وکلا، سال بیست و یکم، شماره ۱۱۴، پاییز ۱۳۴۸، صص ۱۷۴-۱۷۳
- ۱۲ - مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۳، صص ۲۳۹ و ۲۳۸
- ۱۳ - حبیب، سعید و شاکری، زهرا، دکترین استیفای حق در مالکیت فکری، سمت، ۱۳۸۹، ص ۱۹ و ص ۱۰۵
- ۱۴ - کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مجاور و حقوق مؤلف در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵
- ۱۵ - کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادهای بنیاد حقوقی کاتوزیان ج ۲، ۱۳۸۵، ص ۱۲
- ۱۶ - لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، ش ۱۱۸۲، ص ۳۱۴۵
- ۱۷ - گرباود. ترجمه غلامرضا لایقی الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی رایت) تهران. خانه کتاب ۱۳۸۰
- ۱۸ - محمد قصاب. ویراستارمغان جزایری. قانون کپی رایت. تهران پیکان ۱۳۸۵
- ۱۹ - نصر... پورجوادی. درباره نشر کتاب و حق مؤلف. تهران. مرکز دانشگاهی ۱۳۸۱
- ۲۰ - فرج ... الهی. حقوق پدید آورندگان. قم. سلسله. ۱۳۸۲
- ۲۱ - علی اعظم محمد بیگی. بررسی نظام ملی حق مؤلف در ایران. تهران. روش. ۱۳۷۹.
- ۲۲ - سلطانی. غلام. کپی رایت و حقوق مرتبط با آن. زند.

- ۲۳- ایران. قوانین و احکام. مجموعه قوانین مالکیت‌های فکری (مالکیت صنعتی-مالکیت ادبی و هنری) مشتمل بر قوانین ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی. مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- ۲۴- حسینی نیک. سیدعباس. مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت ادبی و هنری. مجلد.
- ۲۵- کاظمی. امین. تعامل حقوق مالکیت فکری و نفع عمومی. تهران. جاودانه. جنگل ۱۳۹۲
- ۲۶- علی صدارت. مهدی نراقی. تحول حقوق مالکیت و مالکیت معنوی. تهران ۱۳۵۵
- ۲۷- جواد عربیان. چشم انداز فقهی و حقوقی مالکیت‌های فکری با تاکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (س). تهران. پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی. معاونت پژوهشی. ۱۳۸۲

- 1 – The shrink- warp.
- 2 – ProCD ink.v.zeidenberg case.86f.3d.pp.1447.1449(7 th cir. 1996).
- 3 – The digitalshrink – wrap.
- 4 – Register.com. inc.v.verio.inc case. 365 f.3d 393.p. 428 (2d cir. 2004)
- 5 – The browse – warp.
- 6 – register. com.op.cit.p. 401.
- 7 – Specht v.netscape commcns.corp case. 150f. supp. 2d 585.pp.593-94(s.d.n.y.2001).
- 8 – The click – warp.
- 9 – Specht v.Netscape. Op.cit
- 10 – World Wide Web Consortium.Learning About URLs.It is available on<http://www.w3.org/Addressing/#background.24/1/2010>
- 11 – Register.com.Op.cit.
- 12 – Wikipdia.wikipedia about.It is available on:<<http://en.wikipedia.org/wikipededia:About>>24/1/2010
- 13 – Wikipedia:Copy rights.It is available on:<<http:// en.wikipedia.org/wiki/Wikipedia:Copyrights>>24/1/2010.
- 14– Creative Commons.2010.About Licenses.It is available on <<http://creativecons. org/about/licenses/>>.
- 15- www.openPhoto.net>.
- 16- <www.wikipedia.org>.
- 17- <www.whkibooks.org>.
- 18– Lydia P.Loren.Building a Reliable Semicommons of Creative Works:Enforcement of Creative Creative Commons Licenses and Limited Abandonment of Copy right.14 GEO.MASON L.REV.2007.pp.283-286.
- 19– Kumar.Sapna.2006.enforcing the GNU GPL.journal of Law.Technology & Policy.Vol.I.is available on <<http:// ssm.com/abstract=936403>>.p.2.
- 20– Allison.Dennis.Design notes for TINY BASIC ".SIGPLAN Notices (ACM) Vol.11.Issue 7.1976.pp.25-33.doi:1145/987491.987494.pp.25-33.
- 21– Warren.jim C."Correspondence".SIGPLAN Notices (ACM) Vol.11.Issue 7.1976.pp.1-2.ISSN0362-1340.pp.1-2
- 22- Wang Li.Chen."Palo Alto TinyBASIC".Dr.Dobbs Journal of Computer Calisthenics & Orthodontia.976.Vol 1.No.5 issue.1976.pp.12 -25

ضمائم

قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان

فصل یکم، تعاریف

ماده ۱ - از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان به کار رفته " اثر " اطلاق می‌شود.

ماده ۲ - اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

- ۱- کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته‌ی دیگر علمی، فنی، ادبی و هنری.
- ۲- شعر، ترانه، سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
- ۳- اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
- ۴- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
- ۵- نقاشی، تصویر، طرح، نقش، نقشه جغرافیایی ابتکاری، نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
- ۶- هرگونه پیکره (مجسمه)
- ۷- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.
- ۸- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.
- ۹- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.
- ۱۰- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ‌عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.
- ۱۱- اثر فنی که جنبه‌ی ابداع و ابتکار داشته باشد.
- ۱۲- هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

فصل دوم. حقوق پدیدآورنده

ماده ۳- حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

ماده ۴- حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

ماده ۵- پدیدآورنده اثرهای موردحمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

- ۱- تهیه فیلم های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
- ۲- نمایش صحنه ای مانند تئاتر و باله و نمایش های دیگر.
- ۳- ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر.
- ۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.
- ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن.

۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.

۷- بکار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.

ماده ۶- اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.

ماده ۷- نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است.

تبصره. ذکر مأخذ در مورد جزوه هایی که برای تبدیل در موسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست، مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد.

ماده ۸- کتابخانه های عمومی و موسسات جمع‌آوری نشریات و موسسات علمی و آموزشی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شوند، می‌توانند طبق آیین‌نامه ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، از اثرهای موردحمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری کنند.

ماده ۹- وزارت اطلاعات می‌تواند آثاری را که قبل از تصویب این قانون پخش کرده و یا انتشار داده است، پس از تصویب این قانون کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۰- وزارت آموزش و پرورش می‌تواند کتاب‌های درسی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتاب‌های درسی چاپ و منتشر کرده است، کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۱- نسخه‌برداری از اثرهای موردحمایت این قانون مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است.

فصل سوم. مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت های قانونی دیگر

ماده ۱۲ - مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.

تبصره. مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون ۳۰ سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۳ - حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آن که برای مدت کمتر یا ترتیب محدود تری توافق شده باشد.

تبصره. پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می گیرد، متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۴ - انتقال گیرنده حق پدیدآورنده می تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند، مگر این که برای مدت کمتر توافق شده باشد.

ماده ۱۵ - در مورد مواد ۱۳ و ۱۴ پس از انقضاء مدتهای مندرج در آن مواد، استفاده از حق مذکور در صورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۱۲ خواهد بود.

ماده ۱۶ - در موارد زیر حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود:

۱- اثرهای سینمایی یا عکاسی.

۲- هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد.

ماده ۱۷ - نام و عنوان و نشانه ویژه ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی تواند آن ها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که الغاء شبهه کند بکار برد.

ماده ۱۸ - انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد و یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند، مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

ماده ۱۹ - هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

ماده ۲۰ - چاپخانه ها و بنگاه های ضبط صوت و کارگاهها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می پردازند باید شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه هایی که پخش می شود با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند.

ماده ۲۱ - پدید آورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار، آگهی می‌نماید به ثبت برسانند. آیین‌نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲ - حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

فصل چهارم. تخلفات و مجازات‌ها

ماده ۲۳ - هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده، نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴ - هر کس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند، به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵ - متخلفین از مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.
ماده ۲۶ - نسبت به متخلفان از مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ این قانون در مواردی که به نسبت سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است، وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

ماده ۲۷ - شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود.

ماده ۲۸ - هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد، علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسوول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

ماده ۲۹ - مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند.

ماده ۳۰ - اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است. اشخاصی که بدون اجازه، از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره‌برداری کرده‌اند، حق نشر یا اجرا یا پخش یا تکثیر یا ارائه مجدد یا فروش آن آثار را ندارند، مگر با اجازه پدیدآورنده یا قائم مقام او با رعایت این قانون، متخلفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون، اثر را به چاپ رسانند یا ضبط یا تکثیر یا از آن بهره‌برداری کنند، به کیفر مقرر در ماده ۲۳ محکوم خواهند شد. دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۳۱ - تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و باگذشت او موقوف می‌شود.

ماده ۳۲ - مواد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات عمومی ملغی است.
ماده ۳۳ - آیین‌نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر و وزارت عدلیه و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر سی و سه ماده و سه تبصره پس از تصویب مجلس سنا، در تاریخ روز دوشنبه سوم آذر ماه ۱۳۴۸ در جلسه پنجاهمین یازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و چهل و هشت شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

همان‌طور که اشاره شد در ماده ۲۲ قانون‌گذار از حقوق مادی پدیدآورنده زمانی حمایت می‌کند که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا اجراء شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجراء نشده باشد، در اجرای ماده ۲۲ بعضی از ناشران و صفحه‌سازان موسیقی با تفسیر موسع از این ماده قانونی سوءاستفاده کردند و کتابها و صفحات موسیقی که در خارج از ایران برای اولین بار ساخته و منتشر شده بود عیناً نسخه‌برداری کرده و در بازارهای داخل ایران و خارج از ایران در مقابل جنس اصل قراردادند و دچار تقلب و رقابت غیر عادلانه گردیدند. نتیجه این عمل شکایتهای بسیار زیادی بود که به دادگاهها سرازیر می‌شود و قانونگذاران ایران را بر آن داشت که قانونی دیگر را در جهت تکمیل قانون قبلی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی وضع نمایند. این قانون حاوی ۱۲ ماده و ۱ تبصره است که شرح آن در ذیل می‌آید:

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی

مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶

ماده ۱- حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است.

حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این قانون قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است.

ماده ۲ - تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است.

ماده ۳ - نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است. بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.

ماده ۴ - صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی پ لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد.

ماده ۵ - تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به‌منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر این‌که جنبه‌ی انتفاعی نداشته باشد و اجازة‌ی نسخه‌برداری از آن‌ها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و هنر رسیده باشد.

تبصره. نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون در صورتی‌که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد بلا مانع است.

ماده ۶ - در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت‌های مذکور در این قانون به‌شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است.

ماده ۷ - اشخاصی که عالماً و عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی، به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یکسال محکوم خواهند شد:

۱- کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند.

۲- کسانی که اشیاء مذکور در ماده ۳ را که به‌طور غیر مجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند.

ماده ۸ - هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزائی شخص حقوقی مسوول که جرم ناشی از تصمیم او باشد، خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی‌که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال شخص حقیقی مسوول جبران می‌شود.

ماده ۹ - مراجع قضایی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع شکایت و ضبط آن تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.

ماده ۱۰ - احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایت‌های مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود.

ماده ۱۱ - مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد.

ماده ۱۲ - تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و باگذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و یک تبصره پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ روز دوشنبه ۱۳۵۲/۹/۲۶ در جلسه روز پنجشنبه ششم دیماه یکهزار و سیصد و پنجاه و دو شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

آئین نامه نظارت بر نشر کتاب کودک

ماده ۱- مبنای قانونی به استناد ماده مصوبات جلسات ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تشکیل هیئت نظارت بر نشر کتاب کودک و نوجوان که از این پس آئین نامه نامیده خواهد شد در دستور کار هیئت نظارت قرار گرفت. این آئین نامه با هدف حمایت از حقوق کودکان، اعتلای فرهنگ و ادب، ترویج کتابخوانی، پاسداشت زبان فارسی و حفظ حرمت قلم و اهل قلم تهیه شده است.

ماده ۲- دایره شمول

کتاب کودک و نوجوان به آن دسته از کتابهایی اطلاق می شود که برای گروه های سنی تا پایان ۱۷ سالگی منتشر می شود و در این آئین نامه به اختصار کتاب نامیده می شود.

- ملاک کودکانه و نوجوانانه بودن، تشخیص کارشناسی خواهد بود.
- اشکال جدید کتاب شامل کتاب چند رسانه ای، کتاب بازی، کتاب گویا و موارد جدید دیگر پس از تایید هیئت نظارت مشمول این آئین نامه خواهد شد.
- کتاب های درسی (کتابهایی که در مدارس به صورت رسمی تدوین می شود). کتاب های کمک درسی و کمک آموزشی که کمتر از ۴۸ صفحه باشد، نشریه های ادواری (شامل: روزنامه ها، مجلات و...) دفاتر تمرین، رنگ آمیزی و نت موسیقی و جزوه های تکثیر محدود مشمول این آئین نامه نمی شوند.
- این آئین نامه ناظر بر کلیه اجزای کتاب خواهد بود.

ماده ۳- روش اجرا

- آئین نامه پس از تصویب نهایی منتشر خواهد شد و کلیه ناشران کتاب های کودک و نوجوان موظف به اجرای آن هستند. در صورت تخلف، موضوع به هیات رسیدگی به تخلفات ناشران ارجاع خواهد شد.
 - به منظور نظارت بر حسن اجرای مفاد این آئین نامه، گروه هایی متشکل از کارشناسان در حوزه های تخصصی مختلف، در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل خواهد شد که از این پس به اختصار "گروه کارشناسی" نامیده خواهند شد.
 - نحوه گزینش و کار این کارشناسان مطابق شیوه مصوب هیئت نظارت خواهد بود و هیئت نظارت بر چگونگی عملکرد این کارشناسان نظارت کامل خواهد داشت.
 - ضروری است کلیه موارد بررسی، صدور مجوز و رسیدگی به شکایات، مطابق با این آئین نامه انجام پذیرد.
 - نظرات گروه های کارشناسی باید با ذکر بند یا بندهایی از آئین نامه که به آن استناد شده، همراه باشد.
 - ماده ۴ - مقررات عمومی
 - نشر کتاب های کودک و نوجوان بدون اخذ مجوز ممنوع است.
- تبصره: انتشار کتاب های غیر فارسی و کتابهایی که اصطلاحاً افسست نامیده می شوند نیز مشمول آئین نامه خواهند بود.

- رعایت قوانین مربوط به حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در نشر کتاب ضروری است.
 - برای بررسی کتاب ارائه شناسنامه کامل، فیبا، شابک و ذکر گروه سنی مخاطبان ضروری است.
 - در مورد آثار ترجمه شده، ارائه نمونه کتابی که برگردان از روی آن صورت گرفته است با درج کامل مشخصات آن در کتاب ترجمه شده الزامی است.
 - پیامدهای معاهده نامه بین‌المللی حقوق معنوی ناشر و مؤلف (کپی‌رایت) بر عهده ناشر است.
 - ارائه نمونه نهایی کتاب برای صدور مجوز ضروری است. منظور از نمونه نهایی نسخه ای است که پس از دریافت مجوز عینا به چاپ می‌رسد.
 - مستندات اطلاعات ادعا شده درباره کتاب در صورت درخواست باید ارائه شود.
 - ظاهر کتاب که شامل قطعه، جلد، جنس، خط، اندازه حروف، تصاویر، طراحی صفحات، کیفیت چاپ و... می‌شود، نباید از حداقل تناسب با مخاطب بی بهره باشد.
 - برای حفظ سلامتی کودکان، رعایت نکات ایمنی در تولید کتاب‌های کودکان ضروری است. تبصره: دریافت مجوز لازم از مراجع قانونی به عهده ناشر است.
 - کلیه مشخصات کتاب در مرحله درخواست مجوز و مرحله اعلام وصول باید یکسان باشد.
 - در گونه های مختلف کتاب تصویر و متن باید از تناسب و هماهنگی برخوردار باشد.
 - بازنویسی متون کهن و ادبیات ارزشمند عامه یا اقتباس از آن‌ها به گونه ای که منجر به افت ارزشهای آن شود، مجاز نیست.
 - در هرگونه بازنویسی (اقتباس، بازنویسی، تلخیص، گزیده و...) ذکر منبع اصلی و نوع تغییرات الزامی است.
 - متن و تصویر کتاب نباید متضمن وهن بزرگان و قهرمانان ملی و تاریخی، اولیا و معصومین (ع) و ارزشهای اجتماعی باشد.
 - لباس و ظاهر شخصیت های حیوانی در داستانها نباید دربردارنده وهن به ارزشهای اجتماعی باشد.
 - درج آگهی های تجاری و تبلیغی مجاز نیست. تبصره: آگهی کتاب‌های کودک و نوجوان دارای مجوز بلامانع است.
- ماده ۵- زبان
- رعایت قوانین دستوری زبان فارسی و املائی صحیح کلمات الزامی است.
 - جایگزینی معادل‌های مناسب فارسی برای واژه های خارجی ضروری است.
 - زبان اثر باید مبتنی بر واژگان پایه و ترکیبات زبانی مناسب گروه سنی مخاطب باشد.
 - کتاب باید از یک رسم الخط واحد و رایج مانند شیوه نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی و یا رسم الخط کتاب‌های درسی برخوردار باشد.
 - نوشتن کلمات فارسی و زبان های محلی و بومی با حروف غیر فارسی مجاز نیست.
 - بکارگیری حروف غیرفارسی در کتاب‌های فارسی در صورت ضرورت تنها درپانویس مجاز است.
 - کتاب‌های کودک و نوجوان باید با زبان فارسی معیار نوشته شود و غلط آموزشی نداشته باشد.

تبصره: شکسته نویسی و استفاده از زبان محاوره در موارد زیر بلامانع است:

الف) شعر پیش دبستانی که برای این گروه سنی خوانده می‌شود.

ب) گفتگو نویسی داستانها و نمایشنامه های نوجوانان

ج) ترانه، ادبیات عامیانه و بازی های منظوم.

- به کار بردن اصطلاحات و واژه هایی که در عرف جامعه توهین، تحقیر و مستهجن تلقی میشوند، برای خردسالان و کودکان ممنوع است.

ماده ۶- محتوا

موارد محتوایی ذیل، مانع صدور مجوز کتاب خواهد بود:

- تبلیغ و ترویج الحاد و انکار مبانی دین
 - ترویج فحشاء و فساد اخلاقی
 - تحریک کودکان و نوجوانان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ضدیت با آن
 - ترویج و تبلیغ خرافه و فرق ضاله شناخته شده
 - ترویج و تبلیغ نظام های استکباری، مداخله جو، استبدادی، سلطنتی و گروه های محارب و غیر قانونی
 - پرداختن به اختلافات قومی، دینی و مذهبی به نحو تفرقه انگیز و اخلال در وحدت جامعه
 - اخلال و تشکیک در تمامیت ارضی و استقلال کشور
 - تمسخر و تضعیف غرور ملی و روح وطن دوستی و ایجاد روحیه خود باختگی در برابر فرهنگ و تمدن و نظامات بیگانه
 - پرداختن به مطالبی که موجب تضعیف یا تحقیر اصول اخلاقی شود
 - پرداختن به مطالبی که سبب تضعیف یا تخریب نهاد خانواده شود
 - انتشار مطالب علمی، تاریخی، مذهبی و... نادرست و غیر معتبر
- ماده ۷ - ترجمه

- حفظ ساختار متن اصلی الزامی است.

- دخل و تصرف در متن اصلی مجاز نیست

تبصره: در مواردی که برای اجرای این آئین نامه و یا رعایت ضرورت های فرهنگی مخاطب، تغییراتی در متن یا تصویر ضرورت یابد، این تغییرات نباید تصنعی و متکلفانه باشد و ناشر موظف است این تغییرات را به گروه کارشناسان اطلاع دهد.

- در ترجمه انواع داستان های کودکانه و نوجوانانه حاوی اشاراتی به زندگی و اعتقادات سایر ادیان، درج توضیح لازم به صورت پاورقی، در مواردی که با اعتقادات اسلامی مغایرت داشته باشد، الزامی است.

- ترجمه های شعر باید دارای حسن و بیان شاعرانه باشد.

- ترجمه کتاب های فارسی به زبان خارجی تنها با رعایت کامل ویژگی های زبان معیار مقصد و با توجه به مخاطب، مجاز خواهد بود.

- با توجه به جنبه آموزشی کتاب‌هایی که علاوه بر متن فارسی ترجمه آن رادرج می‌کنند، رعایت اصول درست نویسی و متناسب با گروه های سنی هر دو زبان الزامی است.
- ماده ۸- شعر
- رعایت اصول اولیه شعری در قالب های مختلف شعر کودک و نوجوان ضروری است.
- موسیقی، صورخیال و صنایع مختلف شعری باید متناسب با گروه های مختلف مخاطب به کار رود.
- ماده ۹- داستان
- داستان از نظر سبک و گونه باید با قواعد نوع خود منطبق باشد.
- ماده ۱۰- سایر متون ادبی
- در نگارش نمایشنامه ها، رعایت قواعد حاکم بر اینگونه ادبی ضروری است.
- ماده ۱۱- محتوای کتاب‌های کمک درسی باید هماهنگی های لازم را با کتاب‌های درسی رسمی کشور داشته باشد.
- ماده ۱۲- هنر
- کتابهایی که از روی فیلم های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی اعم از زنده و انیمیشن تهیه می‌شود فقط در مواردی مجاز است که:
- الف- از روی متن اصلی فیلمنامه تهیه شده باشد. ب- به تایید هیئت نظارت، دارای ارزش ادبی و هنری باشد.
- ماده ۱۳- دینی
- در این آئین‌نامه منظور از کتاب‌های دینی، کلیه کتاب‌های کودک و نوجوانی است که به یکی از موضوعات دینی مثل اعتقادات (اصول)، احکام (فروع)، شخصیت های مقدس، تاریخ و... یکی از ادیان الهی می‌پردازد
- تبصره: سایر کتابهایی نیز که بخشی از آن به موارد مذکور می‌پردازد، در آن بخشها مشمول ضوابط ذیل خواهد بود.
- مستندات کتاب باید بر پایه منابع و مدارک معتبر تنظیم شده باشند و در صورت استناد به موارد مورد اختلاف از پشتوانه کارشناسی یا پژوهشی برخوردار باشند.
- بخش هایی از متون ادبی خلاق همچون شعر و داستان که مشخصا در منابع معتبر موجود نیست و به دلیل منطبق داستان، افزوده می‌شود باید دارای پشتوانه منطقی و بر اساس شناخت زمان، مکان، شخصیت ها و موقعیت ها باشد.
- درج فهرست منابع و مآخذ و در موارد نیاز، پانویس ها الزامی است.
- تصویرگری کتاب دینی ضمن دارا بودن ارزشهای حسی و تعالی جویانه نباید مغایرتی با اطلاعات منابع معتبر و پژوهش های تاریخی و یا جنبه قدسی وجود شریف معصومین (ع) داشته باشد.
- آوردن عبارات و واژه های نامانوس عربی باید با اعراب و علامت گذاری انجام شود.

- مرجع و مآخذ آیات (ذکر نام سوره و شماره آیه) و روایات از کتاب‌های معتبر باید در متن پانوشت یا انتهای کتاب مشخص شود.
- ترجمه آیات و روایات باید در متن یا پانوشت ذکر شود.
- نقل شبهات دینی به منظور آگاهی مخاطب بلامانع است؛ به شرط آنکه با تحلیل و پاسخ دقیق و کافی همراه باشد.

ماده ۱۴ - سایر موارد

- ناشران و پدیدآورندگان کتاب در صورتیکه به رای کارشناسی اعتراض داشته باشند می‌توانند شکایات خود را کتبا به هیئت نظارت ارائه کنند.
- در کلیه مواردی که این آئین‌نامه به آن نپرداخته است بر اساس نظر هیئت نظارت عمل خواهد شد.
- این آئین‌نامه هر دو سال یکبار، طی جلساتی مورد بررسی اعضای هیئت نظارت قرار خواهد گرفت تا نسبت به حذف و اضافاتی که ضروری تشخیص داده شود تغییرات احتمالی صورت گیرد. تغییرات احتمالی، پس از تصویب هیئت نظارت قابل اجراست.

این آئین‌نامه در ۱۴ ماده، ۶۹ بند و ۸ تبصره در تاریخ ۸۴/۴/۵ به تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجراست.

اصلاحیه ضوابط نشر کتاب که در مجلس شورای عالی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است دارای ضوابط زیر است:

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۹ برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه ۶۶۰، اصلاح مصوبه را به شرح زیر تصویب کرد:

مصوب جلسه ۶۶۰ مورخ ۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی
شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۶۰ مورخ ۸۹/۱/۲۴ بر اساس پیشنهاد مورخ ۸۷/۸/۲۵ و ۸۸/۹/۲۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اصلاح مصوبه را "اهداف، سیاستها و ضوابط نشر کتاب، مصوب جلسه ۴۹ مورخ ۶۷/۲/۲۰" مصوبه را به شرح ذیل تصویب کرد:

ماده ۱- هدف

اعتلای فرهنگ دینی و ملی در جامعه از طریق توسعه دانش و نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی، ایرانی و انقلابی با تامین آزادی نشر کتاب، حفظ حرمت و آزادی قلم، صیانت از جایگاه والای علم، اندیشه و ایمان دینی و همچنین ایجاد زمینه مناسب برای حضور موثر در عرضه جامعه جهانی.

ماده ۲ - سیاست کلی

نظام جمهوری اسلامی، سیاست آزادی اندیشه و بیان و عقاید را در چارچوب هدف موضوع ماده ۱ فوق به‌عنوان یک اصل اساسی خود برگزیده است و بر حقوق و تکالیف قانونی در زمینه نشر کتاب اعم از چاپی و الکترونیکی مطابق ضوابط قانونی تأکید می‌کند.

ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می نمایند، باید ترتیب آثار داده شود.
روح الله موسوی خمینی ۶۷/۱۲/۶

رهبر معظم انقلاب: شورای عالی انقلاب فرهنگی قرارگاه اصلی فرهنگی کشور است. تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم الاجراست و باید اجرا شود

ماده ۳- سیاستهای ایجابی، حدود و ضوابط

۱- دولت و همه ارکان حکومت موظف اند در چارچوب قانون، از حریم آزادی انتشار کتاب حمایت کنند.

۲- حق انتشار کتاب به منظور افزایش آگاهی های دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، هنری، تاریخی، اجتماعی و نظایر آن.

از حقوق آحاد ملت است و این حق بدون مجوز قانونی، قابل سلب نیست.

۳- تدوین و اجرای سیاستهای هدایتی و حمایتی جمهوری اسلامی ایران از کتاب باید به نحوی باشد که اهل قلم را به تألیف، ترجمه و انتشار کتابهای متناسب با نیازهای جامعه امروز برای نیل به موارد ذیل تشویق و ترغیب نماید:

الف- تقویت و ترویج امر پژوهش

ب- تبیین و ترویج اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی و نگهبانی از دستاوردهای آن از راه تألیف و نشر.

ج- احیای میراث مکتوب و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی

د- مقابله موثر و مفید با تهاجم سیاسی و فرهنگی علیه عقاید و ارزشهای اسلامی ملی و انقلابی

ه - بهره گیری مفید از دانش و اندیشه بشری از طریق ترجمه سنجیده و متناسب با زبان معیار.

ز - حمایت از ترجمه و نشر آثار ارزشمند به زبان های دیگر.

ل - کمک به توسعه آموزش غیر رسمی افراد جامعه از طریق ارتقاء سطح دانش و مهارت همگانی

ماده ۴- حدود قانونی

نشر کتاب همانگونه که ممکن است مظهر و نمودی از آزادی های اجتماعی و انسانی تلقی شود، چه بسا مورد سوءاستفاده و اشاعه لابلالی گری فکری و اخلال در حقوق عمومی قرار گیرد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دستگاه های ذی صلاح موظف است برای مقابله با جوانب منفی، حدود و ضوابط نشر کتاب را که ذیلا آمده است، موردتوجه قرار دهد و فضای سالم و سازنده چاپ و نشر کتاب را حفظ و حرمت نماید:

الف- دین و اخلاق:

۱- تبلیغ و ترویج الحاد و اباحه گری، انکار یا تحریف مبانی و احکام اسلام و مخدوش کردن چهره شخصیت هایی که از نظر دین اسلام محترم شمرده می شوند و تحریف وقایع تاریخی -دینی که مآل به انکار مبانی دین منجر شود.

۲- توهین به مقدسات دین مبین اسلام و تبلیغ علیه تعالیم اصول و مبانی آن.

۳- ترویج و تبلیغ ادیان، مذاهب و فرقه های منحرف و منسوخ، تحریف شده و بدعت گذار

تبصره: معرفی ادیان و مذاهب و بیان احکام یا تحقیق درباره آنها با رویکرد علمی و غیر تبلیغی مستثنی است.

۴- ترویج خرافات و مخدوش کردن چهره اسلام

۵- بیان جزئیات مراودات جنسی، گناهان، کلمات رکیک و مستهجن، به نحوی که موجب اشاعه فحشا شود.

تبصره: بیان مراودات جنسی یا مفاسد بازیابی عقیف و غیر محرک به منظور آموزش، انتقال پیامی مثبت یا نشان دادن چهره شخصیت های منفی، از حکم این بند مستثنی است.

۶- استفاده از جاذبه جنسی و تصاویر بر همه زنان یا مردان با عنوان آثار هنری یا هر عنوان دیگر.

تبصره: استفاده از تصاویر و طرح های علمی در کتاب های تخصصی و علمی بلامانع است.

۷- انتشار تصاویر به نحوی که موجب اشاعه فحشاء شود نظیر رقص، مشروب خواری و مجلس فسق و فجور

تبصره: چاپ تصاویر مجالس فسق و فجور عناصر حکومت پهلوی یا ضد انقلاب برای اسناد تاریخی با رعایت عفت عمومی مستثنی است.

۸- ترویج مادی گرایی فلسفی و اخلاقی و سبک های زندگی مخالف ارزش های اسلامی و اخلاقی.

۹- خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان واقعی.

ب - سیاست و اجتماع

۱- توهین، تحریب یا افترا به امام خمینی (ره) و رهبری، رئیس جمهور مراجع تقلید و تمام افرادی که حفظ حرمت آنها شرعا و یا قانونا لازم است.

۲- تبلیغ علیه قانون اساسی و انقلاب اسلامی و معارضه با آنها

۳- برانگیختن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی.

۴- ترویج گروه های محارب و عناصر ضد انقلاب و تروریست و نظام های لائیک و سلطنتی و خاندان پهلوی و تطهیر چهره های منفی آنان.

تبصره: طرح و نقل افکار و گفتار و مواضع فکری و علمی مخالفان انقلاب و نظام برای بررسی محققانه و عالمانه آرا و اندیشه های آنها منعی ندارد.

۵- تبلیغ و ترویج وابستگی به قدرت های سلطه جو و ضدیت با استقلال کشور.

۶- تبلیغ علیه منافع و امنیت ملی و ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی.

تبصره: بیان نارسایی ها و اشکالات در جمهوری اسلامی برای نقد و بررسی و شناخت دقیق تر مسائل و دستیابی به راه حل های مناسب و بیان مستدل و اصلاح طلبانه مشکلات و دور از توهین و افترا بلامانع است.

۷- اخلاف و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و ایجاد آشوب، درگیری و اختلاف میان اقوام و مذاهب.

تبصره: چاپ کتاب‌های علمی و استدلالی عقیدتی که محرک احساسات منفی و برهم زننده اساسی وحدت در میان اقوام و فرق مختلف کشور نباشد، اشکالی ندارد.

۸- تضعیف و تمسخر افتخارات ملی، حس وطن دوستی و توانایی های علمی و عملی مردم ایران، فرهنگ خودی و اقوام ایرانی.

۹- ترویج و تبلیغ روحیه خود باختگی در برابر فرهنگ و تمدن بیگانه و القای حس عقب ماندگی

۱۰- تبلیغ صهیونیسم و انواع دیگر نژاد پرستی

۱۱- تحریف وقایع مهم و مسلم تاریخی ایران و اسلام.

ج - حقوق و فرهنگ عمومی

۱- توهین و تمسخر زبان، فرهنگ و هویت اقوام و اقلیت های دینی و قومی

۲- ترویج و تبلیغ قانون گریزی، بی بندوباری و لاپالایی گری.

۳- تبلیغ علیه خانواده و تضعیف و تخریب ارزش و جایگاه آن.

۴- ترویج ناامیدی، سرخوردگی پوچی و بیهودگی و نگرش های منفی در جامعه و افزایش بی اعتمادی عمومی.

۵- تحقیر و تمسخر اقشار مختلف جامعه

۶- ترویج و تبلیغ جریانها و اشخاص فاسد و منحرف فرهنگی و هنری داخلی و خارجی.

۷- افشای غیر قانونی اسناد طبقه بندی شده کشوری و لشکری

۸- تخریب هویت زبان ملی

ماده ۵ - هیئت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب

نظر به اینکه نظارت بر امر طبع و نشر کتاب و اجرای صحیح اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، این وزارتخانه هیئت نظارتی متشکل از حداقل پنج نفر از میان صاحب نظران و شخصیت های علمی، دینی و فرهنگی دارد به مسایل کتاب و نشر و امور اجتماعی و سیاسی و تبلیغاتی را انتخاب و جهت تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی خواهد کرد.

تبصره - متناسب با هر رشته تخصصی و کاری، کارگروهی متشکل از افراد صاحب نظر و به انتخاب شورای فرهنگ عمومی وزیر نظر هیئت تشکیل می شود. علاوه بر کارگروه های تخصصی فوق، کارگروه های استانی نیز به معرفی هیئت و انتخاب شورای فرهنگ عمومی، تشکیل می شود.

ماده ۶ - هیئت نظارت بر نشر کتاب های کودکان و نوجوانان

نظر به حساسیت و جنبه های خاص کتاب های کودکان و نوجوانان، هیئت ویژه ای به نام " هیئت نظارت بر نشر کتاب های کودکان و نوجوانان " متشکل از حداقل پنج نفر از افراد صاحب نظر و آگاه به امور تربیتی (از دیدگاه اسلام) و مسایل خاص کتاب های کودکان تشکیل خواهد شد. این افراد را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از میان صاحب نظران و نویسندگان کتاب های کودکان و نوجوانان و اشخاص آگاه به مسایل تربیتی در اسلام انتخاب و جهت تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی خواهد کرد.

تبصره ۱ - کارگروه های تخصصی مربوط به معرفی هیئت و تصویب شورای فرهنگ عمومی، انتخاب و تشکیل می شود.

تبصره ۲ - حداقل یکی از اعضای این هیئت باید از میان صاحب نظران و اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باشد.

تبصره ۳ - نظارت هیئت مزبور از حیث شکل و محتوای کتب کودکان و نوجوانان و انطباق آنها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول تربیتی خواهد بود.

ماده ۷- نظارت هیئت های مذکور در مواد ۵ و ۶ قبل از چاپ و نشر کتاب آغاز و در تمامی مراحل استمرار دارد. مصوبات هیئت های نظارت لازم الاجراست.

ماده ۸ - صدور مجوزهای مربوط به کتاب، تشکیل جلسات هیئت های نظارت هماهنگی فعالیت کمیته های استانی، تدوین دستور جلسات هیئت نظارت، هماهنگی کارسگروه ها، بررسی آن و اجرای سیاستهای نظارتی هیئت های مندرج در موارد ۵ و ۶، توسط دبیرخانه هیئت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می شود خواهد بود. براین اساس دبیرخانه موظف است گزارش عملکرد این مصوبه را هر سال یکبار به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.

ماده ۹ - هیئت نظارت می تواند با تایید شورای فرهنگ عمومی کمیته های متعدد داوری برای بررسی و ارزیابی آثار و کتب مورد تقاضا برای نشر تشکیل دهد. آثار مزبور برای بررسی و ارزیابی به یکی از کمیته های مزبور به عنوان کمیته اولیه ارائه می شود. در صورتی که پاسخ کمیته اولیه نسبت به انتشار آن مساعد باشد، با اخذ تعهد کتبی از ناشر، مجوز چاپ به وی داده می شود. در غیر اینصورت وی می تواند پس از ابلاغ اصلاحات و نظرات کمیته و ارائه تعهد مبنی بر اعمال اصلاحات مزبور، نسبت به انتشار اثر و کتاب خود اقدام نماید. همچنین در صورتی که نسبت به رای کمیته اولیه اعتراض به عمل آید، موضوع برای بررسی مجدد به کمیته دوم (موازی) ارائه می شود. پس از بررسی، در صورت تائید نظر کمیته اولیه، بایستی اصلاحات ابلاغی کمیته مزبور، اعمال شود و در موارد بروز اختلاف نظر میان کمیته های اول و دوم، موضوع به کمیته سوم برای بررسی و اظهار نظر نهایی ارائه می شود و نظر این کمیته قطعی و لازم الاتباع است.

تبصره ۱ - کمیته های مزبور باید حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به بررسی و اظهار نظر، اقدام نمایند.

تبصره ۲ - در مورد کتاب های خاص، هیئت نظارت می تواند با تایید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مدت فوق الذکر را حداکثر برای یک ماه دیگر تمدید نماید.

ماده ۱۰ - کلیه آثار منتشر شده بر اساس این مصوبه بایستی قبل از توزیع، از دبیرخانه هیئت های نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب، مجوز توزیع دریافت نمایند.

ماده ۱۱ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است شیوه نامه اجرایی مواد ۶، ۷، ۵ و ۸ را تهیه نماید.

ماده ۱۲ - مسئولیت اجرای سیاستها و ضوابط بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و سایر دستگاه ها موظفند در این خصوص با وزارت مزبور همکاری و هماهنگی نمایند. همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است با همکاری دیگر نهادهای ذیصلاح از چاپ و توزیع کتب های فاقد مجوز رسمی جلوگیری نماید و عندالزوم آنها را به مراجع قضایی نیز معرفی کند.

ماده ۱۳ - هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب، آیین‌نامه تشویق و رسیدگی به تخلفات ناشران در خصوص مواد ۳ و ۴ این مصوبه را تدوین می‌نماید. این آیین‌نامه به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد رسید.

ماده ۱۴ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با همکاری سایر دستگاهها و در جهت تحقق اهداف ماده ۱، بند ۴ ماده ۳ و سیاست‌های ایجابی مندرج در این مصوبه، اقدامات زیر را به عمل آورد:

۱ - حمایت از تأسیس رشته‌های دانشگاهی و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با تولید و نشر کتاب.

۲ - حمایت از برقراری تأمین اجتماعی فراگیر برای کلیه عوامل نشر کتاب اعم از نویسندگان، مترجمان، ناشران و عوامل فنی، هنری و اجرایی نشر.

۳ - حمایت از به کارگیری و بومی‌سازی فن‌آوری‌های نوین در صنعت چاپ و نشر

۴ - ایجاد تسهیلات حمل و نقل کتاب برای ناشران و توضیح کنندگان کتاب و پست کتاب

۵ - تسهیل و تبلیغ کتاب‌های فاخر و شایسته و ترویج فرهنگ نقد کتاب در رسانه ملی و سایر رسانه‌ها

۶ - حمایت از انتشار ترجمه فارسی کتاب‌هایی که در سایر کشورها منتشر شده‌اند منطبق با این مصوبه

۷ - گسترش فرهنگ خرید و فروش و تبادل اینترنتی کتاب

۸ - حمایت از تألیف و تولید کتاب‌های مرجع و پایه با خرید حق انتشار از نسخه رقومی اثر و ارائه آن در کتابخانه ملی و کتابخانه‌های عمومی کشور

۹ - اهدای جوایز ملی به ناشران و مؤلفان و مترجمان برای چاپ و آفرینش آثار مناسب

۱۰ - تخصیص جوایز ملی به رشته‌های فنی و هنری مرتبط با تولید و نشر کتاب

۱۱ - خرید کتب مناسب و برگزیدن کتاب و اهدا به کتابخانه‌های عمومی، مدارس، دانشگاهها، مساجد و نظایر آن در داخل و خارج از کشور با هدف هدایت ناشران به سمت تولید آثار فاخر

۱۲ - راه‌اندازی و تقویت کتابخانه‌های باز، کتابخانه‌های ادارات و کلیه مراکز عمومی و دولتی و کتابخانه‌های روستایی

۱۳ - برپایی نمایشگاه‌های تخصصی و عمومی کتاب در مراکز استانها و شهرهای بزرگ و نیز نمایشگاه‌های سیار در شهرهای کم‌جمعیت و روستاها

۱۴ - معرفی آثار برگزیده فارسی به خارج از کشور و حمایت از تألیفات آثار مربوط به ترویج فرهنگ اسلامی یا ترجمه آثار برگزیده به زبان‌های بیگانه و حمایت از صادرات کتاب

۱۵ - ایجاد تمهیدات لازم به منظور بهره‌مندی حوزه کتاب از تعرفه‌های فرهنگی در بخش خدمات عمومی

۱۶ - تلاش در جهت تدوین قوانین و مقررات لازم برای توسعه صنعت چاپ و نشر کتاب و تصویب آنها در مراجع قانونی ذیربط

ماده ۱۵ - نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام وظایف این وزارتخانه رافع و نافی مسوولیت ناشران نبوده و ناشران با تحویل نسخه پیش از چاپ به دبیرخانه هیأت نظارت، تمامی مسوولیت‌های حقوقی ناشی از عدم انطباق با ضوابط را بر عهده خواهند داشت.

ماده ۱۶ - این مصوبه در شانزده ماده و چهارده تبصره در جلسه ششصد و شصت مورخ ۲۴ / ۰۱ / ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و از این تاریخ (اهداف، سیاستها و ضوابط نشر کتاب) مصوب ۲۰ / ۰۲ / ۱۳۶۷ و سایر ضوابط و مقررات مغایر با آن منسوخ و بلا اثر می‌باشد.

رو نوشت به انضمام یک نسخه مصوبه، به:

- دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
 - مجلس شورای اسلامی
 - اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری
 - دفتر بازرسی ویژه رییس جمهور
 - وزارت دادگستری (برای درج در روزنامه رسمی کشور)
 - هیأت نظارت و بازرسی
 - دفتر دبیر شورای عالی
 - هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی
 - معاونت نظارت و راهبری مصوبات
 - مدیریت حقوقی و تدوین مصوبات
 - دیوان محاسبات کشور و معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری ابلاغ می‌شود.
- در توضیح ماده ۱۵ - اصلاحیه ضوابط نشر کتاب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی باید اذعان داشت که ناشران با تحویل نسخه چاپی قبل از چاپ و تکثیر نهایی به دبیرخانه هیأت نظارت باید در نظر داشته باشند که نتیجه نهایی که آماده چاپ و انتشار می‌گردد هم باید با همین نسخه ای که تحویل دبیر خانه مذکور می‌گردد از هر جهت هم سو باشد و بعد از این که مجوز چاپ را گرفتند، بر مطالب نسخه ای که مجوز آن داده شده است مطلب جدیدی اضافه نکنند و یا حتی مطالبی از آن حذف ننمایند که باعث مغایرت مطالب ذکر شده با نسخه دارای مجوز گردد و این امر چنانچه محقق گردد تمام مسئولیت های ناشی از آن به عهده ناشر می‌باشد، چرا که ناشر نیز با اجازه نشر کتاب علی الاصول آخرین مجوز چاپ برای کتاب را به پدید آور، مصنف یا هنرمند می‌دهد و او باید مسئولیت ناشی از عمل خود را برعهده بگیرد.

Abstract

In spite of many changes in intellectual property protection as science and technology progress and the variety of works protected, the laws of the Iranian subject in this area have been subject to considerable uncertainty. Therefore, in order to comply with international law, the legislator sought to amend the law in 2010 and drafted a 180-article draft law by the Information Council Secretariat's Legal System Working Group in year 6. In this paper, the strengths and weaknesses of the draft law, including all types of material, intellectual, derivative and artistic rights, are studied in a descriptive-analytical manner and compared with relevant international conventions. Since Iran has not yet acceded to any international conventions on the protection of literary and artistic rights, it is bound by Articles 1 to 3 of the Berne Convention to comply with the requirements of its membership of the World Trade Organization. It will also be relevant.

Keywords: copyright, material and intellectual rights, literary and artistic rights, derivative rights, ownership, intellectual property



Payame Noor University

Department of Law

**Thesis Submitted in Partial Fulfillment
of the requirement for the Degree of M.Sc
In mashhad**

Title:

**Derivative, intellectual and artistic and material
rights of authors, authors and artists**

Supervisor

Dr. Ahmad Fadavi

Advisor

Dr. Mohammad Ali Davariar

By

Fatima Zahra Hosseini

December 2019